

۱۸۳

هفتتته



گفت‌وگو با جرالدهورن، مورخ و استاد دانشگاه:

بررسی اوباما مستقل از تاریخ آمریکا ممکن نیست!

مبارزه برای کاخ سفید در سال انتخابات

سال چهارم _ شماره ۱۸۳

پنجشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۰ _ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۲

بها: ۲/۵۰ دلار / در مونتال رایگان

www.Hafteh.ca

◀ گزارش تصویری
اعتراض به حکم اعدام سعید،
در هوای منجمد مونتال
رایان شایگان

◀ ستون آزاد
پیام مهم فرشاد برای هموطنانش
در مونتال
لیلی خاقانی

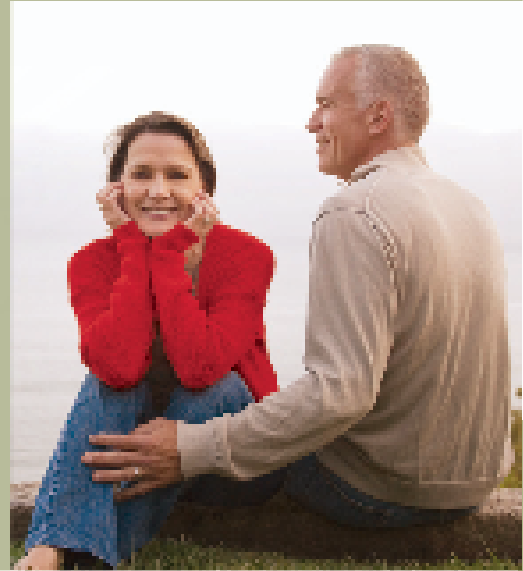
◀ دیدگاه
آموزدیدگاه
آموزش و بازار کار
جان مارشال / محسن حافظیان

◀ سینما
فرهادی، متشکریم...
جایزه گلدن گلوب، افتخاری دیگر
آتوسا اخوان

◀ داستان کوتاه
قانون زندگی از جک لندن
ترجمه: م.ح. مامطیری

◀ گفت‌وگو
با کیانوش نوری، دختر هاید
کامی مالکی

سرمایه‌گذاری دیگری که از نظر شما دور مانده است!



سهام ممتاز (Preferred shares) به عنوان یکی راه درآمد، غالباً از نظر سرمایه‌گذاران پنهان می‌ماند زیرا آنها درباره‌ی این نوع سهام اطلاعات کافی در دست ندارند. سهام ممتاز می‌تواند برای سرمایه‌گذاران محافظه‌کار و همچنین گروه طالب رشد، مناسب باشد و جذابیت‌های ویژه‌ی دربرداشته‌باشد.

✓ بهره با امتیازات مالیاتی

✓ در دست‌ترین بودن اصل سرمایه

✓ امنیت اصل سرمایه

Naghmeh Sabet, BSc, FCSI

Associate Director, Wealth Management
Wealth Advisor

514-287-3690

naghmeh_sabet@scotiacleod.com

Scotia Tower

1002 Sherbrooke Street West, Suite 800

Montreal, Québec H3A 3L6

MacDougall Sabet Team

Personal & Family Professional Results

 **ScotiaMcLeod**[®]

Scotiacleod est membre de la Société d'investissement en actions et en obligations du Québec.
Scotiacleod est un distributeur de produits financiers. Pour en savoir plus sur nos services financiers, veuillez consulter

سده آمد که طرب را سر و سالار بود
شادمانی را زین پس بر مایار بود
آتش جشن سده آتش مهر وطن است
کاندر این خاک نخواهد که شب تار بود
خرم است این سده و شادوان باد که گفت
شب جشن سده را حرمت بسیار بود

کرد آفرید

انجمن دوستان زرتشت با یاری بهنام پیام پس برگزار می‌کند:

جشن و شبی با کرد آفرید

فخرین یاد می‌تواند ایرانی

شنبه، ۴ فوریه ۲۰۱۳، ساعت ۱۱

سالن سینمای کتابخانه دانشگاه کنگوردیا

McConnell Library Building (LB)

1400 de Malsonneuve Blvd. W

Métro Guy-Concordia

تلفن آگاهی: 5148049040 و 5147311443

ورودی: ۲۰ دلار

سه رقیف نخست: ۳۰ دلار



3418 Stanley, unite# R1
 Montreal QC H3A 1R8 Canada
 (514)787-8848
 info@hafteh.ca • editor@hafteh.ca • ad@hafteh.ca
 ISSN 1918-4379 HaftehH

در صورت تمایل برای حمایت از تلاش های ما کمک های مالی خود را به حساب زیر واریز کنید
 Chacavac Cultural Centre
 TD Canada Trust
 Transit #: 0515
 Account #: 5209119



سال چهارم - شماره ۱۸۳
 پنجشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۰ - ۲۶ ژانویه ۲۰۱۲
 بها: ۲,۵۰۰ دلار / در مونترال رایگان

David Berger
 Immigration Lawyer
 Avocat d'immigration

دیوید برگر
 وکیل مهاجرت



۲۰ گفت و گو

با کیانوش نوری، دختر هایده به مناسبت سالگرد درگذشت هایده کامی مالکی دی ماه هر سال یادآور غم انگیز درگذشت هایده هنرمند بزرگ ایرانی ست. امشال پای صحبت دختر هایده نشستیم و او از خاطرات خود با مادرش گفت.



۱۶ گزارش تصویری

رایان شایگان
 اعتراض به حکم اعدام سعید، در هوای منجمد مونترال
 روز یکشنبه ۲۲ ژانویه ساعت ۱۱:۳۰ صبح، مونترال در هوای منجمد ۱۳ درجه زیر صفر، شاهد تجمعی اعتراضی نسبت به حکم اعدام سعید ملکپور بود.



۴۲ ستون آزاد

پیام مهم فرشاد برای هموطنانش در مونترال لیلی خاقانی
 خبر بسیار داغ هفته: «فرشاد محمدی، ایرانی آواره و بی خانمان در مترو بن اونتور به ضرب کلوله



۳۸ تراکتور به دروازه آسیا رسید

بابک سرانی آذر
 اما بازتاب پیروزی تراکتورسازی تبریز مثل همیشه منحصر به فرد و تأمل برانگیز بود. نایب رئیس کمیته داوران که هر اتفاقی بیافتد



۳۰ داستان کوتاه

قانون زندگی اثر جک لندن
 ترجمه: محمد حسن مامطیری
 فکر مرک برای لحظه ای پیرمرد را به وحشت انداخت. او دست لرزان خود را به سوی کپه

- سال ها تجربه در نظام سیاسی، دیپلماتیک و اداری در سطح ملی و بین المللی
- وکیل حقوقی عضو کانون وکلای کبک
- نماینده سابق مجلس فدرال کانادا و سفیر
- متخصص در فرجام خواهی دادگاه فدرال، مهاجرت و پناهندگی

مهاجرت از طریق:

- نیروی متخصص
- خویشاوندی
- سرمایه گذاری

برای صحبت به زبان فارسی مستقیماً با همکار ما، خانم آریستا معتضدی تماس بگیرید

514-621-7796

1635, rue Sherbrooke West,
 Bureau/Suite 400
 Montreal, Quebec H3H 1E2

Tel: 514-961-8746

Fax: 514-935-2663

bergerdav@gmail.com

۱۷ از خوانندگان: از بوق بنزی تا مصطفی دنیزلی / تورج عاطف

۱۸ صفحه در: پروفیسور محمد میمنگی، نقاشی از دیار ظهیر فاریابی / حسیب فضل

۳۲ شاخه ای از گلستان فرهنگ ایرانی: داستان فولکلوریک «آرزی-قمبر» (۲) / ترجمه از سحر وحدتی

۳۴ سفر به ژرفای زمان و آغاز مکان (۱۰): تقارن شکسته / امید صارمی

۳۵ دیدگاه: آموزش و بازار کار، مقاله ای از جان مارشال / برگردان: محسن حافظیان

۳۶ سینما: فرهادی، متشکریم...؛ جایزه گلدن گلوب، افتخاری دیگر برای سینمای ایران / آتوسا اخوان

۴۰ تغذیه سالم: رابطه پارکینسون و بیماری قند / دکتر پرویز قدیریان

۴۵ آشپزی: پاستا با مرغ و انبه / فریده خوش عاطفه

۴۵ سرگرمی / حمیده غیاثوند

به جای

سخن هفته

به آرامی آغاز به مردن می‌کنی
اگر سفر نکنی،
اگر کتابی نخوانی،
اگر به اصوات زندگی گوش ندهی،
اگر از خودت قدردانی نکنی.

اگر برده‌ی عادات خود شوی،
اگر همیشه از یک راه تکراری
بروی ...

و از چیزهایی که چشمانت را به
درخشش وامی‌دارند،
و ضربان قلبت را تندتر می‌کنند،
دوری کنی . . .

زندگی‌ات
ورای مصلحت‌اندیشی بروی . . .

امروز زندگی را آغاز کن!

امروز مخاطره کن!

امروز کاری کن!
نگذار که به آرامی بمیری.

به آرامی آغاز به مردن می‌کنی
زمانی که خودباوری را در خودت
بکشی،
وقتی نگذاری دیگران به تو کمک
کنند.

اگر روزمرگی را تغییر ندهی،
اگر رنگ‌های متفاوت به تن نکنی،
یا اگر با افراد ناشناس صحبت
نکنی.

تو به آرامی آغاز به مردن می‌کنی
اگر هنگامی که با شغلت، یا
عشق‌ت شاد نیستی، آن را عوض
نکنی،
اگر برای مطمئن در نامطمئن خطر
نکنی،

تو به آرامی آغاز به مردن می‌کنی
اگر از شور و حرارت،
از احساسات سرکش،

اگر ورای رویاها نروی،
اگر به خودت اجازه ندهی
که حداقل یک بار در تمام

پابلو نرودا / ترجمه احمد شاملو

۲۵ پرونده هفته

مبارزه برای تسخیر کاخ سفید در انتخابات پیش رو آغاز شده است

سعید سلطانپور

گفت‌وگو با جرالدهورن، مورخ و استاد دانشگاه:

بررسی اوپاما مستقل از تاریخ آمریکا ممکن نیست!

یکی از دلایل انتخاب شدن اوپاما، شوک اقتصادی ناشی از فروپاشی وال‌استریت در سپتامبر ۲۰۰۸ بود. بر اثر این ضربه بخشی از نیروهای سنتی جمهوری‌خواهان، اعتماد خود را به رهبران این جناح سیاسی از دست دادند



غافل است از حال مرغان مرد خام

جامعه: فریده خوش عاطفه، میترا روشن، حمیده غیاثوند
و سحر وحدتی
گروه فنی: تارنمای هفته: پیمان سلیمی و شروین
برزگر
با سپاس ویژه از همکاران این شماره: لیلی خاقانی، امید
سارمی، تورج عاطف، دکتر پرویز قدیریان، و محمدحسن
ملمطبری

صورت آواز مرغ است آن کلام

عکاس: مرجان راهنورد
اخبار کانادا: رضا داودی
اخبار مونترال: مهدیه مصطفایی
بخش در: حسیب فضل
سینما: آتوسالخوان
ورزش: بابک سرانی آذر و شروین برزرگر
دانش و فنآوری: حمید شایگان‌نیا

ناشر: مجله‌ی هفته
ویراستاران: مهدی مرعشی و مهرنوش طبری
مدیر هنری: آتلیه هفته
سر‌دبیر: خسرو شمیرانی
تحریریه اتاوا: دکتر ماریا صباي مقدم
صفحه آرایی: آتلیه هفته
کاریکاتورست: سیروس یحیی آبادی

- نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.
- استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
- درباره‌ی مضمون آگهی‌های منتشر شده هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

- هفته از همه‌ی علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
- برداشت مطلب با ذکر ماخذ آزاد است.
- لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (بر مبنای واژه‌شمار ورد) نگاه دارید.
- هفته در ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.

امنیت عزیزان شما در ایران در دست شماست

با **گدار** سانسور اینترنت
در ایران را بی اثر کنید



با استفاده از گدار، آی پی کانادا را به دست آورده و از مزایای آن
برخوردار شوید

- اینترنت آزاد
آزادی اینترنت را همان طور که در آمریکا و اروپا هست تجربه کنید
- تلفن رایگان به آمریکا و کانادا
با استفاده از سرویس هایی مانند گوگل کال، به کانادا و آمریکا رایگان تلفن بزنید
- حساب شخصی پی پال
حساب پی پال شخصی خود را گشوده و به راحتی در اینترنت خرید کنید

www.godarnet.com

1-888-568-1247

514-447-9597

Financial  financière
Money Wise

مطابق با قوانین و استانداردهای
بانکی بین المللی

ارسال ارز به ایران
و سایر نقاط جهان

صدور Money Order

\$ € £ ¥

514-485-6000

6520 St. Jaques
Montreal, QC H4B 1T6

دکتر شریف نائینی
جراح دندانپزشک



DDS
دانشگاه تهران ۱۹۷۳

DMD
دانشگاه مونترال ۱۹۹۸

514-731-1443

5450 Cote des Neiges
Suite 308
Metro: CND

روزهای پنجشنبه و جمعه در کلینیک جدید
Centre Metro Beaubien
544 Beaubien Est
Montreal H2S 1S5





رسانه‌های کانادایی: تعداد دانشجویان ایرانی مقطع دکترا در پلی‌تکنیک با کبکی‌ها برابر است

وارد کانادا شده و قصد داشته بعد از پایان تحصیلات به کشورش بازگردد اما جاذبه مونترال باعث شده که از تصمیمش منصرف شود. خود او در این مورد می‌گوید: «من کار بسیار خوبی در آنجا داشتم اما کیفیت بالای زندگی، آموزش و آزادی در اینجا بهتر است. اغلب دانشجویان دیگر هم قصد ندارند برگردند.»

فراهانی همانند قریب به ۶۰ نفر از هم‌کلاسان دیگرش به تازگی اقامت دائم خود را از کانادا دریافت کرده است. هوشنگ حسن‌یاری، استاد روابط بین‌الملل (موضوعات استراتژیک و نظامی) در کالج نظامی سلطنتی کانادا،

استاد دانشگاه کبک و تحلیل‌گر مسائل خاور میانه و آفریقای شمالی در دانشگاه UQAM نیز در این رابطه می‌گوید: «در ایران خیلی‌ها دنبال زندگی مثل زندگی اینجا هستند، با همین آزادی‌هایی که ما در اینجا داریم که آنجا وجود ندارد. در آنجا اگر کسی با دولت همراه نباشد زندگی برایش بسیار مشکل می‌شود.»

آقای هوشنگ حسن‌یاری همچنین توضیح می‌دهد: «در کشور ما جوانان با محدودیت دانشگاهها مواجه هستند زیرا هر سال ۱/۲ میلیون دانش‌آموز تحصیلات متوسطه را به پایان می‌رسانند اما با وجود این‌که می‌خواهند نمی‌توانند وارد دانشگاه شوند، چون ظرفیت دانشگاهها

شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران کشوری است که در اخبار، بیشتر به سخنان رئیس‌جمهورش، محمود احمدی‌نژاد پرداخته می‌شود تا پیشرفت‌های علمی اتباع این کشور.



لیلی خاقانی

این ارقام بالا گویای رشد سریع دانشجویان ایرانی ورودی پلی‌تکنیک است چرا که در سال ۲۰۰۷ تنها ۶۴ دانشجوی ایرانی در مقطع دکترا مشغول تحصیل بوده‌اند.

روح‌الله درمانکی فراهانی، دانشجوی فوق دکترا در رشته مکانیک پلی‌تکنیک در این رابطه اظهار داشت: «بسیاری از جوانان ایرانی به دنبال آموزش عالی با کیفیت بالا هستند». او در سال ۲۰۰۸

در دانشگاه پلی‌تکنیک مونترال، که از آن به عنوان برجسته‌ترین مرکز آموزش مهندسی استان کبک یاد می‌شود، پاییز امسال، تعداد ایرانی‌های پذیرفته‌شده در مقطع دکترا برابر است با تعداد کبکی‌هایی که در خانه خود مشغول تحصیل هستند.

در پاییز ۲۰۱۱، در برابر ۱۸۳ دانشجوی کبکی، ۱۷۰ دانشجوی ایرانی در این دانشگاه مشغول تحصیل در مقطع دکترا

Sam Bayat & Associates
A Canadian and International Law Firm

CLS international

Canadian Legal Services

دفتر وکالت و مشاوره حقوقی سام بیات

Tel: +514 357 4692 Fax: +514 357 4069
www.ilsgroup.com Email: cls@ilsgroup.com
1470 Peel Street, Suite B-915, Montreal, Quebec, H3A 1T1

وکیل پایه یک دادگستری کانادا با بیش از هفده سال سابقه در زمینه مهاجرت (با تخصص در مهاجرت سرمایه گذاران، مدیران و صاحبان مشاغل آزاد) و اخذ تابعیت، در شعبه‌های امارات، ایران، کانادا، انگلستان و کویت آماده ی ارائه ی خدمات به ایرانیان عزیز است.

کار و تحقیق با محققان مختلف در سطح بین‌المللی، به رفتن به مؤسسات آموزشی کشورهای دیگر تشویق می‌شوند.»
در پائیز سال ۲۰۱۱، ۲۴٪ از کل دانشجویان پلی‌تکنیک خارجی بودند که از ۱۲۳ کشور مختلف آمده‌اند.
گزارش و عکس: JEAN-FRANCOIS VILLENEUVE / منبع: «اخبار ۲۴ ساعت» ACTUALITÉS به تاریخ ۲۲ ژانویه ۲۰۱۲

ژان شاره: کبک فرصت‌های شغلی زیادی را از دست داده است



روزنامه فرانسه‌زبان دووار نوشت، ژان شاره، نخست‌وزیر کبک در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت میزان بیکاری در سه ماه گذشته نگران‌کننده است. کبک فرصت‌های شغلی زیادی را از دست داده است.
ژان شاره در ادامه افزود: در واقع ما کارکرد اقتصادی بهتری در سال ۲۰۱۱

نسبت به سال ۲۰۱۰ داشتیم و مطمئن هستیم که سال ۲۰۱۲ بهتر از سال ۲۰۱۱ خواهد بود، به شرطی که پیشرفت اقتصادی را در اولویت قرار دهیم.
ژان شاره اعلام کرد، با اینکه نشانگرهای اقتصادی بیانگر رشد مثبت هستند و همچنین چشم‌اندازها در زمینه خرده‌فروشی، صادرات و ساخت و ساز مسکن چشم‌اندازهای خوبی هستند اما با این حال باید در سال ۲۰۱۲ بیشتر مراقب باشیم.

وی همچنین تصریح کرد، کبک از چالش‌هایی که در برابر اقتصاد جهانی وجود دارد مستثنی نیست.
او سه کمیته مراقبت مانند سال ۲۰۰۸ تشکیل داده است که گروه تصمیم‌گیرندگان مالی، شورای شرکای اقتصادی و شورای شرکای اقتصادی بازار کار اعضای این سه کمیته را تشکیل می‌دهند.

نخست‌وزیر کبک اظهار کرد، اعضای این شورا که از محافل خصوصی، سندیکایی و قومی هستند موظفند تا مشکلات اقتصاد کبک را تشخیص دهند. نتایج پیش‌بینی‌های آنها دولت را در اتخاذ تصمیم‌های مناسب‌تر کمک می‌کند.
وی در ادامه افزود: ما با اعضای این کمیته‌ها دیداری خواهیم داشت و به همکاری با آنها ادامه خواهیم داد تا در مسیر اشتغال‌زایی، ایجاد ثروت و بهبود وضعیت اقتصادی به پیش برویم.

ژان شاره تأکید کرد، با وجود افزایش بیکاری در سه ماه اخیر، دولت کبک موفق شد سی و هشت هزار و پانصد

شغل در سال ۲۰۱۱، بیشتر از سال ۲۰۱۰ ایجاد کند.
وی نرخ بیکاری را ۸٫۷ درصد در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که این میزان در سال ۲۰۱۰ هشت درصد بود.

افزایش اجاره‌بها برای خانه‌هایی که توسط مالک، گرم می‌شوند

افزایش اجاره‌بها برای خانه‌هایی که هزینه گرمایش آن را مستأجر تقبل می‌کند شش دهم درصد و برای خانه‌هایی که مالک هزینه گرمایش را می‌پردازد هفت دهم درصد باید باشد.

بنا به گزارش روزنامه «دووار»، در خانه‌هایی که با مازوت گرم می‌شوند میزان اجاره‌بها ۶٫۳ درصد باید افزایش یابد و در خانه‌هایی که با گاز طبیعی گرم می‌شوند میزان اجاره‌بها نباید تغییر کند.
برخی ارگان‌های ناظر بر قیمت مسکن و طرفداران قشرهای کم‌درآمد با تصمیم این اداره مخالفت کرده‌اند و گفته‌اند اجاره‌بهای مسکن همچنان خیلی بالاست و افزایش مجدد آن فقط مشکل اقشار کم‌درآمد را در پرداخت اجاره مسکن بیشتر می‌کند.
آنها با سیستم کنونی محاسبه اجاره‌بهای مسکن مخالفت کردند و اعلام کردند این سیستم مناسب نیست و بسیاری از فاکتورهای مهم در نظر گرفته نشده است. این شیوه محاسبه اجاره‌بهای مسکن باعث فرار سرمایه‌ها می‌شود.

لازم به ذکر است که اجاره‌بها در کبک به طور متوسط برای یک آپارتمان دو خوابه ۶۸۴ دلار است.

مونترال، همچنان یکی از ارزانترین شهرهای کشورهای غربی در زمینه رفعت و آمد

با وجود افزایش قیمت‌های رفعت و آمد در اول ژانویه ۲۰۱۲، مونترال همچنان یکی از ارزانترین شهرهای کشورهای غربی در این زمینه محسوب می‌شود و هزینه رفعت و آمد در این شهر مناسب است.

بنا به گزارش روزنامه «دووار»، در میان هشت شهر بزرگی که مورد مطالعه قرار گرفتند مونترال با هزینه رفعت و آمد ۷۵ دلار و ۵۰ سنت، سومین شهر ارزان شناخته شد.

بروکسل و مادرید با هزینه‌های رفعت و آمد کمتر به ترتیب در رتبه‌های اول و دوم قرار گرفتند.

شهرهای لندن و تورنتو به ترتیب در میان گرانترین شهرها از نظر هزینه حمل و نقل شناخته شدند، به طوری که هزینه کارت ماهیانه استفاده از حمل و نقل عمومی در لندن دو برابر هزینه کارت اپوپس در مونترال است.



مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ - مسکونی و تجاری

تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه‌واردان
گام به گام با شما تا پایان قرارداد
ارزیابی رایگان



Minoo Eslami

Real estate broker
Minoo.eslami@century21.ca
Cell: 514-967-5743



Maison de Voyages
House of Travel
آژانس مسافرتی/فرهنگی معتمدی

پرواز به ایران و سایر نقاط با بهترین نرخ‌ها
مناسب‌ترین بسته‌های مسافرتی Last Minute
22 years experience in Montreal
Titulaire d'un permis du Québec



farnaz@hot.ca
www.hot.ca

514-842-8000 Ext. 296

1170 Place du Frère André (Square Phillips)
Montréal, Québec, H3B 3C6

چند خبر مهم درباره مهاجرت به کانادا

توقف تعدادی از پرونده‌های مهاجرت متقاضیان ایرانی در استان پرنس ادوارد

بنا بر آخرین گزارش رسمی منتشرشده در تاریخ یازدهم ژانویه سال جاری، از سوی دولت استان پرنس ادوارد، به دنبال گسترش اعمال تحریم‌های سیاسی - اقتصادی علیه ایران، پذیرش بخشی از پرونده‌های مهاجرت متقاضیان ایرانی برای این استان از تاریخ یادشده متوقف شد.

در همین راستا پس از اعلام آغاز اجرای این تحریم‌ها از سوی دولت فدرال کانادا، قانون‌گذاران استان کبک نیز در تاریخ سیزدهم ژانویه تصمیم به متوقف نمودن برنامه پذیرش پرونده مهاجرت متقاضیان ایرانی در زیرمجموعه سرمایه‌گذاری گرفتند.

پس از اعلام رسمی مقامات دولت کانادا مبنی بر آغاز اجرای تحریم‌های اقتصادی علیه دولت ایران در تاریخ بیست و یکم نوامبر ۲۰۱۱، در اقدامی هماهنگ، جریان رسیدگی به پرونده متقاضیان ایرانی برای مهاجرت به استان کبک از طریق سرمایه‌گذاری، که البته بعد از این تاریخ به اداره مهاجرت فرستاده شده بودند، معلق شد.

در همین جریان به دنبال توافق وزیران امور خارجه و بازرگانی کانادا، هرگونه تبادل منابع مالی با ایران ممنوع اعلام شده و به این ترتیب امکان ارسال سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری در مؤسسه‌های

مالی این استان به منظور اجرای قانون اداره مهاجرت، برای متقاضیان ایرانی از بین رفت.

وزیر مهاجرت استان کبک در حال حاضر مشغول بررسی دیگر جوانب تأثیر تحریم‌های اقتصادی اخیر بر این برنامه مهاجرتی و نیز همکاری با اداره مهاجرت و شهروندی کانادا به منظور ارائه راه‌حلی جهت رفع مشکل فعلی است.

قانون محدودیت تبادلات مالی شامل ایرانی‌های خارج از ایران نمی‌شود

به دنبال قطعی شدن تصمیم اعمال تحریم‌های جدی و سخت‌گیرانه کانادا در قالب توقف پذیرش پرونده متقاضیان ایرانی برای مهاجرت از طریق سرمایه‌گذاری، دولت این کشور به منظور تحمیل فشار بیشتر به دولت ایران، اقدام به متوقف کردن هرگونه مبادله مالی با مؤسسه‌های مالی ایران نمود که البته تأثیر این امر بیشتر متوجه متقاضیان ایرانی برای مهاجرت از طریق سرمایه‌گذاری به کشور کانادا شد.

بنا به گزارش منابع دولتی، جیسن کنی، وزیر مهاجرت کشور کانادا اظهار داشته که آنها باید در قالب همان تحریم‌ها به‌ویژه در رابطه با مهاجرت در زیرمجموعه سرمایه‌گذاری، فشار بیشتری بر دولت ایران وارد نمایند.

به این ترتیب و در چهارچوب همین قوانین، متقاضیان باید مطابق روند قبلی، مبلغی معادل هشتصد هزار دلار کانادایی در اقتصاد این کشور سرمایه‌گذاری نمایند

ولی نکته این‌جاست که متقاضیان ایرانی مقیم ایران، هنگام اقدام به مبادلات بانکی به منظور ارسال این مبلغ به مؤسسه‌های مالی کانادا مشمول تحریم خواهند شد. لازم به ذکر است که متقاضیان ایرانی مقیم هر کشوری به جز ایران، که سرمایه مورد نظر را از مؤسسه مالی کشور محل تابعیت خود به کانادا منتقل نمایند، مشمول این قانون نخواهند بود.

بانک‌های کانادا در انتظار رفع ابهام

مسئول یکی از بانک‌های کانادا در اظهارات اخیر خود در همین رابطه گفت: «من می‌دانم که همه همکاران من منتظر جواب روشنی برای این موضوع هستند. آنها، همگی مایل به پذیرش سرمایه متقاضیان ایرانی در بانک‌ها هستند اما به دلیل نامشخص بودن موضع اداره مهاجرت و شهروندی، درموقیت مناسبی برای تصمیم‌گیری نیستند.»

به نقل از یکی از منابع موثق، ادامه روند پذیرش متقاضیان ایرانی که قادر به انتقال سرمایه خود از کشوری به جز ایران به کانادا هستند، خبر خوبی است اما این را هم باید در نظر داشت که عمده سرمایه بیست و پنج درصد از متقاضیان ایرانی مهاجرت به کانادا در زیرمجموعه سرمایه‌گذاری، درحال حاضر در ایران است و تصمیم‌های اخیر دولت کانادا عواقب مطلوبی برای آنها به دنبال نخواهد داشت، که البته پذیرش سرمایه

از مؤسسه‌های مالی خارج از ایران شاید از شدت آن بکاهد.

تجدید نظر مجاز خواهد بود

منابع دولتی همچنین خبر دادند که متقاضیان ایرانی که به واسطه تحریم‌های اخیر مجاز به اقدام برای مهاجرت در زیرمجموعه سرمایه‌گذاری نیستند، می‌توانند تقاضای تجدیدنظر کنند و چنین تقاضاهایی به طور شخصی و از طریق وزیر امور خارجه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در همین راستا، دولت کبک که برنامه مهاجرتی خود را با پشتیبانی اتاوا پیش می‌برد، منتظر توضیح اتاوا برای روشن شدن و رفع ابهام در چگونگی اجرای برنامه‌های خود با متقاضیان ایرانی است. ژان شاره؛ نخست‌وزیر کبک در پاسخ به سؤال‌ها در این مقوله اظهار داشت، هنوز منتظر توضیحات بیشتر دولت فدرال است. او گفت: «در صورت اعلام تصمیم قطعی دولت فدرال مبنی بر اعمال این تحریم‌ها و عواقب آن، ما نیز به زودی از جزئیات آن باخبر خواهیم شد.»

شایان ذکر است که تا به امروز متقاضیان ایرانی طبق آمار، چهارمین رده مهاجران به کانادا و دومین رتبه در مهاجرت به ایالت کبک در زیرمجموعه سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده‌اند. ایالت کبک در سال ۲۰۱۰ پذیرای هزار و ششصد مهاجر سرمایه‌گذار ایرانی بوده و طی پنج سال گذشته، مهاجران سرمایه‌گذار ایرانی بیش از سیصد و پنجاه میلیون دلار به چرخه اقتصاد کشور کانادا وارد کرده‌اند.

محضر دار کبک و دانش‌آموخته حقوق از ایران
مشاور حقوقی و همراه هم‌میهنان

خدمات ما برای شما

تایید امضا	توافق‌نامه رسمی جدایی	وصیت‌نامه
روتوش برابر اصل	امور مهاجرت	وکالت‌نامه
حقوق خانواده	امور املاک، خرید و فروش، اجاره‌نامه	امور ارث
و دیگر خدمات حقوقی	ثبت و امور شرکت‌ها	ازدواج رسمی

www.MonaSalehiNotaire.com
514-903-8560 3859 Décarie, Montréal, QC, H4A 3J6

مونا صالحی

سردفتر اسناد رسمی

Notaire-Notary





آژانس مسافرتی

سفر به ایران با قیمت‌های استثنایی

نرگس حسینی / Nargess Hosseini

Tel. (514) 624-4244 Ext. 223

narges@amrotravel.com

Working Hours: Monday-Friday: 9:00-18:00

Saturday: 10:00-15:00

3883 Saint-Jean Blvd, Suite 300, D-D-O QC, H9G 3B9

Fax. (514) 421-0326

Advanced Aesthetics

تخفیف دانشجویی
تخفیف ویژه نوروزی

کلینیک استتیک پیشرفته

در آستانه سال جدید، زیباتر و جوان‌تر با پزشکان ایرانی با مدارک معتبر بین‌المللی و طب زیبایی از آکادمی طب زیبایی آمریکا
لیزر درمانی: رفع موهای زائد صورت و بدن، درمان آکنه مقاوم، جوان‌سازی پوست و درمان خال‌های عروقی کوچک

بوتاکس، ژل، انواع Peeling و...

514-639-1097 514-949-2116 با وقت قبلی

700 Bord du Lac, Dorval, Quebec H9S 2B8

هفته را مشترک شوید

info@HafteH.ca

اطلاعیه

بدین وسیله از تمام هموطنان محترمی که سهام‌دار شرکتهای خصوصی ثبت‌شده در کانادا (استانی و فدرال) هستند یا بوده‌اند و دچار مشکلات برای باز کردن حسابهای تجاری خود شده‌اند یا حساب تجاری‌شان به وسیله بانک دارنده حساب، بدون دلیل مشخصی بین اکتبر ۲۰۰۸ تا اکتبر ۲۰۱۱ بسته شده است، خواهشمندیم با دفتر وکالت ونسان والایی، با آدرس ایمیل زیر تماس بگیرید.

این اطلاعیه فقط شامل بانک‌های کانادایی یا بین‌المللی است که مطابق با قوانین فدرال در کانادا فعالیت دارند

دفتر وکالت ونسان والایی

VALAI avocats. attorneys at law

28 rue Notre-Dame Est suite 201

Montreal, Quebec CANADA H2Y 1B9

T: 514-954-9998 F: 514-878-3604

shirine@vvalai.com

اخبار جامعه افغان و ایرانی مونترال

■ خبرهای مربوط به
فعالیت‌های فرهنگی،
اجتماعی، سیاسی و علمی
خود را در هفته منتشر کنید
montreal@hafteh.ca

■ مهدیه مصطفایی

شیرین‌ترین شو مونترال
برگزار شد

روزهای پایانی هفته گذشته، ۲۱ و ۲۲ ژانویه ۲۰۱۲، یک شو شیرینی در شمال مونترال برگزار شد که خانم فریده خوش‌عاطفه، نویسنده صفحه آشپزی هفته آن را سازمان داده بود. طی این شو که دو روز ادامه داشت شرکت‌کنندگان امکان پیدا کردند طعم انواع شیرینی‌های ایرانی را بچشند که توسط خانم خوش‌عاطفه آماده شده بود. برخی از این فرصت استفاده کردند و شیرینی عید نوروز را برای مصرف خانه یا شرکت خود سفارش دادند. یکی از شرکت‌کنندگان پس از خروج از محل گفت: «می‌گویند در بهشت جوی عسل روان است و عطر هل و گل در هواست. اگر این تعریف از بهشت درست باشد پس من امروز چند ساعتی را در بهشت بودم.»
برای اطلاعات بیشتر در این باره می‌توانید با شماره تلفن «شیرینی بی‌بی» ۵۱۴۳۳۴۶۵۲۸ تماس بگیرید و یا به وبسایت www.bibicookies.ca سر بزنید.



◀◀ ادامه در صفحه ۱۳

Montreal@hafteh.ca

www.Hafteh.ca

از پنجشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۰ / ۲۶ ژانویه ۲۰۱۲

۱۱ فوریه	کارگاه خوشنویسی کتابخانه زاگرس 11:00 Sat Feb. 11. 2012	۲۹ ژانویه	کارگاه آمار مقدماتی با SPSS کتابخانه زاگرس / مجتبی طباطبایی 11:00 Sun Jan. 29. 2012	۲۶ ژانویه	ثبت نام کلاس آموزش گیتار آموزشگاه سارنگ/رضا رضایی 17:00 Thu Jan. 26. 2012
۱۱ فوریه	جشن روز عشق مونترال پرشین / دی جی آل کاپون 22:00 Sat Feb. 11. 2012 Mica Lounge 1186Crescent	۲۹ ژانویه	جلسات رزومه نویسی فرهنگسرای سینا/ دکتر ایرج بهشتی 17:00 Sun Jan. 29. 2012 6528 St- Jacques	۲۶ ژانویه	چشم انداز فرهنگی منطقه مونت رویال کافه لیت/ مهدی غفوری Thu Jan. 26. 2012 2055 Rue Bishop
۱۸ فوریه	کارگاه داستان نویسی مرکز فرهنگی زاگرس Sat Feb. 18. 2012	۱ فوریه	کنسرت استادحسین عمومی/ مثنوی CALLIGRAPHIES MUSICAL 20:00 Wed Feb. 01. 2012 100 rue Sherbrook Est	۲۷ ژانویه	کنسرت استاد حسین علیزاده بنیاد سخن آزاد 19:00 Fri Jan. 27. 2012 411 avenue Roslyn
۱۹ فوریه	جلسه ای با مشاورین مالی مسکن سینا Sun Feb. 19. 2012 6528 St- Jacques	۴ فوریه	شی با گردآفرید انجمن دوستداران زرتشت و پیام پارس 19:00 Sat Feb. 04. 2012 1400 de Maisonneuve Blvd. W	۲۷ ژانویه	کنسرت گروه برگ سبز کتابخانه نیما Fri Jan. 27. 2012
۲۱ فوریه	آموزش نامه نگاری اداری زاگرس/ رضا داودی Tue Feb. 21. 2012	۵ فوریه	جلسه انجمن زنان ایرانی مونترال Sun Feb. 05. 2012 8043 St. Hubert	۲۷ ژانویه	گروه موسیقی حسین علیزاده بنیاد سخن آزاد 19:00 Fri Jan. 27. 2012 411 avenue Roslyn
۲۳ فوریه	آموزش پیشرفته تئوری موسیقی سارنگ/رضا رضایی Thu Feb. 23. 2012	۵ فوریه	جشن سده کتابخانه زاگرس 19:00 Sun Feb. 05. 2012	۲۸ ژانویه	کنسرت گروه برگ سبز کتابخانه نیما 19:00 Sat Jan. 28. 2012 5206 Decarie Suite3
۲۶ فوریه	ثبت نام کلاس آموزش پیانو آموزشگاه سارنگ/بابک نامور Sun Feb. 26. 2012	۸ فوریه	بازدید عمومی: برنامه‌ی معماری کالج Herzing / مرکز شهر مونترال Wed. Feb. 08. 2012 50- St- Chaterine W	۲۸ ژانویه	شاهنامه خوانی زاگرس/ آزاده احسانی 18:00 Sat Jan. 28. 2012
۲۶ فوریه	آموزش خاطره نویسی برای نوجوانان زاگرس/مهدی مرعشی Sun Feb. 26. 2012	۹ فوریه	نقش بانک مرکزی در اقتصاد ایران کافه لیت/ وحید نمازی Thu Feb. 09. 2012 2055 Rue Bishop	۲۸ ژانویه	تحقیقی نو پیرامون فروغ فرخزاد انجمن ادبی / لطیف صمیمی 17:00 Sat Jan. 28. 2012 1455 Maisonneuve W. Room520
۲۸ فوریه	آماده سازی برای آزمون زبان فرانسه زاگرس/ویژه پزشکان Tue Feb. 28. 2012	۱۰ فوریه	کنسرت محسن نامجو پرواز انترتینمنت Fri Feb. 10. 2012 Gesù / 1200 Rue Bleury	۲۹ ژانویه	ثبت نام کلاس سه تار سارنگ/ شاهین فیاض Sun Jan. 29. 2012
۲۹ فوریه	ثبت نام کلاس آموزش ستور سارنگ/کوروش عشیقی Wed Feb. 29. 2012				

دعوت به بازدید عمومی: کالج هرزینگ و «تکنولوژی معماری پایدار»

هرزینگ کالج، یکی از کالج‌های سابقه مونترال، که در زمینه‌های گوناگون برنامه‌های آموزشی ارائه می‌دهد، روز ۸ فوریه ۲۰۱۲ به «بازدید عمومی» دعوت کرده است. این «بازدید عمومی» در شماره ۵۰ خیابان سن‌کاترین (نیش خیابان کلارک) صورت می‌گیرد که محل برنامه‌ی آموزشی «تکنولوژی معماری پایدار» است.

هرزینگ کالج از سال ۱۹۶۸ فعال است و مدارک آن از سوی وزارت آموزش و پرورش کبک رسمیت و اعتبار دارد. رشته‌های طراحی با کمک کامپیوتر، طراحی صنعتی، متخصص داروسازی، معماری پایدار، و بسیاری عرصه‌های دیگر جزء برنامه‌های آموزشی کالج هرزینگ است. برای اطلاعات بیشتر به آگهی این کالج در صفحه ۲۲ هفته توجه کنید و یا با شماره‌تلفن ۱۸۸۸۶۳۹۲۲۷۷ تماس بگیرید.

تهیه سازهای سنتی در آموزشگاه موسیقی سارنگ

علاقه‌مندان به سازهای مختلف موسیقی سنتی می‌توانند سازهای خود را از آموزشگاه موسیقی سارنگ تهیه کنند. رضا رضایی، از مدیران آموزشگاه موسیقی سارنگ با اعلام این خبر گفت: عزیزان می‌توانند برای تهیه سازهای تار، سه‌تار، کمانچه، سنتور، تنبور، تنبک و دف به این آموزشگاه مراجعه نمایند. در ضمن خدمات تعمیر و کوک ساز نیز در این آموزشگاه برقرار است.

کافه لیت و دوستان جدید

روز پنجشنبه ۱۹ ژانویه ۲۰۱۲، جلسه‌ای در محل همیشگی کافه‌لیت در ۲۰۵۵ Rue Bishop برگزار شد اما این یک جلسه عادی نبود: با این نشست کافه لیت ۵ ساله شد.

دستان‌دکاران تصمیم داشتند تا بعد از ۵ سال تجربه‌اندوژی و گردآمدن جمعی خوب در گرد کافه‌لیت، ششمین سال فعالیت خود را با انرژی تازه آغاز کنند.

پس این جلسه روز پنجشنبه، در پی یک فراخوان به هم‌فکری برای چگونگی ادامه کار، آغاز شد. خانم پروین زرساو، یکی از شرکت‌کنندگان، برای این کودک ۵ ساله یک کیک تولد آماده کرده‌بود که بردین کیک و تقسیم آن در میان حاضران، فضا را به یک جشن تولد نزدیک‌تر کرد.

اما در مجموع بچه‌های کافه‌لیت جشن و پایکوبی راه نیانداختند و مدال هم به سینه نزدند. فرخ وهاب‌زاده، یکی از شرکت‌کنندگان که از قدیمی‌های کافه‌لیت است، گفت: «می‌خواهیم تیغ جراحی را برداریم و بی‌رحمانه به جان کافه‌لیت بیافتیم. برای یک ماندن و ادامه‌ای قوی‌تر نقد بی‌رحمانه نیاز است.» و چنین شد. بیش از ۲۰ نفری که در محل بودند درباره فعالیت‌های کافه‌لیت نظر دادند، تبریک گفتند و انتقاد کردند اما تندترین انتقادات شاید همان بود که از سوی بنیان‌گذاران و فعالان محوری، پاشا جوادی و محمد جباری‌حق بیان شد.

پس از برنامه، پاشا جوادی که از بنیانگذاران کافه‌لیت در مونترال است، در همین رابطه به هفته گفت: «۵ سال قبل کافه‌لیت مونترال با همکاری دوستم، مهدی کشتکار، راه‌اندازی شد و در طول این مدت تعداد زیادی از دوستان و همکاران ما را در برگزاری گردهمایی‌های مختلف در این کافه همراهی کردند. در آستانه پنجمین سال فعالیت، تصمیم گرفتیم تا جلسه‌ای را ترتیب بدهیم و از هم‌فکری تازه‌واردان و دوستانی که به هر ترتیبی با این برنامه ارتباط داشتند استفاده بیشتری ببریم. بنابراین جلسه طبق برنامه آغاز شد و ما از انتقادات و نقطه‌نظرهای بسیاری از شرکت‌کنندگان برای بهبود وضعیت این کافه لیت استفاده کردیم. این جلسه که قرار بود ساعت ۹ شب خاتمه یابد به خاطر تراکم نظرهای گوناگون، ساعت ۱۰ شب خاتمه یافت. قرار شد تا در چند هفته آینده قبل از برنامه یک ساعت دوستان زودتر در محل کافه‌لیت حضور یابند تا در باره وضعیت آینده این جمع بیشتر بحث و بررسی شود.»

جوادی در ادامه گفت: «جلسات کافه‌لیت به طور موقت دو هفته یک بار تشکیل می‌شود تا تیم تازه‌ای که قرار است هماهنگی‌های لازم را برای جلسات انجام دهند انتخاب شوند.» پاشا جوادی

در پایان تأکید کرد: «ما از همکاری دانشجویان و به طور کلی علاقه‌مندان به فرهنگ کافه‌لیت دعوت به همکاری می‌کنیم. گرچه حوزه‌ی بحث‌های ما از علمی، اجتماعی تا ادبی و تاریخی و... گسترده است، اما فرهنگ کافه‌لیت که شامل بحث در قالب و شکلی علمی با ارائه مستندات در فضایی دوستانه و احترام‌آمیز است، زمینه‌ی مشترکی برای تنوع موضوعات ایجاد می‌کند. اگر به این فرهنگ علاقه‌مند هستید به جمع کافه‌لیت خوش‌آمدید!»

مونترال

در هفته‌های

آینده از

۲۶ ژانویه ۲۰۱۲

میکیک برگزار می‌کند: نمایشگاه سه نقاش مونترالی

میکیک اعلام کرد که در روز جمعه ۳ فوریه ۲۰۱۲، یک نمایشگاه گروهی از سه نقاش جوان در این گالری نام‌آشنا گشوده خواهد شد. در این نمایشگاه آثار مریم ایزدی‌فرد، مریم تواف و فرخ وهاب‌زاده به نمایش درخواهد آمد. گرچه نمایشگاه تا ۴ مارس ۲۰۱۲ ادامه خواهد داشت اما در روز ۳ فوریه می‌توانید با این هنرمندان از نزدیک آشنا شوید و درباره کارهایشان با آنها گفت‌وگو کنید.

مرکز کافور ژونس-آملوا (جوانان و کار) اعلام کرد: طرح آشنایی با جامعه کبک، به کمک زبان فرانسه آغاز شد

این مرکز طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که طی این پروژه امکان ملاقات‌های گروهی و یادگیری شیوه‌های پویای جستجوی کار، به منظور جذب‌شدن اجتماعی و شغلی را فراهم می‌کند.

به این منظور دو کارگاه برگزار می‌شود که از ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ تا ۳۱ مارس ۲۰۱۲ به طول خواهد انجامید. یکی از این

PROFUSION
REALTY INC.
REAL ESTATE AGENCY



\$ 1,598,000

کافور ژونس، فروشنده حرفه‌ای در
۲۰۱۱، برنده جایزه بهترین
مشاور املاک استار املاک



FOR RENT

رئیس کل و زنی برای اجاره در
St. Simeon / با چشم‌انداز دسترنج
به دریاچه

مشاور املاک مسکونی و تجاری

مریم خاتمی
Maryam Khaleghi
Real Estate Broker
514.983.5415




حمید صدیق کافورچی
Hamid Sedigh Kaghazchi
Real Estate Broker
514.928.5415

1361, avenue Greene
Westmount (Qc) H3Z 2A5
T 514.935.3337
F 514.935.3303
www.profusionimmo.ca
mkhaleghi@profusionimmo.ca
hsedigh@profusionimmo.ca




کارگاه‌ها مربوط به یادگیری عملی فرانسه است که سه‌شنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها برگزار می‌شود و مدت زمان هر جلسه دو ساعت خواهد بود.

دو کارگاه یادگیری فنون جستجوی کار نیز در روزهای دوشنبه و جمعه به مدت سه ساعت برگزار می‌شود.

این کارگاه‌ها برای جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال است که سطح فرانسه آنها متوسط است و می‌توانند در کانادا کار کنند ولی کمک اجتماعی دریافت می‌کنند، یا از بیمه بیکاری استفاده می‌کنند و دارای درآمد ثابت نیستند.

علاقه‌مندان می‌توانند از هم‌اکنون در این مرکز ثبت‌نام کنند.

علاقه‌مندان و واجدان شرایط می‌توانند با زان ماری روزبیرا، با شماره تلفن و یا آدرس ایمیل زیر تماس حاصل کنند:

۵۱۴۴۸۲۶۶۶۵ - داخلی ۲۰۶

jmrugira@cje-ndg.com

www.cje-ndg.com

اعلام برنامه‌های کتابخانه نیما

کتابخانه نیما اعلام کرد در ماه‌های ژانویه و فوریه ۲۰۱۲، برنامه‌های زیر را با همکاری سازمان‌های دیگر برگزار می‌کند. شنبه ۲۸ ژانویه، موسیقی زنده گروه برگ سبز، ساعت ۷ شب / جمعه ۳ فوریه، کلاس خوش‌نویسی، ساعت ۷ شب / شنبه ۱۱ فوریه، بحث آزاد: انقلاب و ضدانقلاب در بهمن ۵۷ و مبانی اتحاد برای سرنگونی جمهوری اسلامی؛

(کمپته یادمان... ساعت ۷ شب / جمعه ۱۷ فوریه، کلاس خوش‌نویسی، ساعت ۷ شب / جمعه ۲۴ فوریه، نمایش فیلم «وقتی همه خوابیم» از بهرام بیضایی، ساعت ۷ شب.

اعلام برنامه جشن‌های مدرسه دهخدا

مدرسه دهخدا در اطلاعیه‌ای برنامه‌ی جشن‌های این مدرسه را در نیمه اول سال ۲۰۱۲ اعلام کرد.

سه‌شنبه، ۱۳ مارس ۲۰۱۲ جشن چهارشنبه‌سوری دهخدا (محل این جشن در هفته‌های آینده اعلام خواهد شد)،

شنبه، ۲۴ مارس، جشن عید نوروز دهخدا، محل سالن جشن سالن کامیونیتی سنتر Town of Mount Royal است که در شماره ۹۰ خیابان Roosevelt Avenue واقع شده است.

یک‌شنبه، ۹ ژوئن، جشن پایان سال تحصیلی دهخدا ۲۰۱۱-۲۰۱۲ در پارک آنگریون برگزار می‌شود.

تحقیقی نو پیرامون زندگی و اشعار فروغ فرخزاد

یکصد و پنجاه و چهارمین جلسه انجمن ادبی ایرانیان مونترال، در روز شنبه ۲۸ ژانویه ۲۰۱۲، در محل دائمی این جلسات در اتاق شماره ۵۲۰ دانشگاه کنکورديا برگزار می‌شود. این جلسه مربوط به شاعر معاصر، فروغ فرخزاد است و با حضور مهمانی عزیز و گرانقدر، آقای لطیف صمیمی برگزار خواهد شد. این جلسه در خصوص تحقیقی نو پیرامون زندگی و اشعار فروغ فرخزاد خواهد بود. لطیف صمیمی که این شاعر را به عروس خوشه‌های افاقی لقب داده است، در این برنامه سخنرانی خواهد کرد. این جلسه ساعت ۵ تا ۷ بعدازظهر به نشانی ۱۴۵۵ Maisonneuve W برگزار خواهد شد و علاقه‌مندان می‌توانند در این جلسه حضور یابند.

فروغ در ظهر ۸ دی‌ماه در خیابان معزالسلطنه، کوچه خادم آزاد، در محله امیریه تهران از پدری تفرشی و مادری کاشانی‌تبار به دنیا آمد. او فرزند چهارم توران وزیریتبار و محمد فرخزاد است. از دیگر اعضای خانواده فروغ می‌توان برادرش، فریدون فرخزاد و خواهر بزرگترش، پوران فرخزاد را نام برد.

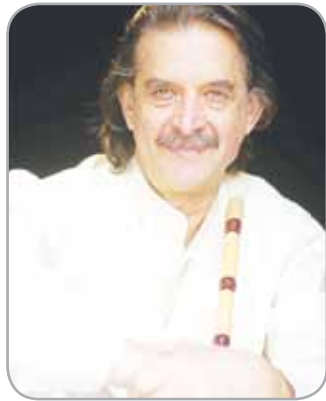
فروغ با مجموعه‌های اسیر، دیوار و عصیان در قالب شعر نیمایی کار خود را آغاز کرد و بعد از یک ازدواج ناموفق، در روز ۲۴ بهمن ۱۳۴۵ هنگام رانندگی با اتومبیل جیب شخصی‌اش، بر اثر تصادف در جاده دروس-قلهک در تهران جان باخت. جسد او، روز چهارشنبه ۲۶ بهمن با حضور نویسندگان و همکارانش در گورستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد.

چطور در کانادا شغل پیدا کنیم؟

جلسه رزومه‌نویسی در فرهنگسرای سینا، که با استقبال خوب تازه‌واردان و مهاجران روبه‌رو شده است، در جلسه بعدی خود به بررسی این مسأله خواهد پرداخت که چطور در کانادا شغل پیدا کنیم و در شغل خود ثابت بمانیم. مهمان این جلسه مهندس قدرت جهانبخش از Pratt & Whitney است. جلسات رزومه‌نویسی به صورت رایگان است و این

جلسه، روز ۲۹ ژانویه رأس ساعت ۱۷، در محل همیشگی آن برگزار خواهد شد.

مثنوی با نی و تار و تنبک



ماه فوریه ۲۰۱۲ با موسیقی سنتی و آواز شروع می‌شود. این ماه پر است از برنامه‌های شاد و دیدنی و زیبا، از هنرمندان آواز و موسیقی ایران‌زمین. اول و دوم فوریه ۲۰۱۲ گروه موسیقی سنتی، با عنوان مثنوی در ساعت ۲۰ به اجرای برنامه می‌پردازند. هنرمندان این گروه استاد حسین عمومی، با نی و آواز، کیا طبسیان با سه‌تار و ضیا طبسیان، با تمبک، دف و دایره هستند. برنامه این هنرمندان در آدرس ۱۰۰ Rue Sherbrook Est برگزار خواهد شد. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و تهیه بلیط می‌توانند با شماره تلفن ۵۱۴۹۸۷۶۹۱۹ تماس بگیرند.

حسین عمومی، نوازنده برجسته ساز نی و آهنگساز و پژوهش‌گر و مدرس برجسته موسیقی ایرانی و نیز دارای مدرک دکترای معماری است. وی در سال ۱۳۲۳ در اصفهان متولد شد. او ابتدا از پدر خود درس‌هایی از ردیف موسیقی سنتی را آموخت و سپس مسحور نوازندگی استاد حسن کسایی شد و در سن چهارده سالگی شروع به نواختن نی کرد. سپس در سال ۱۳۴۷ به محضر این استاد بزرگ شتافت. هم‌زمان نیز نزد استاد محمود کریمی به آموختن ردیف آوازی مشغول شد. حسین عمومی با کسب مهارت بالا در نواختن ساز نی و همچنین آواز، به اجرا و ضبط برنامه‌هایی برای رادیو و تلویزیون ایران پرداخت. وی در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی، هنرستان موسیقی و دانشکده هنرهای زیبا به

آموزش مشغول شد. عمومی در سال ۱۳۶۳ وطن را ترک کرد و فعالیت‌های هنری‌اش را در سراسر اروپا و ایالات متحده آمریکا پی گرفت. او در فرانسه و به دعوت مرکز مطالعات موسیقی شرقی انستیتوی موسیقی‌شناسی پاریس، سوربن، به تدریس موسیقی ایرانی در آن مرکز مشغول شد و همچنین در دانشگاه یوسال‌ای و نیز دانشگاه واشنگتن در سیاتل به تدریس موسیقی ایرانی پرداخت.

حسین عمومی هم‌اینک به عنوان پروفیسور در دانشکده موسیقی دانشگاه کالیفرنیا مشغول به تدریس موسیقی ایرانی است.

جلسه ماهیانه انجمن زنان مونترال

نشست انجمن زنان ایرانی مونترال، روز یک‌شنبه ۵ فوریه از ساعت ۱۰:۳۰ صبح تا ۱۴ در St. Hubert ۸۰۴۳ برگزار خواهد شد. جلسات این انجمن ماهی یک بار و با هدف مبارزه با تبعیض علیه زنان و بررسی مشکلات و برگزاری جشن‌ها و حمایت از زنان در ایران و یا سراسر جهان برگزار می‌شود. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره تلفن ۵۱۴-۶۱۹۴۶۴۸ تماس حاصل نمایید.

محسن نامجو در مونترال



محسن نامجو خواننده و هنرمند ایرانی که از شهرتی جهانی برخوردار است، قرار است روز جمعه ۱۰ فوریه ۲۰۱۲ در مونترال کنسرتی را به اجرا گذارد. اجرای این برنامه در سالن کنسرت «ژسو» Gesu در ۱۲۰۰ De Bleury خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیط با تیش دیجیتال تماس بگیرند.

محسن نامجو خواننده، موسیقی‌دان و ترانه‌سرا و نوازنده سه‌تار متولد اسفند ۱۳۵۴ تربت جام است. وی آموزش موسیقی را از نوجوانی با نت‌خوانی و آواز آغاز کرده، و سپس ردیف موسیقی ایرانی


VOYAGES SKY LAWN TRAVEL
آژانس مسافرتی اسکای لان
 بهترین نرخ های بلیط به ایران و از ایران به سایر نقاط جهان



www.skylawn.net
یاسمین
 Tel: 514-388-1588 Cell: 514-594-0344
 Fax: 514-388-2815 ytaquiali@yahoo.com
شادی
 433 Chabanel Ouest, Suite 111
 Montréal, P.Q. Canada Cell: 514-660-7135
 H2N 2J3 shadim.sky@gmail.com

کافه پرشیا
Café Restaurant

Persia

- انواع خورش ها و غذاهای ایرانی با طعم خانگی
- انواع کباب ها
- شیرینی های خشک ایرانی
- زولبیا بامیه، رولت و باقلوا ترکی

شیرینی خانگی سرو
سفارش غذا و شیرینی پذیرفته می شود

ساعات های کار: دوشنبه تا جمعه ۷:۳۰ صبح تا ۷:۳۰ بعد از ظهر

936 Girouard (corner of St. Jacques)
 Tel: 514-489-8484

را ابتدا نزد استاد شاکری و سپس نصرالله نامجو پور (ردیفدان نامی) آموخت. نامجو سه تارنوازی را هم نزد عظیم شکرخواه، نوازنده و سازساز خراسانی فرا گرفت.

جلسه های برای مشاوران مالی و ملکی

روز ۱۹ فوریه ۲۰۱۲ جلسه های با حضور گروهی از مشاوران مالی و مشاوران مسکن برای سرمایه گذاری، خرید و فروش مسکن و تهیه وام، جهت ایرانیان علاقه مند در فرهنگسرای سینا برگزار خواهد شد. ساعت برگزاری این برنامه در آگهی های بعدی اعلام خواهد شد.

جشن سده و جشن نوروز در زاگرس

اولین یکشنبه ماه فوریه جشن سده در زاگرس برگزار می شود. ساعت ۱۹ روز یکشنبه ۵ فوریه ۲۰۱۲ با اجرای موسیقی سنتی زنده و سخنرانی خانم آزاده احسانی و برنامه های متنوع دیگر برگزار خواهد شد.

مرکز فرهنگی هنری زاگرس در نظر دارد همچون سال گذشته دومین جشن نوروزی خود را همراه با اعضای کتابخانه و خانواده ایشان در جمعه شب ۲۳ مارس ۲۰۱۲ برگزار کند.

مشخصه آثار نامجو «تلفیق» است: تلفیق سبک های مختلف موسیقی ایرانی و خارجی و تلفیق اشعار کلاسیک با شعرهایی که خود می سراید. در موسیقی های او گوشه هایی از سبک های راک، سنتی، بلوز، جاز و محلی را می توان پیدا کرد. از استفاده از صداهای نامتعارف در اجرای آثار و بهره گیری از شعرهای مولوی، حافظ و جامی گرفته تا شاعران نامی معاصر، و افزودن تعبیراتی کوچک بازاری، از دیگر ویژگی های کاری وی به شمار می رود.

نامجو در طول فعالیت حرفه ای خود بیش از هشتاد قطعه ساخته که بسیاری از این قطعات در قالب آلبوم هایی با نام هایی نظیر عقاید نئوکانتی، گیس و جبر جغرافیایی و... به صورت زیرزمینی و غیررسمی منتشر شده است.

آغاز دور دوم کارگاه داستان نویسی «هزار داستان» در زاگرس

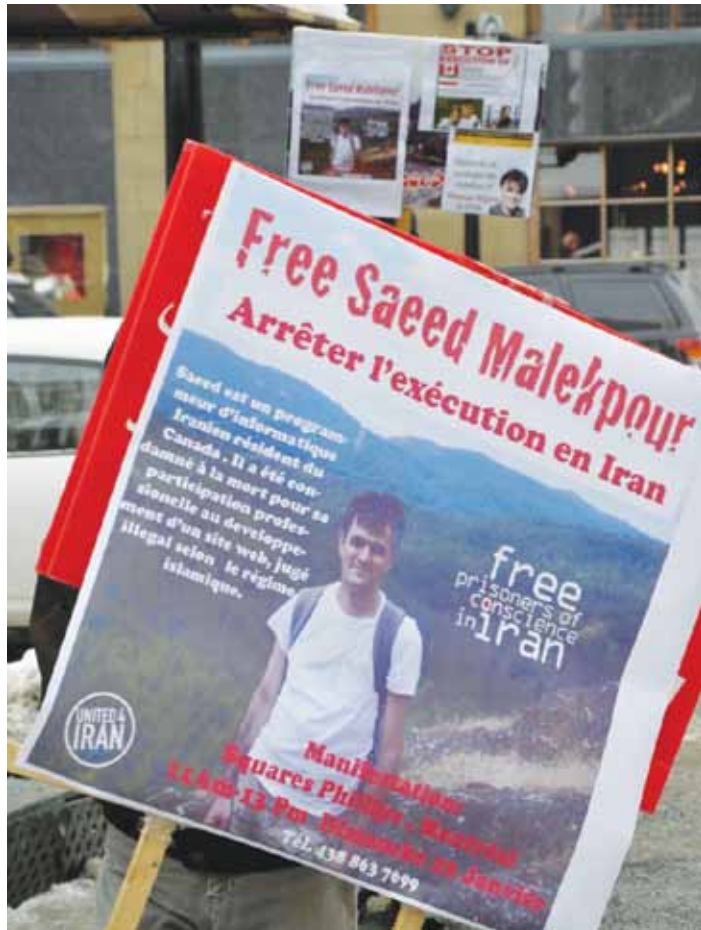


دور جدید کارگاه داستان نویسی «هزار داستان» مونترال، شنبه ۱۸ فوریه ساعت ۱۸ در زاگرس آغاز خواهد شد. این کارگاه پذیرای همه فارسی زبان هایی است که از آفرینش واژه و ساخت دنیایی تازه در ذهن لذت می برند. در این کارگاه سبک های مختلف داستان نویسی و آثار برتر داستانی ایران و جهان بررسی خواهد شد. از دیگر فعالیت های این کارگاه دعوت از نویسندگان شناخته شده و برگزاری عصرهای داستان است. در این کارگاه نویسندگان فارسی زبان ساکن مونترال به بحث و تبادل نظر می پردازند. حاصل جلسات این کارگاه در قالب یک مجموعه داستان (آنتولوژی) از شرکت کنندگان فعال، پس از تأیید کارگاه هزار داستان از جانب انتشارات زاگرس به چاپ خواهد رسید. این کارگاه زیر نظر مهدی مرعشی، نویسنده، مترجم و پژوهشگر برگزار خواهد شد. نشر زاگرس مونترال آخرین اثر این نویسنده را با نام رمان «داستان»

گوگوش خواننده قدیمی و نام آشنای ایران، روز ۱۴ آوریل ۲۰۱۲ در مونترال کنسرت خواهد داشت. این برنامه توسط پرواز انترتینمنت و پرسپولیس برگزار می شود. کنسرت گوگوش در یکی از سالن های Place Des Arts خواهد بود. بلیت کنسرت در فروشگاه پیش دیجیتال و گیشه بلیت Place Des Arts و Ticket Master به فروش می رسد. بهای بلیط این کنسرت از ۵۵ دلار تا ۳۰۰ دلار است.

گزارش تصویری اعتراض به حکم اعدام سعید، در هوای منجمد مونترال

عکس و گزارش: رایان شایگان



روز یکشنبه ۲۲ ژانویه ساعت ۱۱:۳۰ صبح، مونترال در هوای منجمد ۱۳ درجه زیر صفر، شاهد تجمعی اعتراضی نسبت به حکم اعدام سعید ملک‌پور بود. این تجمع که در میدان فیلیپ مونترال برگزار شد، با حمایت «سازمان عفو بین الملل» و «انجمن دفاع از حقوق بشر ایران در مونترال» و به همت آقای دکتر علی‌اصغر گرجی برپا شد. در میان شرکت‌کنندگان این تجمع، فعالان حقوق بشر کانادایی نیز حضور داشتند.

سعید ملک‌پور، فارغ‌التحصیل رشته مهندسی متالورژی دانشگاه صنعتی شریف و ساکن کشور کانادا، همراه ۱۳۸۷ پس از ورود به ایران و در ارتباط با پرونده موسوم به مضلین ۲ مربوط به جرایم اینترنتی بازداشت و به اعدام محکوم شد. سایت گرداب، متعلق به سپاه پاسداران، آقای ملک‌پور را به عضویت در چند شبکه فساد اینترنتی متهم کرد و سپس از او به عنوان مدیر بزرگترین سایت‌های مستهجن، ضدین و ضدامنیت نام برده شد؛ امری که خانواده آقای ملک‌پور آن را رد کرده است.

در پایان این گردهمایی، قطعنامه زیر در محکومیت این حکم اعدام سعید ملک‌پور خوانده شد:

قطعنامه تجمع در اعتراض به حکم اعدام سعید ملک‌پور

«سعید ملک‌پور، یکی از دوستان ما، یکی از هم‌دانشگاهی‌های ما، یک هم‌وطن ما و انسانی مانند همه ما، بدون آنکه گناهی مرتکب شده باشد در دستان حکومت اسلامی گرفتار آمده است و به مرگ محکوم گشته است. حکومت اسلامی با سابقه طولانی در نقض حقوق بشر و مردم ایران، اکنون

بیش از پیش به نقض حقوق بشر و بدترین حالت آن یعنی اعدام بیگناهان و مخالفان سیاسی اقدام کرده است. اعدام هیچ انسانی حتی مجرمان معمولی شایسته نیست و اعدام یک مخالف فکری و عقیدتی نهایت توحش یک نظام را می‌رساند. حکومت اسلامی، آگاه به ضعف روزافزون خود و وحشت خطر ویژه از جانب فضای مجازی و نقش مهم اطلاع‌رسانی و ارتباط‌دهی اینترنت، از حکم سعید به عنوان وسیله‌ای برای ترساندن مردم در استفاده از فضای مجازی و محدود کردن اینترنت می‌خواهند استفاده کنند.

اما بایستی یادآور شد که این نظام دیرگاهی است که در مسیر زوال قرار گرفته است و با این کارها نمی‌تواند از سقوط خود و آگاه شدن مردم جلوگیری کند و مردم ایران دیر یا زود سرنوشت خود را به دست می‌گیرند و نظامی مردمی را جایگزین حکومت مستبد فعلی خواهند کرد.

اعتراضات ما در مورد حکم سعید، همچنین اعتراضی نسبت به تمام احکام ناعادلانه نظام اسلامی نسبت به همه فعالان سیاسی یا عقیدتی و فعالان اجتماعی نیز می‌باشد.

ما همین‌گونه از مردمان و دولتهای جهان می‌خواهیم که به عنوان جزوی از جامعه بشری و جهانی، هریک به نوبه خود جنایات حکومت اسلامی را محکوم کنند تا شاید دنیای بهتری برای همه‌مان ساخته شود. ما در حال هماهنگی هستیم تا در دیگر شهرهای جهان هم تجمع‌های اعتراضی مانند امروز، تا لغو حکم اعدام سعید، برگزار کنیم.»

این اطلاعیه با امضای «جمعی از ایرانی‌های ساکن مونترال» منتشر شده است.



رستوران یاس

با غذاهای ایرانی
با گنجایش ۵۰ نفر آماده پذیرایی از جشن‌های شامست





www.restaurantyas.ca

RESTAURANT YAS
Fine Persian Cuisine

5563 Upper Lachine
Montreal, QC H4A 2A6
514.483.0303

فیروز همتیان

مشاور املاک و مستغلات

♦ در مونتreal و South Shore
♦ مسکونی و تجاری
♦ ارزیابی رایگان - تهیه وام مسکن



Firouz hemmatian
Chartered Real Estate Broker

Cell: (514) 827-6364
Bur: (514) 364-3315
Fax: (514) 364-3648
9515 Lasalle boul. Lasalle Qc.



École Persanophone Farzanegan

مدرسه فارسی زبان فرزنانگان مونتreal

با همکاری تعدادی از دبیران با تجربه و با سابقه کار موفق
در مراکز استعدادهای درخشان در ایران از دانش آموزان
مایل به تحصیل در سال جاری ثبت نام به عمل می آورد

مقاطع ابتدایی و راهنمایی و تک درس فارسی
مقطع دبیرستان دروس ریاضی، فیزیک، شیمی و عربی

ساعات کار: شنبه ها ۹/۳۰ صبح الی ۴ بعد از ظهر
آدرس: 3333 Cavendish Blvd., Suite 250
Montreal, QC, H48 2M5

پست الکترونیکی: farzaneganmontreal@yahoo.ca
تلفن تماس: (514) 7756508

از بوق بنزی تا مصطفی دینزلی

شده‌اند. خوب به خاطر داریم که در آگهی‌های فروش اتومبیل در دهه ۶۰ خورشیدی به وفور می‌خواندیم که پیکان سفید مدل ۵۸ با بوق بنزی و...

از بحث خود دور نشویم. فوتبال ما هم دچار این روزمره‌گی‌ها بود و همواره دوست داشت که رونما را خوب بسازد ولی در بطن خود کار اصولی انجام ندهد و برای این کار میلیاردها هزینه کرد.

همان طوری که می‌دانیم ایران سهمیه حضور خود را در بازیهای لیگ باشگاههای آسیا از دست داده است که علت مهم آن نداشتن امکانات اولیه باشگاهها است.

هر مدیری که به باشگاههای فوتبال ما آمده تنها سعی در هزینه کردن ظاهری داشته تا خودی نشان دهد و بعد باشگاه را با کلی بدهی ترک کرده و هیچ کس هم از او سؤال نکرده که به چه عنوانی توانسته سرمایه‌های ملی را نابود کند.

همه می‌دانیم اگر در هر ارگان دولتی و یا خصوصی شخصی سرمایه‌ها را از بین ببرد از او سؤال می‌شود که به کدامین علت این‌گونه آتش بر سرمایه‌های ملی زده است اما شاهدیم که بر رأس این باشگاهها سالها است که مدیران مختلف می‌آیند و می‌روند و هزینه می‌کنند ولی نمی‌توانند کوچکترین زیرساختی برای این باشگاه بسازند. امروز در باشگاه استقلال شاهدیم که در غم ترک این باشگاه توسط فرهاد مجیدی، کاپیتان ۳۶ ساله خود سر می‌کند. فرهاد مجیدی که درسالهای آخر فوتبال خود است اما این باشگاه چنان از زیرساختهای خود خالی است که می‌داند شاید سالها طول بکشد که ستاره‌ای در این تیم رشد کند زیرا استقلال که روزگاری صاحب تیمهای امید و جوانان و نوجوانان فراوانی بود حالا باید در روزمره‌گی‌های خود سیر کند چون میلیاردها پول هزینه کرده اما فقط ظاهرسازی کرده و خواسته به قولی ره صدساله را یک شبه بپیماید! حبیب کاشانی می‌آید سرمایه‌های فراوانی را با سوءمدیریت از بین می‌برد و به راحتی به سر پست قبلی خود در شورای شهر برمی‌گردد و کسی از او سؤالی

در فرهنگ ما حکایت‌های سیاه و سپیدها و افراط و تفریطها بسیار هستند و شاید به همین دلیل است که در قصه‌ها و تاریخ ما به وفور سخن از بیراهه‌رفتن‌ها و عدم برنامه‌ریزی‌ها کرده‌اند. اصطلاحاتی چون: «آفتابه خرج لحیم کردن» و «چشم و هم‌چشمی» و «آبروداری» را شنیده‌ایم و یا در مثل‌های ایرانی داریم که می‌گویند: «از در دروازه نمی‌تواند وارد شود و از سر سوزن می‌خواهد وارد شود» یا آن بیت معروف که می‌گوید: «خانه از پای‌بست ویران است، خواجه در بند نقش ایوان است».

آری، گویی یکی از مهمترین بحثهای روانشناسی و جامعه‌شناسی این دیار این‌گونه اندیشه‌ها است که می‌خواهیم سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی و مدیریت صحیحی در بسیاری از موارد نداشته باشیم و به یک‌باره موفق شویم. به راستی چرا؟ به نظر نگارنده یکی از علتها این است که هدفی در اذهان بسیاری از هم‌دیاران ما وجود دارد که آن چیزی نیست جز ره صدساله را یک‌شبه پیمودن.

قبل از این که وارد بحث «چشم و هم‌چشمی ورزشی» بشویم دوست دارم حکایتی از صنعت خودروسازی بگویم که شباهت زیادی به فوتبال این روزگار ما دارد. بسیاری از دوستان به خاطر دارند در روزگاران قدیم اتومبیل بنز در ایران حکایتی از بزرگی و وقار داشت و بسیاری از کسان برای این که بخوانند بنز سوار بشوند دست به خیلی از کارها زده بودند و آنهایی که این حسرت را نتوانسته بودند برآورده کنند چراغهای پیکان مثلا سال ۱۳۵۰ را خود را با چراغهای بنز ۱۹۷۰ عوض می‌کردند. حتی فرمان اتومبیل خود را بنزی می‌کردند و سرانجام کار را به جایی رسانده بودند که بوق اتومبیل خود را عوض کرده و به اصطلاح بوق بنزی برای آن می‌گذاشتند و این بوق نخراشیده را به صدا درمی‌آوردند که اگر کسی نتواند اتومبیل آنها را ببیند این تصور را به وجود آورد که بنز سوار



پروفیسور محمد میمنگی، نقاشی از دیار ظہیر فاریابی

حتی حاضری اش را شخصاً کنترل می‌نماید. اینجاست که غلاممحمد در پایان ده سال کار هنری تحت مراقبت شدید دربار، هنر رسامی را به اوجش می‌رساند و چنان لیاقت حاصل می‌کند که به معاش سالانه‌ی ۱۰۰۰ روپیه‌ی کابلی به حیث نقاش دربار عز و تقرب حاصل می‌نماید. وی تا سال ۱۲۹۸ خورشیدی که دوره‌ی پایان حکمرانی حبیب‌الله سراج است، به کارهای هنری خود ادامه می‌دهد و آفریده‌هایی به جهان هنر تقدیم می‌نماید. اکثر آثار قیمت‌دار او که ارزش تاریخی داشتند در موزیم کابل وجود داشت، معلوم نیست که حالا هم موجود هستند یا به یغما برده شده است.

دوره‌ی عروج و عزت (عضویت در جنبش مشروطه‌خواهان) و تأسیس مکتب صنایع نفیسه در کابل

پروفیسور در دوره‌ی حبیب‌الله سراج به اوج شهرت هنری می‌رسد و از کارهای خود غالباً حق‌الزحمه هم دریافت می‌کند. چنانکه قبلاً یادآور شدیم او با شخصیت‌های بزرگ سیاسی، علمی و فرهنگی کشورما محشور می‌گردد و عضویت جنبش مشروطه‌خواهان را حاصل می‌نماید که بعداً نام‌های آنها را به امیر حبیب‌الله به جلال‌آباد می‌برد و مورد غضب او قرار می‌گیرد و تحت فشار غل و زنجیر به کابل فرستاده می‌شود. می‌گویند آن قدر بر دست و پا و گردن محبوسین زنجیرها آویخته می‌شد که یکی از آنها در زندان گفته بود که :

بندی‌ای را بس بود زولانه‌ی

این همه زنجیر در زنجیر چیست

پروفیسور در این وقت عضویت فعال جریده‌ی سراج الاخبار که تحت سرپرستی محمود طرزی نشر می‌شد، عضویت انجمن معارف و عضویت اداره‌ی ترقی صنایع وطن را حاصل می‌کند و یکی از همکاران نزدیک مطبعه دولتی، مطبعه حربی و مطبعه معارف محسوب می‌گردد و از همه مهم‌تر به کار خارق‌العاده که عبارت از تأسیس مکتب صنایع نفیسه در کابل است توفیق می‌یابد.

در سال ۱۲۸۳ خورشیدی ده نفر دانشجوی افغان و چهار نفر دانشجوی اتریشی که از روسیه پناه‌گزین افغانستان شده بودند به امر حبیب‌الله سراج به پروفیسور معرفی می‌شوند و تحت نظر او هنر نقاشی را فرا می‌گیرند. به این ترتیب این شخصیت هنری و فرهنگی که در

است که کل را می‌سازد و به او کیفیت بالاتر از جمع اجزاء می‌دهد.

در تلاش برای بیدار کردن و رشد دادن همین روحیه‌ی ملی، بگذارید تا یکی از شخصیت‌های مهم هنری کشور، پروفیسور غلاممحمد میمنگی را برای شما دوستان دور از وطن معرفی کنم.

چندی پیش، نوشته‌ی یکی از قلم به دستان منور، آقای پامیزاد به دستم رسید که می‌خواهم آن را در این هفته با شما شریک بسازم.

غلاممحمد، فرزند عبدالباقی مینگ‌باشی و او فرزند صوفی مینگ‌باشی، در سال ۱۲۵۲ خورشیدی در شهر میمنه‌ی ولایت فاریاب به دنیا آمده و تا هفت سالگی در آنجا به سر برده و سپس با مادرش به کابل آورده میشود و در سرای نورمحمدخان، واقع در گذر قاضی فیض‌الله‌خان در شهر کهنه‌ی کابل جابه‌جا می‌گردند و تحت نظارت شدید حکومت مستبد وقت قرار می‌گیرند. در این وقت برای غلاممحمد پنج روپیه و برای مادرش سالانه سی روپیه (تنخواه) مقرر می‌گردد و تمام جایداد منقول و غیرمنقول‌شان ضبط می‌شود.

اینک دو سال بعد که غلاممحمد نه ساله شده و در میمنه سواد آموخته بود و به هنر رسم علاقه‌ی مفروطی داشت و مشق رسامی می‌کرد، هوای رفتن به زادگاه مألوفش بر سرش می‌خورد و پرنده‌ی کوچکی را که چنانچه گفته شد بعداً به پرنده‌ی نجات مسمی می‌گردد، رسم می‌کند و به ضمیمه‌ی یک عریضه به وسیله‌ی شخصی به حضور عبدالرحمن‌خان تقدیم می‌دارد. این رسم زیبا مورد توجه امیر قرار می‌گیرد ولی او شک می‌داشته که رسمی به این زیبایی از طرف غلاممحمد نه ساله نقاشی شده باشد. لذا فوراً دستور می‌دهد تا قلم و کاغذ آماده و به غلاممحمد می‌گوید که در گوشه‌ی اتاق نشسته زیر نظر خودش پرنده را رسم نماید. از آنجا که شاعری گفته :

«نقاش نقش ثانی بهتر کشد ز اول»

غلاممحمد آن را به همان ظرافت و تناسب عالی رسم می‌کند و عبدالرحمن‌خان از این استعداد وی در شگفت اندر می‌شود و به رفتش به میمنه موافقه نمی‌کند، برعکس به طبیب دربارش (داکتر جان گیری) انگلیسی که نقاش ورزیده هم می‌باشد دستور می‌دهد تا غلاممحمد را در ارگ در نزد خود هنر نقاشی بیاموزد و



پروفیسور غلاممحمد میمنگی

ایا از خود پرسیده‌اید که روحیه‌ی ملی در یک کشور چطور جان می‌گیرد و به کدام شیوه عرض اندام می‌کند؟ بدانید که این روحیه، که در ظاهر همگانی می‌نماید و در اصل فردی است، آن وقت در ذهن یک فرد جامعه زنده می‌شود که آن فرد خود را، با مرور زمان، در پرتو اساطیر، دست‌آوردها، هنرها، افتخارات و تجارب مشترک ملتی ببیند و آگاهانه و یا ناخودآگاه پارچه‌های از اینها را برداشته و آهسته آهسته به خود هویتی بترشد. این تماس دوام‌دار فرد را چنان مجذوب خود می‌کند که او در هر شاهکار ادبی همشهریانش قصه‌ی خود را می‌خواند، در هر نقاشی زیبایی هم‌وطنش رنگ‌های دلپسند خود را می‌بیند، در هر ساز و آواز وطنینی و ابرازی از احساسات درونی خود را می‌شنود، و در هر کامیابی غریب بچه‌ی میهن خود، رضامندی خود را می‌یابد.

به همین دلیل است که ملت‌های آگاه می‌کوشند حتی کوچکترین اثر و یا دستاورد خلق شده در پهنای کشور و جزئی‌ترین افتخار کسب‌شده در درازنای تاریخ خویش را ارج بگذارند و به گوش و دیده‌ی افراد ملت برسانند. البته این آگاهی فردی است که آگاهی یک ملت را تشکیل می‌دهد. و این رشد جزء و شیوه‌ی انتقال استعدادهايش

تهران، بلوار آفریقا، خیابان تور، پلاک ۶۶
 تهران ۰۲۱-۲۵۰۸۴۰۲۲
 مونتreal ۵۱۴-۹۰۳۴۷۲۶
 تورنتو ۹۰۳۴۷۲۶-۴۲۹۱۸۴۸
 ونکوور ۶۰۴-۹۰۹۳۰۷۳
 شماره: ۵۱۴-۲۳۹۴۷۲۶
www.parscanada.com
info@parscanada.com

شرکت کنپارس

خدمات مهاجرتی

- مهاجرت به کانادا از طریق:
- سرمایه گذاری فدرال و کبک
- نیروی متخصص فدرال و کبک
- کار آفرینی فدرال و کبک
- برنامه های استانی شامل:
- مینیتوبا، نیو برانزویک،
- پرنس ادوارد آیلند، ساسکاچوان و ...



با مدیریت علی مختاری
 عضو انجمن کانادایی
 مشاوران مهاجرت (CSIC)
 عضو کانون وکلای تهران

PARSCANADA.COM

آخرین اخبار و مقالات در ارتباط با مهاجرت، کار و زندگی در کانادا
 را در سایت ما بخوانید.

تاریخ معاصر کشور ما جایگاه والا دارد، چه در مراکز هنری فوق الذکر و چه در ماشین‌خانه‌ی دارالسلطنه کابل، مکتب‌های حبیبه و حربیه‌ی وقت به صفت استاد نیز خدمت می‌کند، شاگردان زیادی را تربیت و به جامعه هنری وطن تقدیم می‌نماید. پروفیسور به اثر لیاقت و کاردانی با شخصیت‌های بزرگ ترک‌تبار آسیای میانه، ایران، هند و سایر شخصیت‌های بزرگ سیاسی و اجتماعی کشور نیز آشنایی حاصل می‌دارد و مورد احترام همه قرار می‌گیرد که ازین جمله می‌توان از شخص شاه امان‌الله، شاه محمودولی خان آگاه دروازی وکیل امان‌الله، محمود طرزی و جمیعت مشروطه‌خواهان نام برد که از هریک آنها تحسین‌نامه‌هایی، آن هم یکی نه، بلکه چندین تا در متن کتاب به چاپ رسیده که به عنوان پروفیسور ارسال کرده‌اند. شاه ایران لقب پروفیسوری شرق را رسماً عنوانی عزیزالله‌خان سفیر افغانستان در ایران به پروفیسور اعطا کرده است.

پروفیسور غلام‌محمد میمنگی، در سال ۱۳۷۸ که به اوج شهرت رسیده بود و به القاب نقاش، رسام، مصور (صورتگر) نیز یاد می‌گردید و ۲۵ سال داشت که با یکی از اقارب خود به نام زینت‌بانو ازدواج می‌کند که ثمر آن دو پسر و سه دختر است که نام‌های شان ازین قرار می‌باشد:

۱ - بانو حمیرا، خانم علی‌محمدخان بدخشی وزیر دربار ظاهرخان. از وی یک فرزند بنام ضیاءجان مانده است.

۲ - غلام محی‌الدین خان فارغ مکتب صنایع نفیسه‌ی کابل. با طاهره دختر عثمان‌قل‌خان ازدواج کرده ثمر ازدواج‌شان شش پسر و دو دختر است. از پسران وی مصطفی، فرید و وحید هم مانند جدشان صاحب استعداد در هنر نقاشی هستند که نام‌های‌شان را در این مقاله می‌خوانیم.

۳ - عبدالروف میمنگی فارغ مکتب امانی (نجات) با دختر یکی از علمای بزرگ طب، دوکتور ربیع بیگ ترکی ازدواج کرده، فرزندانش عبارت‌اند از: نجیب‌الله سرخایی، خالد سرخایی، سهیلا

ادامه در صفحه ۴۴

یادی از بزرگان هنر موسیقی ایران: گفت‌وگو با کیانوش نوری، فرزند هاید هارمنندی یگانه به بهانه سالگرد درگذشت هاید

■ کامی مالکی

من پنج سال بیشتر نداشتم که هاید کارش را با زنده‌یاد استاد تجویدی آغاز کرد. استاد تجویدی به خانه ما می‌آمدند و با مادرم تعلیم صدا کار می‌کردند. اولین کار مادرم به نام «آزاده‌ام» در برنامه گلها اجرا شد. در آن موقع کار ایشان خیلی محدود بود چون پدر من ارتشی بود و با خواندن هاید مخالف بود. مدتی گذشت و تقریباً بعد از شش سال، ایشان کار حرفه‌ای خود را با استاد جهانبخش پازوکی شروع کرد و ادامه داد. آهنگ «آگه بری نفرین می‌کنم» از ساخته‌های جهانبخش پازوکی بود و با آن آهنگ هاید یک‌شبه معروف شد. فردای آن روز عکسهای هاید روی جلد روزنامه‌ها و مجله‌ها چاپ شد.



کامی مالکی

صدای خوب هاید ارثی بود، یا فقط تمرین و آموزش بود؟

مادربزرگ صدای خوبی داشت، خاله کوچکترم هم همین‌طور. خاله بزرگم تعریف می‌کرد که وقتی هاید بچه بود، خیلی به صدای زنده‌یاد خانم دلکش علاقه داشت. ایشان می‌گفتند هاید می‌آمد روی زمین پیش من می‌نشست و وقتی رادیو از مرحوم دلکش آهنگی پخش می‌کرد، صدای رادیو را بلند می‌کرد و سعی می‌کرد مثل خانم دلکش بخواند، مرتب آهنگهای او را زمزمه می‌کرد. البته یک خاله دیگر داشتم که از همه بزرگتر بود و به خاطر شوهرش که نظامی بود در منجیل زندگی می‌کرد. خاله بزرگ می‌گفتند که با هاید و خاله‌ام مهستی در منجیل بودند، مهستی که آن موقع چهار سال بیشتر نداشته هم می‌نشسته و از آنها تعلیم می‌گرفته. مادر بزرگم به مهستی می‌گفته که این قسمت را باید پایین بخوانی، آن قسمت را بالا بخوان، صدا نباید یک دفعه کم و زیاد شود و از این جور راهنمایی‌ها. مهستی هم کار حرفه‌ای را هم‌زمان با مادرم در سال ۱۳۴۵ شروع کرد.

شما چند خواهر و برادر هستید؟
ما سه برادر و خواهر هستیم؛ من تنها دختر و کوچکترین

«آزاده» اثر استادش علی تجویدی که بر روی آخرین سروده رهی معیری ساخته شده بود آغاز کرد. اجرای ترانه «آزاده» با ارکستر بزرگ گلها در رادیو تهران آغاز کار هاید بود. وی پس از اجرای چندین اثر دیگر از تجویدی و دیگر آهنگسازان در برنامه گلها، از نخستین سال‌های دهه ۱۳۵۰ به خواندن ترانه‌های پاپ علاقه‌مند شد که بیشتر از ساخته‌های فریدون خسروشود، جهانبخش پازوکی، محمد حیدری و انوشیروان روحانی بودند. هاید در شهریور ۱۳۵۷ چندین ماه پیش از پیروزی انقلاب ایران را به مقصد بریتانیا ترک کرد. او تا پایان عمر از این رویداد به عنوان تلخ‌ترین خاطره زندگی خود یاد می‌کرد.

هایده از ۱۳۶۱ در لس‌آنجلس به فعالیت ادامه داد. یکی از نخستین برنامه‌های رسمی او در این شهر، کنسرتی در دانشگاه کالیفرنیا در لوس‌آنجلس (یو.سی.ال.ای) بود همراه با گروهی از سازهای ایرانی به سرپرستی منوچهر صادقی.

در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ آثار هاید در ایران به صورت صفحه گرامافون و نوار کاست منتشر شد. بیشتر این آثار و همچنین کارهایی که هاید در دهه ۱۹۸۰ در آمریکا خواند، در دهه ۱۹۹۰ و همچنین پس از سال ۲۰۰۰ از نو روی سی.دی منتشر شدند، اما ترتیب ترانه‌ها در سی.دی‌ها اغلب از نظم ویژه‌ای پیروی نمی‌کند. «ای زندگی سلام» و «سوگند» آخرین آلبوم‌های هاید است. هاید در روز ۲۰ ژانویه ۱۹۹۰، برابر با ۳۰ دی ماه ۱۳۶۸ فردای اجرای کنسرت در باشگاه کازابلانکا، در حومه سان‌فرانسیسکو بر اثر سکته قلبی درگذشت. این هنرمند بزرگ کشورمان، در گورستان وست وود در لوس‌آنجلس با حضور هزاران نفر از ایرانیان مقیم آمریکا به خاک سپرده شد. هما سرشار (روزنامه‌نگار)، ویگن (خواننده) و حسن شهباز (مترجم و سردبیر فصلنامه رهاورد) از جمله سخنرانان در مراسم بودند. در تهران نیز با وجود محدودیت‌های بسیار، گروهی از مردم در مسجدالجواد یاد او را گرمی داشتند. در همان زمان گفته شد که ویدئوی مراسم به فاصله کوتاهی، مخفیانه در ایران پخش شد.

پژمان اکبرزاده فیلم مستندی درباره فعالیت‌های هنری و آثار هاید ساخته که در ژانویه ۲۰۰۹ برای نخستین بار در آمستردام اکران شد.

به مناسبت سالگرد درگذشت این هنرمند منحصربه‌فرد، سراغ دختر ایشان خانم، کیانوش نوری رفته و او با گرمی دعوت مرا به یک گفت‌وگوی تلفنی پذیرفت.

خانم کیانوش نوری، از ابتدای کار هاید چه خاطراتی دارید؟

از کودکی او را در خاطر دارم. در آن روزها، خیلی وقت‌ها منزل استاد حسین قوامی، عموی مادرم بودم. هاید همراه با استاد نجاحی به منزل استاد قوامی زیاد می‌آمدند. اواسط دهه ۱۳۵۰، بود، یعنی من هشت، نه ساله بودم. هاید مرا که در منزل استاد قوامی می‌دید لپه‌لپه را می‌گرفت، تکان می‌داد و مهربانانه با من بازی می‌کرد. دیرتر، در سال ۱۹۸۱ در لندن در فروشگاه هاروتس خرید می‌کردم که هاید و خانم کیانوش نوری، دختر هاید را دیدم. به هاید گفتم: یادتان است در منزل استاد قوامی لپه‌لپه مرا می‌کشیدید؟ هاید با همان نوای خوش و مهربانانه گفت: بله، کاملاً. بعد همان‌جا از او خواهش کردم بخشی از آهنگ «ای تیر غمت را دل عشاق نشانه» را بخواند. همان‌جا، یعنی در فروشگاه شروع کرد به خواندن، و برای همیشه این خاطره را در ذهن من باقی گذاشت.

این روزها مصادف است با بیست و دومین سال درگذشت هاید، یکی از صداهای ماندگار موسیقی پاپ ایران. هاید، با صدای گرمش لذت موسیقی را نصیب



کیانوش نوری، دختر هاید، هنرمند نامی

چندین نسل از علاقه‌مندان موسیقی پاپ ایران کرده است.

به نوشته‌ی ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد اینترنتی، هاید، متولد ۲۱ فروردین ۱۳۲۱ در تهران است. صدای او را به جهت تکنیکی کنترآلتو می‌نامند. او بیست و یک سال در زمینه موسیقی دستگاهی و موسیقی پاپ ایرانی فعالیت کرد. نام اصلی او معصومه دده‌بالا بود. هاید در ۱۳۴۷، فعالیت حرفه‌ای خود را با خواندن ترانه



MSMILINE
DENTAL HEALTH CENTER



دکتر رامین میرموجی

دندانپزشک در کلینیک

مجهز وست آیلند و MSmiline

از دوشنبه تا شنبه برای هموطنان

Tel: 514-675-3332

4935 St-Charles boulevard, Pierrefonds, QC H9H 3E4

www.msmiline.com

خدمات حسابداری و دفترداری

سرور صدر SOROOR SADR

امور دفترداری و حسابداری

تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی

تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES

With Appointment

Gestion Financière Loyale

5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514-777-3604

loyale.accounting@gmail.com



مشاور املاک

نادر خاکسار

محل کار برای هر صنف

در وست مونت

خیابان سن کاترین

514-969-2492

Five Star I.P.M Inc.
صرافی ۵ ستاره
اعتماد ما اعتماد شما است
Foreign Exchange & Transfer
اسفند سریع آیر به ایران و سایر نقاط جهان و بالعکس
منوچهر فریادان
تبدیل ارزهای رایج بین المللی با بهترین نرخ بدون کار مرز
2178 Ste-Catherine West Tel.: 514 585 2345 , 514 846 0221

SHARIF EXCHANGE
ارز شریف
Tel: (514)561-6408 www.sharifexchange.ca
Tel: (514)223-6408 259 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

هم من برای مادرم گذاشتم.

فرزند هستم. برادرم کیوان چهار سال از من بزرگتر است و برادر بزرگترم، کامران پنج سال بزرگتر است.

شما، اهل خانواده، صدای هایدی را به ارث برده‌اید؟ نه، متأسفانه هیچ کدامان.

کی از ایران خارج شدید؟

سال ۱۳۵۴. بیست و چهار سال در لندن زندگی کردم. در موقع انقلاب ایران من برای تعطیلی‌ها به ایران رفته بودم و تابستان را در ایران بودم و همان موقع یعنی سال ۱۳۵۶ همراه با مامان از ایران آمدیم بیرون. مامان هم ۳ سال لندن بودند و بعد به آمریکا رفت و خود من هم الان ۱۲ سال است در آمریکا هستم.

چه طور شد که آمریکا را برای زندگی انتخاب کردید؟

هم به خاطر اینکه در لندن زیاد مانده بودم و خسته شده بودم و هم این که دو برادرم و دختر خاله‌ام سحر در آمریکا زندگی می‌کردند، خانواده ما هم خیلی بزرگ نیست، این بود که گفتم همگی نزدیک هم باشیم.

فکر می‌کنم در آخرین بزم هایدی و آقای گلپایگانی بود که کسی گفت امروز تولد امام رضا است. چهار آبان تولد شاه هم بود. آیا از آن برنامه چیزی در خاطر دارید؟

کمی یادم مانده، مادرم آهنگ «کشتی مرا چو دیده دریا» را خواند و آقای گلپایگانی آهنگ معروفش را خواند. همه این قسمت‌ها را می‌شناسند که می‌گوید: «می‌دونستی که خاک فرش منه» می‌خواند. بعد رو به مادرم کرد و گفت حتما باید آهنگی را که گلپا خیلی دوست دارد بخواند و هایدی هم «وقتی که از تو دورم» را خواند. این هم جزء بزمهای خوب مامان با آقای گلپایگانی بود.

از شروع کار زنده‌یاد هایدی تا سال ۱۳۶۸ که فوت کردند، می‌دانید چند آلبوم کار کردند؟

درست یاد نیست، فکر می‌کنم دویست تا آهنگ از اول کار هایدی تا زمان فوتش موجود باشد، چون همان‌طور که می‌دانید بیشتر آهنگها دوباره تکرار شده و به صورت جدید خوانده شده. بعد از شروع کار هایدی با پازوکی، بیشتر از پنج سال طول نکشید که انقلاب شد.

هایدی با آقای انوشیروان روحانی هم زیاد کار کرده بودند، نه؟

بله، با آقای انوشیروان روحانی و خانمشان که خواهر زنده‌یاد پوران است.

شما هم چند کنسرت برای هایدی سازمان‌دهی کردید. درست است؟

در لندن، هایدی کنسرتی در رویال آلبرت داشت و کنسرتی در کنزینگتن. روزهای اول پس از انقلاب بود و هایدی برای خیریه، برای کمک به خانواده ارتشی‌های بازنشسته که حقوقشان قطع شده بود، آن کنسرت را گذاشت و آهنگ «می زیم فریاد» را خواند. در آلبرت‌هال دو کنسرت بود، مدیریت اولین کنسرت با من بود، برای بیست‌مین سال خوانندگی مادرم در سال ۱۹۸۶. دومی اش در سال ۱۹۸۷، و آخرین کنسرت هایدی و دو ماه قبل از فوتش در امپایر استیت بود. آن را

ادامه در صفحه ۲۳

یکشنبه

5 Feb 2012

ساعت ۱۹

جشن سده

در زاگرس



3418 Stanley, Montreal H3A 1R8T, metro Peel
1(514)690-6343

www.zagros.ca



A.E.C. Diploma

Sustainable Architectural Technology

Visit us at the
Maison du développement durable

Open House on
February 8th 2012

50 Ste-Catherine O. corner Clark

COLLÈGE
HERZING

1-888-639-2277
herzing.ca/montreal

1616, Boulevard René-Lévesque Ouest
Montréal, QC H3H 1P8



Find us on
facebook

INSTITUT TECHNIQUE AVIRON TECHNICAL INSTITUTE DE MONTRÉAL

روایهای خود را واقعیت ببخشید



- جوشکاری و قالب‌سازی
- مکانیک اتومبیل
- طراحی صنعتی (اتوکد)
- برق‌کاری
- الکترونیک
- محافظ امنیتی
- طراحی سه‌بعدی
- جوشکاری عمومی
- جوشکاری تحت فشار

D.E.P 1800 hours
vocational Diploma:

- Welding & Fitting
- Auto Mechanics
- Industrial Drafting (AutoCAD)
- Electricity
- Electronics

Certificates
& Attestations:

- Security Officer
- Autodesk® Inventor
- General Welding
- High Pressure Welding

Loans & bursaries available.
Lifetime placement service.



514.739.3010 De La Savane
WWW.AVIRONTECH.COM West of
5460 Royalmount, Ville Mont-Royal Décarie Blvd.



میان خوانندگان ایرانی و خارجی، هایده کدامشان را می‌پسندید؟

در میان خواننده‌های ایرانی به صدای خانم الهه خیلی علاقه داشت، همین‌طور صدای خانم دلکش، گلچین، محمودی خوانساری، بنان، قوامی، مازیار، شهیدی، پوران، و داریوش رفیعی را دوست داشت. در میان خارجی‌ها بری وایت، شرلی بسی، باربارا استرایسند، خولیو، دمیس روسوس، ویدنی هوستون و نیز خواننده‌ای به نام لورو را می‌پسندید. در سال ۱۹۷۶ او هم به هایده خیلی علاقه داشت.

از استاد شهیدی نام بردید، دختر استاد شهیدی زن برادر شماست، نه؟

بله، خانم شهلا شهیدی، دختر استاد عبدالوهاب شهیدی، زن برادرم کامران نوری است.

هایده به دربار زیاد رفت و آمد داشت؟

وقتی کسی از خوانندگان درجه اول مملکت باشد، مسلماً به دربار هم راه پیدا می‌کند. بیشتر خوانندگان معروف ما مانند گوگوش، ستار، خالهام مهستی، و خلاصه خیلی از هنرمندان آن زمان به دربار می‌رفتند، مخصوصاً در مهمانی‌های رسمی. اگر مهمانی خارجی می‌آمد، بیشتر هنرمندان معروف را دعوت می‌کردند و هایده هم یکی از آنها بود.

اگر در پایان، صحبتی برای طرفداران هایده دارید بفرمایید.

از همه دوستداران هایده تشکر می‌کنم که هنوز هم به یاد ما هستند و با ما درد دل می‌کنند. برای ما هم درد دل خوب است و آرامش زیادی به ما می‌دهد.

خانم کیانوش نوری از شما سپاسگزاریم.

گفت‌وگوی تلفنی با خانم کیانوش نوری، در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۸۹ از تهران، توسط کامی مالکی، برای انتشار در «هفته» چاپ مونترال، انجام شده است.

و آهنگ سراب و نیز سوغاتی. اینها از کارهای زیبای انوشیروان روحانی است.

آیا نسل جدید و دانشجویان هم با صدا و هنر هایده ارتباط برقرار می‌کنند، یا علاقه‌مندان هایده را باید در نسل ما و نسل گذشته جستجو کرد؟

تعدادی زیادی از دانشجویان از ایران و سراسر دنیا با من از طریق ایمیل در ارتباط هستند. وقتی هایده فوت کرد آنها شاید دوساله بودند ولی مرتب از صدای هایده می‌نویسند که ای کاش آن موقع در ایران بودیم، به دنیا آمده بودیم و هایده را از نزدیک می‌دیدیم. به هر حال هر کدام نظری دارند ولی با وجود این که سن آنها کم است، از آهنگهای هایده می‌گویند و آنها را به خاطر دارند.

آقای پژمان اکبرزاده که در اروپا زندگی می‌کند ظاهراً بدون اجازه شما فیلمی مستند درباره هایده ساخته، آیا فیلم را دیده‌اید؟ نظرتان چیست؟

من خودم این فیلم را ندیده‌ام ولی کسانی که آن را دیده‌اند، از آن چندان تعریف نمی‌کنند، می‌گفتند زیاد جالب نیست. اگر کسی فیلمی را به عنوان زندگی‌نامه کسی درست می‌کند، باید از خانواده آن شخص اجازه بگیرد. ما می‌توانستیم کمک کنیم. این درست نیست که برای ساختن یک فیلم مستند، فقط از شنیده‌ها یا شایعات استفاده شود. البته این فیلم موفق هم نبود.

از آخرین خاطره‌ای که با هایده دارید برای ما بگویید.

البته خاطره که فراوان است، ولی آخرین خاطره‌ام همان برنامه کنسرتشان در لندن بود که من برایشان گذاشته بودم. هایده گفته بود که می‌خواهد نوه‌هایش آخرین کنسرتش را روی صحنه ببینند. اشکان و هایده آن موقع، چهار ساله و پنج ساله بودند.

اشکان و هایده فرزندان شما هستند، درست است؟

بله، اسم هایده را خودم برای دخترم انتخاب کردم و وقتی مامان متوجه شد برایش یک سورپرایز بود.

آیا یادتان است که از

مرکز بهایی مونترال برگزار می‌کند

مبارزه برای حقوق بشر در ایران بنای خاورمیانه‌ای جدید

سخنران: دکتر پیام اخوان

استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه مک‌گیل
و دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه

جمعه ۱۰ فوریه ۲۰۱۲ ساعت ۷:۳۰ شب



در سال ۲۰۰۹، ایران شاهد یک جنبش اجتماعی مردمی بود که «بهار عربی» سال ۲۰۱۱ را در پی داشت. این جنبش‌ها نشان‌دهنده قدرت جوانان و هوشیاری مردمی است که علیه دیکتاتوری، زیرپا گذاشتن حقوق بشر و بی‌عدالتی به پا خاسته‌اند.

برپایی جامعه‌ای نو نیازمند مبارزه‌ای طولانی و پیچیده و شرط اصلی تغییر هویتی است که بر اساس بی‌عدالتی، ظلم، ستم و نفرت ساخته شده، به جامعه‌ای با فرهنگ برابری، بردباری و آزادی، پایان دادن به ستم علیه اقوام، اقلیتهای مذهبی و گروه‌های مختلف دیگر جامعه

جامعه بهایی مونترال از شما دعوت می‌کند تا در سخنرانی دکتر پیام اخوان درباره نقض حقوق بشر در ایران شرکت کنید

پیام اخوان، دکترای حقوق دانشگاه هاروارد و پروفیسور حقوق بین‌الملل دانشگاه مک‌گیل و اولین دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه، برای یوگسلاوی سابق و رواندا است. او نزدیک دو دهه است که از جانب سازمان ملل بر پرونده‌های حساسی از نقض حقوق بشر و نسل‌کشی در کامبوج، گواتمالا و تیمور نظارت داشته است

Lecture by Dr Payam Akhavan
International law Prof. at McGill
On Human Rights in Iran

Friday, Feb. 10 2012 7:30 PM
Baha'i Centre in Montreal
177 Ave des Pins E, Montréal, QC H2W 1N9
Info: (514) 849-0753



اوباما را نمی‌توان مستقل از تاریخ آمریکا بررسی کرد

گفت‌وگو با جerald هورن، نویسنده و استاد تاریخ دانشگاه هوستون

بخش اول

از راست، سعید سلطانیپور و جerald هورن



■ سعید سلطانیپور

soltanpour@hotmail.com

نوستاری آن را برای خوانندگان «هفته» آماده کردیم. این گفت‌وگو در دو شماره بی‌دری «هفته» ارائه خواهد شد و گشایش بایی خواهد بود بر سال انتخابات در ایالات متحده آمریکا. امیدوارم طی ماه‌های آینده بتوانیم در «هفته» دیدگاه‌های متفاوت را که در جامعه آمریکا در رابطه با انتخابات کاندیداها موجود است ارائه دهیم.

پروفسور جerald هورن، چرا شما معتقدید تاریخ آمریکا را دوباره باید نوشت؟

بسیاری از حوادث تاریخ ایالات متحده در کتابهای تاریخ آمده که در مدرسه‌های ما نیز تدریس می‌شود و جهان هم عموماً آن را پذیرفته است. مثلاً اینکه در سال ۱۷۷۶

روز یکشنبه ۱۵ ژانویه ۲۰۱۲ با خبر شدم پروفسور جerald هورن، استاد دانشگاه از هوستن مورخ، نویسنده و استاد دانشگاه از هوستن تگزاس برای رونمایی کتاب جدیدش به تورنتو آمده است. برای انجام یک گفت‌وگوی تلویزیونی به هتل وی رفتیم. دکتر هورن بسیار پرنرژی و دوستانه به تمام سؤالات درباره وضعیت سیاهان، آزادی بیان، پرزیدنت اوباما و سیاست خارجی توسعه‌طلبانه آمریکا گرفته تا ایران و خاورمیانه و ترور دانشمند اتمی ایران پاسخ داد. از جمله گفت که اخیراً سه فیلم از ایران دیده که آخرینش «جدایی نادر از سیمین» اصغر فرهادی است. مصاحبه برای پخش تلویزیونی تهیه شد و نسخه

انقلابی بزرگ توسط یک مرد بزرگ علیه امپراتوری بریتانیا در آمریکا تحقق یافت. هرچند دردهایی مانند برده‌داری آفریقاییان در آمریکا و تصرف سرزمین سرخپوستان با زور وجود داشت، ولی می‌توان آن را یک انقلاب خواند اما بدون بازخوانی تاریخی این حوادث، پیوند دادن آن انقلاب با حوادثی دیگر که از پس آن اتفاق افتاد دشوار است. به عنوان مثال من در کتابی که اخیراً در مورد برزیل نوشته‌ام، اشاره کرده‌ام که برزیل بیشترین تعداد سیاهان آفریقایی را از هر کشور دیگری در جهان به جز نیجریه دارد.

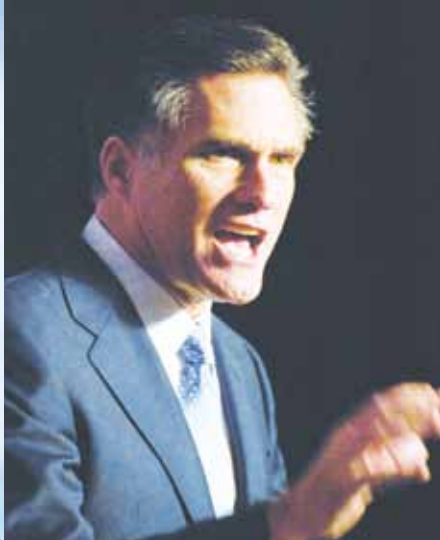
امپریالیستی در این کشور و سایر کشورها. همچنین در پیدایش اسرائیل و ادامه حیات و سیاست‌هایش، افسانه‌های زیادی وجود دارد که باید دوباره بررسی شود.

با توجه به تاریخ ایالات متحده آمریکا و موضوع برده‌داری سیاهان در آن سالها، آیا امروزه در سال ۲۰۱۲، ایالات متحده آمریکا در از بین بردن نژاد پرستی جهت‌گیری درستی داشته است؟ شما حتما شوخی می‌کنید!

در شوری انتقاد کند. اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آن دستاوردها در حال پس گرفتن هستند.

اما در آمریکا یک سیاه‌پوست به ریاست جمهوری رسیده است. این را چگونه تحلیل می‌کنید؟

یکی از دلایل انتخاب شدن اوباما، شوک اقتصادی ناشی از فروپاشی وال‌استریت در سپتامبر ۲۰۰۸ بود. بر اثر این ضربه بخشی از نیروهای سنتی جمهوری‌خواهان،



اعتماد خود را به رهبران این جناح سیاسی از دست دادند. دیگر اینکه اوباما به دلیل مخالفتش با جنگ عراق در کنگره، از محبوبیت برخوردار بود. حتی در سال ۲۰۰۸ که جنگ عراق دیگر طرفداری نداشت، رقیب جمهوری‌خواه او، سناتور جان مک کین، طرفدار جنگ بود. جالب‌توجه است که در آن سال هم ۵۷ به ۴۳ درصد جمعیت سفیدپوست به جمهوری‌خواهان رأی دادند. این رأی در ۵۰ سال گذشته تفاوت چندانی نکرده بود.

قانون اساسی ایالات متحده یک قانون بورژوازی است. البته باید بگویم که این دموکراسی بهتر از فاشیسم است

عامل دیگر پیروزی اوباما این بود که، در سال ۲۰۰۸ به دلیل تغییر جمعیتی و رأی‌های انتخاباتی در برخی از حوزه‌ها، تعادل قوا به نفع اوباما برهم خورد. به عنوان مثال تعداد جوانان اسپانیایی‌تبار در کالیفرنیا، و

شما یک سیاه‌پوست آمریکایی و من متعلق به یک اقلیت قومی در کانادا هستم ما بر اساس آمار صحبت می‌کنیم. در کانادا، به نظر می‌رسد دولت به سمت محور نژادپرستی حرکت می‌کند، اما آمار نشان می‌دهد که ۲۰ درصدی جمعیت زندان‌ها را سیاهان تشکیل می‌دهند در حالی که تنها ۳ درصد (قریب به ۸۰۰ هزار نفر) جمعیت کانادا سیاه‌پوست است. این امر چه چیز را نشان می‌دهد؟ در ایالات متحده تعداد زندانیان سیاه‌پوست بالغ بر ۵۰٪ است. این در حالی است که از جمعیت ۳۱۲ میلیونی آمریکا، ۱۳٪ آن را سیاه‌پوستان تشکیل می‌دهند. نسبت تعداد سیاهانی که منتظر اعدام هستند، بخصوص در ایالت تگزاس که من زندگی می‌کنم، از این هم بدتر است. تاریخ‌نویسانی مانند من معتقدیم که پیشرفت‌های اجتماعی و آزادی‌های مدنی دهه ۱۹۶۰، نتیجه فشارهای بین‌المللی در دوران جنگ سرد بود، زیرا دولت آمریکا نمی‌توانست بدون بهبود وضع سیاهان از وضعیت حقوق بشر

در کل جمهوری‌خواهان آشکارا سیاست نژادپرستانه‌ای را در داخل، و در خارج دنبال کرده‌اند

این عده توسط شهروندان ایالات متحده آمریکا از موزامبیک و انگولا ربوده شده و به عنوان برده به برزیل و بعداً هم به کوبا آورده شده بودند. تجارت برده تا سال ۱۸۶۲ هم توسط شهروندان آمریکایی انجام می‌شد. در این مورد می‌توان مثالهای زیادی زد.

به نظر شما آیا آمریکا در ارتباط با تمامی کشورها باید دوباره تاریخ خود را بنویسد؟ به عنوان مثال ایران و کشورهای خاورمیانه؟

این بدیهی است و تلاشهایی هم برای بازنویسی تاریخ آمریکا در ارتباط با ایران شده است، مانند بازنویسی کودتای ۱۹۵۳ (ش ۱۳۳۲) علیه مصدق در ایران و دخالت

هم در سالهای اخیر ترک‌هایی دیده شده است. حال اگر در بلوک شوروی آزادی بیان بود، آیا این اتحادیه سرپا نمی‌ماند؟

از لحاظ تاریخی می‌توان گفت سیستم قدرتی در ایالات متحده وجود دارد که دموکراسی بورژوازی را برای اروپایی‌تبارها می‌خواهد و فاشیسم را برای آفریقایی‌های پرده تجویز می‌کند؛ دقیقاً یک سیستم آپارتاید. من فردا که به نیویورک می‌روم با اینکه سنم زیاد است باید این احتمال را بدهم که ممکن است توسط پلیس دستگیر شوم زیرا سیاه هستم. من باید مواظب پرکردن فرم مالیات خود باشم تا اشتباهی نکنم. به همه اینها مسائل ساده‌ای مثل رانندگی در خیابان و خیلی چیزهای دیگر را هم اضافه کنید. اگر بحران اقتصادی دهه ۸۰ در اروپای شرقی پیش نیامده بود شاید آن اتحادیه به سمت سقوط نمی‌رفت. در ایالات متحده همین حالا ممکن است این اتفاق بیافتد. آن وقت داشتن اسلحه، یک کابوس جدی برای همه مردم خواهد بود. بد نیست یادآوری کنم که اخیراً در تگزاس بحثی در مورد حق داشتن اسلحه توسط دانش‌آموزان درگرفته است. می‌دانید که آنجا داشتن اسلحه یک حق است.

یکی از دلایل انتخاب شدن اوباما، شوک اقتصادی ناشی از فروپاشی وال‌استریت در سپتامبر ۲۰۰۸ بود

احتمالاً اگر این قانون تصویب شود شما باید با محافظ به دانشگاه بروید...؟
احتمالاً، ولی این مسأله موازنه قدرت در کلاس درس را بر هم خواهد زد. تصور کنید یک دانشجوی توبیخ‌شده انضباطی با یک اسلحه چه می‌تواند بکند. من در تحقیقاتم در ویرجینا به سند جالبی رسیدم. در سال ۱۷۳۰ قانونی وضع شده بود که سفیدپوستان با اسلحه به کلیسا بروند زیرا سیاهپوستان در روز یکشنبه انتقام‌گیری می‌کنند. تصور کنید، کلیسا و اسلحه!

پس تصاویر رنگی و خوب ایالات متحده، که توسط هالیوود به جهان نشان داده می‌شود با واقعیت متفاوت است؟
یادمان باشد که قصه شاه پریان فقط برای

اینکه او وعده داده بود زندان گوانتاناما را می‌بندد ولی در برابر فشارهای راست‌گرایان کنگره نتوانست کاری از پیش ببرد. او دیگر نمی‌توانست کاری بکند.

قانون اساسی آمریکا اصل آزادی بیان بدون قید و شرط را دارد که یکی از تحسین‌برانگیزترین‌ها در نوع خود است در کنار آن ما می‌بینیم که پرزیدنت اوباما در شب سال نو ۲۰۱۲، قانون دستگیری بدون حکم قاضی را امضا می‌کند. نظر شما چیست؟

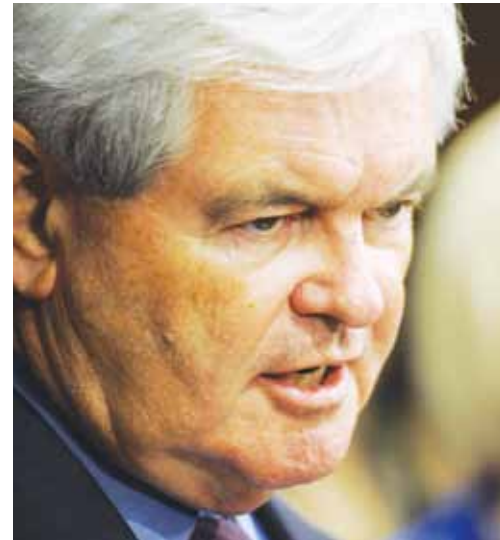
قطعاً همان‌طور که می‌دانید بین قانون نوشته شده و آنچه به اجرا درمی‌آید، تفاوت زیادی وجود دارد. به عنوان مثال در این مورد، یعنی قانون اساسی که در قرن ۱۸ نوشته شده است، جملاتی مانند «شادی همگانی»، یا «تمام انسانها برابر هستند» هم وجود دارد، در حالی که در آن دوران برده‌داری علیه آفریقایی‌ها که ۳/۵ جمعیت بوده‌اند، به بدترین شکل اجرا می‌شده است.

البته آزادی بیان هست ولی این اصل توضیحاتی هم دارد. آزادی‌های مدنی در ایالات متحده آمریکای امروز تا حدودی شبیه است به رابطه اقتصادی آمریکا و گرانا. فرض کنید امروز قرارداد تجارت آزاد بین آمریکا و گرانا امضا می‌شود. یعنی هر دو طرف می‌توانند آزادانه کالاهای خود را به طرف دیگر بفرستند. اما آیا این یک رابطه برابر است؟ یعنی آیا به راستی ظرفیت اقتصادی تجاری گرانا اجازه می‌دهد که این کشور در چارچوب چنین قراردادی، در برابر ایالات متحده آمریکا برابر حقوق عمل کند؟ توجه داشته باشید که کمپانی تایم وارنر، تلویزیون سی‌ان‌ان و یا فاکس نیوز، بلندگوهای جریانات اقتصادی سیاسی آمریکا هستند، در حالی که من و امثال من تریبون‌های در آن مقیاس برای اطلاع‌رسانی نداریم.

قانون اساسی ایالات متحده یک قانون بورژوازی است. البته باید بگویم که این دموکراسی بهتر از فاشیسم است.

در بخشی از صحبت‌ها اشاره‌ای کردید به جنگ سرد. رؤسای جمهوری آمریکا از گفتن اینکه میلیاردها دلار برای فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی هزینه کرده‌اند ابراز افتخار می‌کنند. البته در سیستم سرمایه‌داری

سرزمین‌های هم‌مرز با مکزیک، تگزاس و آریزونا افزایش بی‌سابقه داشت. و همچنین افزایش مهاجران آسیایی در کالیفرنیا و نیویورک و برخی از ایالات که معمولاً به دموکرات‌ها رای می‌دهند، این معادله را به نفع اوبامای سیاه‌پوست رقم زد. در کل جمهوری خواهان همیشه آشکارا سیاست نژادپرستانه‌ای را در داخل، و در خارج دنبال کرده‌اند، ولی در سال ۲۰۱۲ به دلیل کاهش نسبی جمعیت سفیدپوستان، با وجود بیکاری‌های زیاد و جنگ در لیبی، دموکرات‌ها و جمهوری خواهان مبارزه



تنگاتنگی را پیش می‌برند.

من فردا که به نیویورک می‌روم با اینکه سنم زیاد است باید این احتمال را بدهم که ممکن است توسط پلیس دستگیر شوم زیرا سیاه هستم

کارنامه اوباما از نظر شما چگونه است؟

من فکر می‌کنم اوباما را نمی‌توان مستقل از تاریخ ایالات متحده بررسی کرد. این کشوری است که خاطره خشونت علیه سرخ‌پوستان، برده‌داری سیاهان، و تصرف هاوایی و فیلیپین را با خود دارد. در قرن بیستم هم که دخالت در گواتمالا و ایران دیگر کشورها را داریم. اوباما ریاست این امپراتوری را دارد. دشوار بشود گفت که وی می‌تواند بهتر عمل کند. انتقاد من به اوباما برای شرکت در جنگ لیبی است که علیه مردم آفریقا بود و اتفاقاً در داخل، باعث دو دسته شدن سیاستمداران شده بود. دیگر

شادباش به اصغر فرهادی، اهالی سینما و همه هنردوستان



جدایی نادر از سیمین» و برگزیده شدنش در جشنواره گلدن گلوب افتخاری»
بزرگ برای اصغر فرهادی و سینمای ایران است.
اصغر فرهادی، هنرمند بزرگی است که بار دیگر نام ایران را پر آوازه ساخت. این
لحظه زیبا را به ایشان، به اهالی سینما و به تمامی هنردوستان میهن‌مان شادباش
می‌گوییم.
باشد تا شاهد گام‌های بزرگ هنرمندان جوان مونترالی در راه موفقیت‌های
جهانی باشیم.

فرهنگ‌سرای سینا

Group Exhibition

Opening: Friday | February 3rd, 2012

From 7pm to 9 pm

Exhibition runs until March 4th, 2012

Opening Hours:

Tuesday to Friday | From 7pm to 9pm

Saturday & Sunday | From 10am to 5pm



MEKIC, galerie d'art et librairie

4438, rue de la Roche, Montréal

Heures d'ouverture: Mardi au Vendredi | 11h à 19h

Samedi et Dimanche | 12h à 17h

Tel: 514-3735777

Info@mekic.ca

www.mekic.ca

Exposition de groupe

Maryam Izadifard

Maryam Tavaf

Fatouh Vanabzagh

Vernissage: Le vendredi | 3 février 2012 de 19h à 21h

Exposition: du 4 février au 4 mars 2012





جک لندن

ترجمه: محمد حسن مامطیری

کاسکوش پیر با اشتیاق به صداهای اطراف گوش می‌کرد؛ هرچند خیلی وقت بود که چشمانش ضعیف شده بود اما گوشه‌هایش هنوز تیز بود و خفیف‌ترین صداهای اعماق عقل و هوش رو به زوال او نفوذ می‌کرد؛ عقل و هوشی که در پس پیشانی پرچروش دیگر متوجه امور دنیوی نبود. آه، این صدای آماده کردن سگ‌ها بود که صاحبشان با ضربه‌هایی خفیف آن‌ها را آماده حرکت می‌کرد. نوه دختری‌اش آن قدر سرگرم کارها بود که حواسش نبود که پدربزرگ تکیده‌اش غمگین و بی‌کس در میان برف‌ها چمباتمه زده. چادرها را باید جمع کرده باشند. رد آن‌ها باقی مانده و روشنایی روز رو به پایان است. زندگی دخترک را به سوی خود فرا می‌خواند؛ وظایف زندگی، نه مرگ. ولی پدربزرگ در آستانه‌ی مرگ بود.

فکر مرگ برای لحظه‌ای پیرمرد را به وحشت انداخت. او دست لرزان خود را به سوی کپه هیزم خشک دراز کرد و مطمئن شد که هیزم سر جایش است. بعد دستش را به زیر پوستین چربش برگرداند و دوباره گوش‌هایش را تیز کرد. صدای ترک خوردن چادر که از پوست نیمه‌یخ‌زده‌ی گوزن بود نشان می‌داد که چادر محل اقامت رئیس قبیله، در حین جمع شدن به یک قطب‌نمای متحرک تبدیل شده است. رئیس قبیله فرزند او بود، فردی قوی‌هیکل و تنومند و یک شکارچی ماهر. اکنون صدای او شنیده می‌شد که با لحنی سرزنش‌آمیز به زنانی که به سختی وسایل چادر را جمع می‌کردند دستور می‌داد عجله کنند. پیرمرد همچنان گوش به زنگ بود؛ این واپسین باری است که چنین صداهایی به گوشش می‌رسد. حالا چادر جی‌ها (۱) را جمع می‌کردند.

دیگر نوبت چادر توسکن (۲) شده بود. بعد هفتمین،

هشتمین و نهمین چادر. آخرسر فقط چادر شامن (۳) باقی ماند. صدای غر زدن شامن در حین جمع کردن وسایل روی سورتمه به گوش پیرمرد می‌رسید. زنی با زمزمه‌ای زیر لب، بچه‌های گریان را آرام می‌کرد. پیرمرد به یاد کوتی (۴) کوچک و نحیف افتاد. چه فرقی می‌کند؟ بعد از چند سال خوب و پررونق باز هم تعدادی سیر و تعدادی گرسنه باقی می‌مانند. سرانجام هم مرگ چون گرگی همیشه گرسنه و خون‌آشام در کمین است.

این دیگر چه صدایی بود؟ آها، افراد سرگرم بستن و سفت کردن تسمه‌ی سورتمه‌ها هستند. هم‌چنان به صداهای توجه می‌کرد، دیگر این صداها را نخواهد شنید؛ صدای چرخش شلاق و ضربه‌ی تازبانها بود که به سگ‌ها می‌زدند. آن‌گاه صدای زوزه‌ی سگ‌ها؛ سورتمه‌ها یکی پس از دیگری در اعماق سکوت دور و دورتر می‌شدند. آن‌ها از حیطه‌ی زندگی او دور شده بودند و او باید آخرین ساعات تلخ زندگی‌اش را در تنهایی سپری کند.

برف زیر پاهای موکازین (۵) قرچ قرچ می‌کرد. مردی کنار پیرمرد ایستاد و با دستش سر او را نوازش کرد. او پسر پیرمرد بود که این دل‌رحمی را نشان می‌داد. او می‌دانست که دیگران پس از رفتن قبیله بی‌درنگ پدرشان را تنها می‌گذارند، ولی پسر او صبر کرده بود. پیرمرد در خاطرات گذشته غرق بود. صدای پسرش او را به همان لحظه برگرداند.

جوان پرسید: خوبید؟

پیرمرد جواب داد: بله خوبم.

جوان ادامه داد: هیزم کنارتان است، آتش هم که روشن است. صبح در پیش است و سرما از تک و تا افتاده، الان برف شروع می‌شود. شاید هم دیگر شروع شده باشد.

— آه، شروع شده؟

— مردان قبیله عجله دارند. معده‌هاشان خالی است. راه طولانی در پیش است، باید عجله کنند. من هم باید الان بروم. اوضاع و احوالت روبه‌راه است؟

— بله روبه‌راه است. من آخرین برگ پاییزی هستم که به شاخه چسبیده است. با اولین نسیم فرو خواهیم افتاد، صدایم مثل پیرزنان شده، چشمم حتی زیر پایم را نمی‌بیند، پاهایم سنگین است و خیلی خسته

شده‌ام ولی اوضاع خوب است.

با چهره‌ای راضی سرش را پایین انداخت تا آخرین غرغر ماکوزین دور شد و او مطمئن شد که پسرش در صدارس او نیست. آن‌گاه با عجله دستش را در زیر پوستین به طرف هیزم‌ها برد. هیزم میان او و ابدیت قرار داشت، ابدیتی که برای بلعیدن او دهان گشوده بود. سرانجام مشتی هیزم تعیین‌کننده‌ی ساعات باقی‌مانده‌ی زندگی اوست. هیزم یکی پس از دیگری به شعله‌های آتش سپرده می‌شود و مرگ نیز گام به گام به خاکستر تبدیل می‌شود، آن‌گاه سرما به سراغ او می‌آید تا نیرویش را بزداید. نخست پاها، آن‌گاه دست‌ها و سرانجام بی‌حسی اندک اندک همه‌ی وجود او را درمی‌نوردد. سرش بی‌اختیار روی زانوانش آویخته شده و آرام می‌گیرد. به همین آسانی، همه‌ی آدم‌ها در کام مرگ فرو می‌روند.

او گله و شکایتی ندارد؛ زندگی همین است و عدالت نیز. او هم در همین‌جا به دنیا آمده. این قانون همه‌ی آدم‌هاست. طبیعت سر مهربانی با انسان را ندارد و عاشقِ احدی نیست. اگر پیوندی هم وجود داشته باشد همان تداوم نسل است و بس.

این‌ها چیزهایی بود که از ژرفای ذهن خام کاسکوش پیر برمی‌خواست. او عمیقاً به این‌ها باور داشت و در تمام زندگی‌اش شاهد نمونه‌های این روند بود. حرکت شیره گیاه، سبزینه‌ی درخت بید و ریختن برگ‌های زرد، از کل تاریخ می‌گوید. وقتی انسان در عرصه‌ی هستی ظاهر می‌شود، اگر به وظیفه‌اش عمل کند، مرگش حتمی است. اگر هم طبق وظیفه‌اش عمل نکند، فرقی نمی‌کند، باز هم مرگ به سراغ او می‌رود؛ طبیعت به این مرگ‌ومیرها بی‌اعتناست، این جمع افراد هستند که با طبیعت می‌سازند تا حیات جاودانه باشد. کاسکوش در قبیله فردی قدیمی و سابقه‌دار بود. وقتی پسر نوجوانی بود، در قبیله پیرمردانی را می‌شناخت که خود از پیرمردان نسل قبل سخن می‌گفتند. این واقعیت داشت که حیات قبیله تنها به وسیله سازش اعضای آن با طبیعت میسر می‌شد، اعضای که در گذشته‌های دور می‌زیستند و اکنون نه از خودشان و نه حتی از گورشان نشانی به جا نمانده؛ آنان چیزی به حساب نمی‌آمدند جز واقعه‌ای گذرا، چنان ابری در آسمان تابستان که لحظه‌ای آشکار می‌شود و لحظه‌ای بعد ناپدید. کاسکوش

پیر چون واقعه‌ای ناچیز تمام می‌شود و برای طبیعت اهمیتی ندارد، چون برای حیات وظایف و قوانینی نهاده شده تا چرخه‌ی حیات استمرار یابد؛ قانون مرگ باید اجرا شود.

موجودی مثل یک زن، جمالی برای تماشا، شیر مادر خورده و قوی، پرجست‌وخیز با چشمانی پرفروغ. وظایف او مشخص است. کم‌کم دیدگانش پرفروغ‌تر می‌شود و گام‌هایش تندتر. نخست در برابر مردان جوان جسور و بی‌باک است ولی کم‌کم می‌ترسد و سرانجام با بی‌قراری خود را تسلیم می‌کند. زمانی که زیبا و زیباتر می‌شود وقت آن می‌رسد که جوانی شکارچی به دنبال او بیاید و به خانه خودش برود تا به امور خانه‌اش برسد، آشپزی کند و مادر فرزندان مرد شود. وقتی نوه‌ها به دنیا آمدند او دیگر آن طراوت و زیبایی را ندارد. از ریخت و قواره می‌افتد، به پیرزنی سرخ‌پوست با گونه‌های آویخته تبدیل شده که کنار آتش نشست و کودکان در پی شادی‌های کودکانه سر به سرش می‌گذارند.

وظایف او هم به پایان رسیده؛ به زودی، با نخستین نشانه‌های گرسنگی، این پیرزن هم مانند کاسکوش، تنها با پشته‌ای هیزم در میان برف‌ها رها می‌شود. چنین است قانون زندگی.

پیرمرد تکه‌ای هیزم در آتش انداخت و دوباره در تخیلات خود غرق شد. همه‌جا آسمان همین رنگ است، همه‌ی موجودات همین سرنوشت را دارند. با نخستین رد پای سرما، پشه‌ها محو و نابود می‌شوند. سنجاب‌های درختی به سوی مرگ می‌گریزند. خرگوش‌ها وقتی پا به سن می‌گذارند، تیزیابی خود را از دست می‌دهند، قدرت فرار ندارند و طعمه‌ی دشمن می‌شوند. حتی عقاب‌های تنومند و بزرگ، رنجور و نحیف شده، بینیابی خود را از دست می‌دهند و سرانجام نصیب تعدادی سگ اسکیمو می‌شوند. پیرمرد به یاد آورد که خودش هم در یک زمستان پدرش را در منطقه دوردست کلندایک (۶) تنها رها کرد. بعد از آن زمستان بود که فرستادگان مذهبی (مسیحون) با کتاب‌های مقدس و یک جعبه دارو وارد منطقه شدند. وقتی جعبه‌ی دارو را به یاد می‌آورد، لب‌های خشکش را می‌گزید. داروهای مسکن آن جعبه خیلی خوب بود، ولی کشیش بی‌آن‌که گوشت به همراه داشته باشد وارد اردو شده بود و با حرص و ولع گوشت می‌خورد. شکارچی‌ها غر می‌زدند.

کاسکوش تکه هیزم دیگری در آتش انداخت و دوباره در خاطرات گذشته فرو رفت. قحطی بزرگ را به یاد آورد، وقتی پیرمردان با شکم خالی کنار آتش کز کرده بودند. او در آن قحطی مادرش را از دست داده بود. در آن تابستان از ماهی خبری نبود، افراد قبیله به امید شکار گوزن چشم به راه زمستان بودند، ولی زمستان که فرا رسید گوزن نایاب بود. کهنسالان قبیله هرگز چنین شرایط وخیمی را به یاد نداشتند، هفت سال بود که کسی رنگ گوزن را نمی‌دید و از خرگوش هم خبری نبود، حتی سگ‌های تند و تیز استخوانی و لاغر شده بودند. در آن ظلمات طولانی زمستان بچه‌ها ضجه می‌زدند و می‌مردند. یک دهم از زنان و مردان کهنسال قبیله توانستند شرایط سخت را تحمل کنند، جان سالم به در ببرند، و آفتاب بهاری را به چشم ببینند. این بود دوران قحطی.

ولی او شاهد دوره‌های فراوانی هم بود؛ دوره‌ای که گوشت‌های اضافی در نزدشان فاسد می‌شد. سگ‌ها چنان فریه شده بودند که به درد کار نمی‌خوردند و از سر شکم سیری شکار را زنده رها می‌کردند. زنان بارور می‌شدند و دور چادرها پر از سر و صدای بچه‌ها بود. شکم مردان هم از فرط پرخوری بزرگ شده بود. آنها آن قدر سیر بودند که اختلافات گذشته را زنده کرده بودند؛ از مرزهای محلی گذشته، به پلی (۷) و تانانانس (۸)، یعنی مرزهای جنوبی و غربی حمله کرده بودند و جنگ و خونریزی به راه افتاده بود. پیرمرد به یاد زمانی افتاد که بچه بود و دید که گرگ‌ها گوزنی را در یک دره به سمت پایین می‌کشند. زینگ-ها (۹) کنار او روی برف لمیده بود، زینگ-ها بعدها شکارچی ماهری شد. سرانجام به یک چاه هوایی در یوکن (۱۰) سقوط کرد. یک ماه بعد جسد یخ‌زده‌ی او را یافتند در حالی که نیمی از ارتفاع چاه را به سمت بالا خزیده بود. آن روز به تقلید از راه و روش پدرانشان، برای شکار به دنبال گوزن‌ها دویده بودند. در بستر یک نهر به رد پای تازه از گوزن و تعدادی گرگ برخورد کردند. زینگ-ها که رد پا را خوب تشخیص می‌داد، گفت: «یک گوزن پیر! حیوان پیری که نمی‌توانسته به همراه گله برود؛ گرگ‌ها کاری کرده بودند که او از گله جدا بماند، بعدش هم دست از سرش برنمی‌دارند.» همین‌طور هم بود. این یکی از شگردهای گرگ‌هاست. در حالی که طعمه‌ی پیر به خود می‌پیچید و می‌غرید، گرگ‌ها تا آخر او را زیر نظر

داشتند تا کار را به پایان ببرند. او و زینگ-ها دلشان می‌خواست که زودتر کلک این شکار کننده شود، آخر کار دیدنی بود.

آن دو با اشتیاق رد پاها را دنبال کردند، حتی کاسکوش که چشم‌هایش ضعیف بود و نمی‌توانست ردیابی کند، نشانه‌ها را پی گرفت. صحنه مانند تراژدی خشنی بود که در هر لحظه سطری تازه از آن نوشته می‌شد. آن دو که صحنه را به‌طور زنده دنبال می‌کردند، حالا به جایی رسیده بودند که گوزن توقف کرده بود. تمام اطراف را به اندازه‌ی سه برابر قد یک آدم برف پوشانده بود. رد سم‌ها و پنجه‌های از هم باز شده‌ی شکار روی برف دیده می‌شد، در حالی که جای پای نیمه محوشده‌ی گرگ‌ها در اطراف آنها نقش بسته بود. چند لحظه بعد، در یک یورش، گله گرگ دیگری شکار را ربودند، در گوشه‌ای پنهان کردند و خود در کمین نشستند. آثار به‌جای مانده از آن‌ها روی برف چنان شفاف و برجسته بود که انگار لحظه‌ای پیش شکل گرفته باشد. یکی از گرگ‌ها در یورشی وحشیانه و دیوانه‌وار مورد حمله قرار گرفت و بلافاصله جان باخت و از آن فقط استخوانی به جا ماند تا شاهد این تهاجم باشد. جانور با آن چته‌ی بزرگش مایوسانه از خود دفاع کرده بود. نشانه‌ها گواهی می‌دادند که دو بار به چنگ آن‌ها افتاده بود اما هر بار تلاش کرده و خود را نجات داده بود. وقتی جدال برای زنده ماندن به اوج می‌رسید، زینگ-ها گفت خیلی عجیب است که گوزن از چنگال گرگ فرار کند. حکیم‌باشی هم وقتی برایش تعریف کردند، سخت حیرت کرد.

آنها به جایی رسیدند که گوزن تلاش کرده بود از آن بالا برود و به الوار برسد، ولی دشمنانش از پشت به او حمله کرده بودند و گوزن به گودی انبوه برف سقوط کرده بود. گوزن از گله جدا مانده بود، پس شکاری آماده و بی‌دفاع در چنگال گرگان بود. در درنگی کوتاه، گوزن کمی تلو تلو خورد، گام‌هایش کوتاه و نامنظم شد و رد و نشانه‌های روی برف پر از خون شد. آن‌گاه فضا آکنده از سر و صدای جنگ گشت، نه از نوع صداهایی که در ستیز و گریز جمعی به گوش می‌رسد، بلکه پارس جانوری که دندانش درگیر گوشت جانوری دیگر است. زینگ-ها مثل باد به سمت بالا خزید و کاسکوش به دنبالش. کاسکوش که قرار بود در سال‌های آینده رئیس قبیله شود. آنها دو تایی جانور را زیر تلی از برف پوشاندند و روی آن



شاخه‌ای از گلستان فرهنگ ایرانی:

داستان فولکلوریک «آرزی-قمبر»



بخش دوم

■ دترجمه از سحر وحدتی - تبریز

وسط روز... قمبر آمد خسته و کوفته.
گفت:

زن عمو، برای نهار چه پخته‌ای؟

— زن عمو قربان تو

زیر طشت است، دلمه

پسرم بردار و با نان بخور.

دختر کلک مادر را می‌دانست

آتش افتاده به جانش، گفت:

هی، هی

گوسفند و بره خوابیده

قمبر دلمه نخوری که

مادرم شیرش را قاطی آن کرده

پسر دست از سفره کشید

دلمه نخورد و چنین سرود:

تره جهی ما پر از سنگ

بر روی یک بالش گذاریم سر

از یک مادر زاده نشدیم

چگونه توانیم شد خواهر و برادر؟

قدری پیاز و کمی نان برداشت و رفت.

مادر گفت:

بی فایده است!

کتکی نثار دختر کرد و از تاب و توان انداخت

— گیس بریده! تو هر حرفی را با شعر و غزل به عاشقت
فهماندی!

از فرط اشتیاق بمیری هم

نمی‌گذارم دخترم نصیب چوپانی شود

که در خانام پرورده‌ام.

فردا صبح زود، مادر گوشت را تفت داد

زهرآگین ساخته، زیر طشتی گذاشت.

نیم‌روز... قمبر آمد خسته و کوفته.

— زن عمو، برای نهار چه پخته‌ای؟

— زن عمو قربان تو

گوشت قرمه بریان کرده‌ام، پسرم بردار و با نان بخور.

دختر آتشین شد. فهمید که

اما! گوشت قرمه زهرآگین است. قمبر بخورد خواهد

مرد.

گفت:

آی قمبرم، آی قمبرم

کم گشته عقل مادرم

بریان را نخوری

که آلوده به زهر است، قمبرم

پسر دست از سفره کشید

گوشت قرمه نخورد و گفت:

امروز دوشنبه است

قسمت دلت چیست؟

آتش شعله می‌کشد، دودی بلند نمی‌شود

آنچه درون دیگ پخته می‌شود، چیست؟

باز هم مقداری پیاز و نان برداشت و رفت.

در آن ایام نیز همچو امروز، پدر و مادر دختر را به طلا

و پول می‌فروخت

نه به کمالش می‌نگریستند، نه به جمال، نمی‌دانستند

آنان راز عشق و دلبری

می‌گفتند معشوق داستان است

عاشق دروغ

گر پسر زشت باشد و ثروتمند

دختری زیبا نصیب اوست

قمبر پهلوان، یک جوان بود، خوش‌اندام و عاقل اما

ندار

او بود پسری یتیم

که بالیده بود زیر سایه دگران

آن چه بدو ارث رسیده بود:

از مادر: عشق و وفا

از پدر: چماق و چوقا

در سنگ و کوه روزگار می‌گذرانید.

گوسفند و بز می‌چرانید

با کار و تلاشش بهره‌ها به عمویش می‌رسانید.

در همسایگی‌شان تاجری بود سوداگر و ثروتمند

پسری داشت احمق و زشت‌روی

تاجر را بود خانه‌ای و باغ و باغچه‌ای

تالارهایش آیینه‌بندی شده، اتاقهایش مفروش و

پنجره‌هایش مزین به شیشه‌های ملون

به طرف قبرستان راهی شد و سر یک قبر تازه نشست
چند روزی منتظر شد و با مرده‌ها اردو زد.
یک روز درحالی که خورشید طلوع می‌کرد،
گرد و خاکی دیده شد...
گفت این قمبر است که با فراشها می‌آید
قمبر دید پیرزنی را که چنگ به گیسوانش انداخته،
گریه سر می‌دهد.
فراشها را باز ایستاند.
پیرزن بدو گفت:
ما همه هستیم از خاک
بالای سرمان هست خدایی
گر سؤال کنی از جا و مکانم



آمده‌ام من از آبابی
پسر گفت:
آن ور ما کوه است؟
این ور ما کوه است؟
پیرزن از تو پرسم
از آرزوی من خبری است؟ مرده است یا به سلامت؟
- قربان تو شوم ای پسر
برای چه می‌کنم موهابیم
به خاطر نوعروسی تازه‌درگذشته، دهم حلوا و نانی
گفت:
آرزوی من مرده است؟
- ها، به خدا سوگند که آنچه می‌میرد و می‌رود همان
آرزوی (آرزو) است.

ادامه دارد

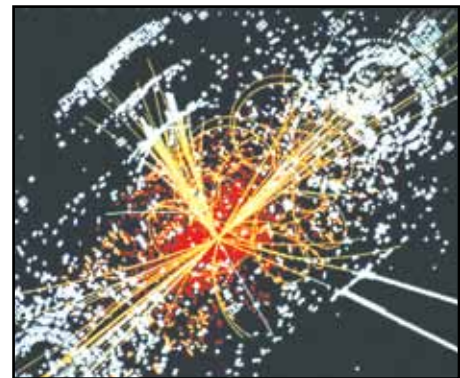
عصر، وارد خانه خان شد
گفت:
عمویم طلا گرفته، نامزدم را می‌فروشد به یک غریبه...
بیا ای خان من، که بلایت به جان من
در این روز تنگ، برس به فریاد من
خان رو به نوکرهایش کرد:
پاشوید! پاشوید!
حال عاشق را فهمم
صدا کنید خزانه‌دار را
که عاشق را پول و درهمی دهم.
قمبر گفت:
عاشق پول و درهم را می‌خواهد چه کار؟
دارایی دنیا را می‌خواهد چه کار؟
عاشق برای دادخواهی آمده
از تو می‌طلبم امدادی و راه‌کاری چاره ساز.
خان گفت:
فراشها را با پسر بفرستید
هر دختری که خواست برایش بستانید حتی به زور
وزیر برخاست و گفت:
خان به سلامت باد در این دنیا
شاید عاشقی باشد اما آنانی که در ره عشق،
حاضر به جان‌بازی‌اند
در این سرزمین کم باشد
خان گفت:
تدبیر چیست؟
وزیر گفت:
اگر هم اکنون هفت باغچه را به صف کشیده،
هفت نوع میوه آن را به کلامی موزون برایم بسراید،
عاشق راستین هموست.
قمبر گفت:
سیب، آلو، زردآلو
خریزه و هندوانه، این چه جور؟
به خوردم رنگم به زردی نمود
میوه نار است، غنچه غنچه سرخ‌روی

حال بیا و بشنو داستان مادر آرزوی را.
جادوگری را صدا زد
هم وزنش بدو پنبه داد و گفت:
می‌دانی قمبر پیش خان برای دادخواهی رفته
امروز و فرداست که فراشها آیند و دختر را با خود برند
ای دو چشم من،
حیله‌ای کن تا آنان برگردند از راهی که آمده‌اند
جادو گر گفت:
یک دیگ حلوا بپز برای من
به اندازه یک تنور هم نان
تو به این کارها، کاری نداشته باش!
مادر حلوا پخت و تنوری نان و داد به پیرزن
(پیرزن) هر تکه حلوایی را داخل نانی گذاشت

پدر، پسر احمق را دریافت و افتاد به آرزوی داشتن
عروسی چون آرزوی
خبر داد به پدرش (پدر آرزوی).
خواستگاران رفتند و حرفها گفته شد.
راضی شدند پدر و مادر که فروشنده دختر را به طلا
و درهم
عصر شد... کوچه و بازار خالی از مردم
روشن شد در سرای تاجر چلچراغ
در غروب خورشید که شفق رو به خاموشی گذاشت
پسر باز هم خسته و کوفته راه خانه پیش گرفت.
دختر ندا داد.
قمبر گفت:
ها؟
- خبر داری؟
گفت:
چطور؟
گفت:
تاجر مرا از پدرم برای پسرش خواستگاری نمود
پدر مرا به پسر تاجر داد، چاره‌ای کن
قمبر گفت:
چاره چیست؟ چه کار می‌تواند کند آدم بی‌کسی چو
من؟
دختر گفت:
برخیز، برو شکایت پیش خان بر.
او قدرتمند است و عادل، فراش‌هایش را خواهد فرستاد
اجازه نخواهد داد دختر نشان‌دار را پدرم به پول و طلا
بفروشد.
قمبر داخل خانه شد و گفت:
زن عمو، طاق زبانی ندارم
تا زمانی که قصد دارید نامزدم را به پسر تاجر دهید
در این خانه نمی‌مانم
گویی دنیا برایم گشته قفسی
می‌خواهم روم از این دیار به دیار دیگری
برخیز برای این گدای روزگار ماست و نانی آور
گفت:
به روی چشم
الآن برای تو نان می‌دهم، راحت باز، آرزوهایت روشن
و عیان
برو قمبرم که خوش رفتی...

از اینجا و آنجا رفت، بیش ایستاد و کم رفت
دره و تپه پشت سر گذاشت و

تقارن شکسته و نگاه ناظر از قله یا از دره



در نظر بگیرید که دره‌ای آن را احاطه کرده باشد. حالا ناظری را تصور کنید که برای تفریح به قله‌ی این تپه سفر کرده است. از دید ناظر ایستاده روی نوک قله همه چیز متقارن به نظر می‌رسد، یعنی اگر این ناظر به دور خود گردش کامل انجام دهد متوجه می‌شود که در هر زاویه‌ای همه چیز به یک گونه است. حالا بیایید به وضعیت ناظری بپردازیم که برای تفریح دره را انتخاب کرده است. از دید چنین ناظری فضای دور و بر متقارن نیست. در یک سمت تپه‌ای واقع شده و در جهت‌های دیگر چیزهای دیگر... یعنی، این واقعیت که تقارن وجود دارد و یا این که این تقارن «شکسته» است بستگی به ناظر دارد! یعنی این که ممکن است چیزی واقعاً متقارن باشد ولی برای دیدن آن باید در مکان مناسب (نوک قله) باشیم. اعمال کردن این ایده به جهان متقارن به تصویر هیجان‌انگیزی منجر می‌شود: ممکن است جهان ما واقعاً ابرمتقارن باشد ولی برای «دیدن» ابرتقارن باید در مکان (انرژی) مناسب باشیم. فیزیک‌دانان امیدوارند با بالا بردن انرژی «دستگاه‌های برخوردکننده» (که به وسیله‌ی آن ذره‌های بنیادی طبیعت را شتاب می‌دهند و سر به سر به هم می‌کوبند) بتوانند انرژی را در محل برخورد این ذره‌ها تا بدان‌جا بالا ببرند تا که شاید بتوانند موفق به «دیدن» ابرتقارن در آزمایشگاه بشوند. آیا آنان موفق می‌شوند؟ هنوز نمی‌دانیم... ولی اگر بشود، چه می‌شود... تا هفته‌ی بعد به شکست تقارن فکر کنید...

اشاره شد. گفتیم که در این نظریه، پیش‌بینی می‌شود که برای هر ذره‌ای در هستی با اسپین کسری ذره‌ی همزادی با اسپین صحیح وجود دارد که با آن هم‌بار و هم‌جرم است. بگذارید این سؤال را که: «آیا چنین فرضی معقول است یا نه»، به چند سطر آینده موکول کنیم. حالا سؤال این است که چگونه چنین فرضی می‌تواند تناقض بین نظریه و آزمایش را حل کند (یعنی انرژی بسیار بزرگ خلاء در مطالعه‌های نظری و مقدار بسیار ناچیز آن از راه رصد). مطالعه‌های نظری فیزیک‌دانان نشان می‌دهد که اگر چنین فرضی صحیح باشد، سهم هر ذره در انرژی خلاء، سهم ذره همزادش را خنثی می‌کند به طوری که انرژی خلاء در واقع صفر است. در جهانی ابرمتقارن، تقارن بین ذره‌ها و همزادشان به گونه‌ای است که انرژی خلاء روی صفر به طور خود به خودی تنظیم می‌شود! اما همان‌طور که گفتیم مطالعه‌های رصدی انرژی خلاء را بسیار ناچیز، اما «ناصفر» به دست می‌دهد. پس فرضیه‌ی ابرتقارن به گونه‌ای که بیان شد نمی‌تواند درست باشد. این بار نظریه‌پردازان به یکی از مهم‌ترین ایده‌های فیزیک قرن بیستم متوسل شدند: «ایده‌ی شکستن تقارن». ایده‌ی کلی این است که جهان ما ممکن است واقعاً ابرمتقارن باشد ولی به دلیلی نامعلوم این تقارن شکسته است. اما شکستگی این تقارن به قدری کم است که انرژی بسیار کم خلاء را توضیح می‌دهد. بگذارید با مثالی ایده‌ی شکست تقارن را توضیح دهم. تپه‌ای را

در قسمت پیشین این بحث، گفتیم که کیهان‌شناسان برای توضیح انبساط «شتابدار» جهان مجبور شدند فرض کنند که در جهان گونه‌ای «انرژی» وجود دارد که به صورت ضدجاذبه عمل می‌کند. معمای مورد بحث قسمت پیشین آنجا آغاز می‌شد که مقدار این انرژی (ثابت کیهان‌شناختی)، بر طبق مشاهددهای رصدی بسیار ناچیز بود. در حالی که وقتی روی کاغذ با استفاده از اصل‌های بنیادی مکانیک کوانتومی محاسبه می‌شود، می‌بایست عددی بسیار بسیار بزرگ باشد. فیزیک‌دانان شروع کردند به نظریه‌پردازی تا معمای بزرگ را حل کنند. این فرضیه‌پردازی‌ها منجر به خلق چندین فرضیه‌ی بسیار جذاب فیزیکی شد که به یکی از آنها، یعنی «فرضیه‌ی ابرتقارن» در قسمت پیش

شریک شما برای رسیدن به موفقیت

رایاتک

- پشتیبانی وب
- طراحی وب سایت
- تبلیغات روی اینترنت Google
- بهینه سازی روی جستجوگرها

info@Rayatec.com
www.rayatec.com

عکاسی رز Professional Photography
Since 1990
514-488-7121

عکس پاسپورتی، کانادایی، ایرانی، سیتیزن شیب
مدیکال کارت، کارت PR
عکس‌های خانوادگی و فارغ التحصیلی
تبدیل VHS-MINIDV-Hi8 به DVD
(نیلی دکتری)، Metro Snowdon, 5301 Queen Mary.



در همان زمان که جنبش «تسخیر وال ستریت» در آمریکا گسترش می‌یافت، پژوهشی رسمی در ماه نوامبر منتشر شد که به دلایل این جنبش می‌پردازد. بنا به گزارش کمیسیون بودجه کنگره آمریکا (CBO)، درآمد میانگین^(۱) خانواده‌های متوسط آمریکایی از سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۰۷، تنها ۳۵ درصد افزایش یافته است. در همین برهه زمانی، درآمد ۱ درصد دارا ترین مردمان این کشور ۷ برابر شده است.^(۲)

روز پس از انتشار این آمار، نیکلا کریستف، نویسنده‌ی نیویورک تایمز، که به داشتن گرایش به چپ معروف است، متنی در این روزنامه نوشت با این عنوان: «کلاسهای درس را تسخیر کنیم»^(۳). او با آگاهی کامل از آن ناهنجاری که نابرابری اقتصادی و اجتماعی در آمریکا به وجود آورده است، در مقاله خود، صف خود را از درخواستهای مبهم تظاهرکنندگان جدا می‌کند: نه فراخوانی برای بالا بردن مالیات توانگران می‌دهد، نه خواهان به سامان درآوردن نظام مالی است و نه خواستار زندانی کردن بانکداران مطرح در این ماجراست. خیر! به نظر کریستف: «روشی که بیشترین نتیجه را در کم کردن نابرابری‌ها خواهد داد، بهینه‌سازی آموزش کودکان است.» او در ادامه توضیح می‌دهد که: «نقطه مشترک همه گزارش‌هایم در باره تهی‌دستی، چه در نیویورک باشد چه در سیرالئون، این است که آموزش خوب، بهترین ابزار برون‌رفت از این شرایط است و شوربخانه هم در ایالات متحده و هم در آفریقا درهای این بالابر اجتماعی بر روی فرزندان محرومان اجتماع بسته است.»

در حال و هوای جنبش «تسخیر وال ستریت»، فراخوان به سوی آموزش بهتری که توان این را دارد که تهی‌دستان را از شرایطشان رهایی بخشد، شگفت‌آور مینمود. در واقع یکی از درخواستهای ملموس تظاهرکنندگان، لغو بدهی‌هایی بود که در دوران تحصیلشان انباشته شده بود. این بدهی در کل کشور [آمریکا] بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار است. هر چند که درهای این «بالابر» [اجتماعی] مورد عنایت

را بگیرد ولی این فاصله‌ها را کم نمی‌کند. خانم دانا گلدشتین، روزنامه‌نگار متخصص حوزه آموزش می‌نویسد که «از ۱۰ سال پیش بدین سو، پژوهشگران به نتایجی مشترک رسیده‌اند که تا امروز مورد تردید قرار نگرفته است. در بهترین حالتها، ۱۵ درصد نتایج درسی دانشجویان به آموزش مربوط می‌شود و ۶۰ درصد آن به شرایط اقتصادی و اجتماعی آنها.»^(۴) به زبان دیگر مدرسه همه‌کاره نیست. این مکان آموزشی در بهترین حالت می‌تواند از تفاوت‌هایی بکاهد که دانش‌آموزان با آنها تحصیلات خود را می‌آغازند.

مدرسه نمی‌تواند این تفاوتها را حذف کند. شناساندن آموزش چنان بهترین ابزار حل نابرابریها، به معنی محدود کردن تلاشها به بخشی است که نقش کمتری در موفقیت آموزشی دارد. برعکس اگر موفقیت را در مبارزه با عوارض تهی‌دستی بدانیم، این ما را به جای ماندگار کردن در مسأله کلاس درس به سوی ریشه مشکلات می‌کشاند، یعنی مسائلی که در گستره‌ای بزرگتر وضعیت دانش‌آموزان را رقم می‌زنند. آبا نگاه از این زاویه! کریستف شاید به این نتیجه گیری میرسد: برای این‌که فرزندان خانواده‌های تهی‌دست در مدرسه کامیابتر شوند، باید پیش از هر چیزی به آنها یاری رساند که از تهی‌دستی رها گردند. مانع دیگری هم بر سر راه رسیدن به برابری اقتصادی و اجتماعی از راه برابری در امر آموزش وجود دارد. آموزش حتی اگر قادر به محو کردن عوارض ناشی از تفاوت‌های طبقاتی بشود و ادر نتیجه! بتواند به همه دانشجویان شانس برابری در به دست آوردن مدرک دانشگاهی بدهد، نخواهد توانست دگرگونی‌ای در بازار کار ایجاد کند. در این بازار کار است که افراد، مستقل از تحصیلات و کارنامه‌شان، باید وارد شوند و ماهیت این محیط، نتایج معینی را رقم می‌زند.

تا سال ۲۰۱۸، در ایالات متحده بیشترین نیروی کار جذب کدام کار می‌شوند؟ صندوقدار. گروه دو؟ فروشنده. گروه سوم؟ پیش‌خدمت. گروه چهارم؟ مشاور فروش. سه گروه بعدی؟ پرستاری، آماده‌سازی مواد خوراکی و کارمند اداره. نقطه مشترک این شغلها کدام است؟ به جز پرستاری، همه این کارها نیاز به آموزش بسیار اندک و دم دستی دارند و برای هیچ کدامشان به مدرک دانشگاهی نیازی نیست. تنها پرستاری است که نیاز به آموزش جدی دارد و می‌تواند درآمد کافی ایجاد کند و خانواده‌های را به قدر کافی از خط فقر دور نگه دارد. بی‌فایزیم که بنا به دفتر آمار کار آمریکا، از الان تا سال ۲۰۱۸، تنها یک چهارم کارها نیاز به مدرک دانشگاهی خواهند داشت: بقیه کارها به دست کسانی اداره خواهد شد که بنا به نیاز، آموزش

کریستف، بر روی دارندگان دیپلم باز بوده است، ولی اینان هم‌اکنون یا بیکارند و یا با درآمدی ناکافی، برای پرداخت بدهی‌هایشان، به کار گرفته شده‌اند. منطق مورد دفاع این نویسنده، طرفداران دیگری هم یافته است. در سخنرانی ۶ آوریل (سال ۲۰۱۱) بارک اوباما یکی از اهداف اصلی را چنین بیان می‌کند: «باید همه توانمان را به کار بگیریم که تمامی افراد بهترین تحصیلات را داشته باشند.» چرا که «این مسأله تعیین‌کننده‌ترین عاملی است که موفقیت یا ناکامی کودکان در زندگی به آن بستگی دارد».

شگفت‌آور است که در کشوری که دو جریان اصلی سیاسی در مورد بحرانهای این دوران هیچ توافقی با هم ندارند، تحلیل‌های کریستف و اوباما با تحلیل‌های رقیبان سیاسی‌شان هیچ تفاوتی ندارد. دیدیم که در ماه نوامبر همین سال، گرگوری مانکیو، استاد دانشگاه هاروارد و مشاور پیشین جورج بوش، در برنامه‌ای رادیویی تأیید کرد که توسعه نابرابری مشکل‌آفرین است.^(۵) این شخص، که مواضعش در طرفداری از سرمایه‌داری به اندازه‌ای مضحک می‌نمود که گروهی از دانشجویانش چند هفته پیش از آن کلاسهای درس «مقدمه‌ای بر اقتصاد» او را به نشانه اعتراض ترک کردند، با اصرار می‌گوید که ناکارآمدی سامانه آموزشی یکی از مهمترین علت‌های نابرابری اقتصادی است. به نظر مانکیو: «مشکلی که رو در روی ماست این است که ما به اندازه کافی دانش‌آموخته تربیت نکرده‌ایم که نیاز به نیروی کاری با مهارت بالا را پاسخگو باشند.»

آبا این حساب!، چنین به نظر می‌رسد که در نظر آمریکایی‌ها، یا به زبانی دقیق‌تر، به نظر کسانی که به نام آمریکایی‌ها سخن می‌گویند، عاملی مهمتر از آموزش در مبارزه با نابرابری وجود ندارد. آیا این تفکر، باوری استوار است؟ آیا برای کم کردن شکاف اقتصادی و اجتماعی که روز به روز بیشتر میان مردمان جدایی می‌افکند، تنها تحصیلات کافی است؟ در تأیید این نظر دلایل اندکی در دست داریم. در حوزه بلاغت، شعارهایی چون «امتیاز از همان آغاز راه»، «مسابقه برای رسیدن به قله» و «هیچ کودکی نباید در کناره راه بماند» شعارهایی بسیار کارآمدند. اما در حوزه سیاست، مسایل به این روشنی نیست.

نخست آن که هیچ تضمینی برای برابری همه [کودکانی] که وارد مدرسه می‌شوند نیست. در این سالهای اخیر، پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که فرزندان خانواده‌های تهی‌دست، حتی پیش از ورود به مهدکودک، نسبت به فرزندان خانواده‌های مرفه عقب‌افتادگی‌هایی را بروز می‌دهند. مدرسه، زمانی که کارآمد باشد، می‌تواند جلو گسترش شکاف [طبقاتی]

فرهادی، متشکریم...

جایزه گلدن گلوب، افتخاری دیگر برای سینمای ایران



روز ۸ آذر ۱۳۷۶ را هیچ ایرانی از یاد نخواهد برد، روزی که با گل فراموش‌نشدنی و حساس خداداد عزیزی، ایران و استرالیا در دور برگشت بازیهای مقدماتی جام جهانی فرانسه، دو تیم ۲-۲ شدند و ایران بعد از سالها جواز حضور در معتبرترین رقابت‌های فوتبال را دریافت کرد. لحظات آن بازی و التهایی که داشتیم، بخصوص بعد از گل عزیزی در حالی که داور سوت پایان را نمی‌زد، خاطره‌انگیز است و اشک شوق میلیونها ایرانی از یاد نمی‌رود که به خیابانها ریختند و چه شادی‌ها کردند. شکستن رکورد وزنه‌برداری رضازاده در رقابت‌های جهانی و بالا رفتن پرچم سه رنگ ایران هم همین تأثیر را دارد. هر جا و در هر زمینه‌ای که هر ایرانی افتخار می‌آفریند، باعث مباهات و شادی همه ایرانیان خواهد شد و این بار اصغر فرهادی در ۲۶ دی ماه ۱۳۹۰ بزرگترین افتخار سینمای ایران در یک قرن گذشته را به دست آورد و با کسب جایزه بهترین فیلم خارجی گلدن گلوب ۲۰۱۲ و حرفهای قشنگی که زد، بار دیگر اشک شوقمان را جاری ساخت.

ما که از نیمه‌شب بیدار بودیم و فرش قرمز را می‌دیدیم، با نزدیک شدن اعلام جوایز ضربان قلبمان تندتر می‌شد، دیدن فرهادی که در کنار جودی فاستر مهربان نشسته بود، شادمانان کرد و هنگامی که مدونا برای اعلام جایزه بهترین فیلم خارجی‌زبان به بالای صحنه رفت، نفس در سینه‌هایمان حبس شد؛ مطمئن بودیم که نام فیلم «جدایی» و فرهادی را خواهیم شنید ولی باز هم شک داشتیم... شنیدن نام فرهادی و «جدایی» او از دهان مدونا کافی بود که از شادی اشک‌هایمان جاری شود و وقتی فرهادی و بازیگرش پیمان معادی با طمانینه از لابه‌لای میزهایی که برترین هنرمندان سینما دورشان نشسته بودند می‌گذشتند، به خود بالیدیم و شادیمان با سخنان کوتاه و زیبایی فرهادی کامل شد که گفت: «از سونی پیکچرز متشکرم و همین‌طور از مایکل بارکر که قبلا به او گفتم شما ظاهرا «جدایی» را از من بیشتر دوست دارید. وقتی روی صحنه می‌آمدم داشتم فکر می‌کردم چه بگویم. از پدرم، مادرم، همسر مهربانم، دخترانم، عوامل فوق‌العاده دوست‌داشتنی فیلمم... ولی می‌خواهم یک چیز راجع به مردم کشورم بگویم: مردم من فوق‌العاده دوست‌داشتنی و صلح‌طلب هستند.»

فرهادی که چند ساعت قبل از مراسم گلدن گلوب در کنار رقبایش در این بخش یعنی آنجلینا جولی، برادران داردن و پدرو آلمودوار در محفلی شرکت کرده بود، تصویر دست‌دادنش با خانم جولی باعث اعتراض برخی خبرگزاری‌ها شد. او از موانع زیادی گذشت تا به

سینمای ایران بسیار بالاست و با وجود کمبودها، میزبانی‌ها، محدودیت‌ها و... هنرمندان سرزمین‌مان سالهاست که فیلمهای بسیار خوبی می‌سازند. استاد تقوایی نقل می‌کند که در زمان فستیوال توکیو در کنفرانس مطبوعاتی فیلمهای مستقل سینمای ایران از ایشان می‌پرسند: سینما یک صنعت است و کشور شما که صنعتی نیست، پس چطور همچنین فیلمهایی می‌سازید؟ و آقای تقوایی سؤال این پرسشگر ژاپنی را با سؤالی زیبا پاسخ می‌دهند که: شما که کشوری صنعتی هستید پس چطور همچنین فیلمهایی نمی‌سازید؟ ایرادی که به فیلم جدایی فرهادی گرفته می‌شد این بود که این اثر ایرانی مطلق است و تماشاگر خارجی با آن نمی‌تواند ارتباط برقرار کند، در حالی که بعد از نمایش آن مشخص شد که موضوع طلاق، مهاجرت، آرزایم و... موضوعاتی جهانی است که حتی منتقد معروف انگلیسی بعد از دیدنش اشک ریخت.

فرهادی به خوبی مطلع بود که بعد از کسب جایزه گلدن گلوب چقدر مردم ایران خوشحال می‌شوند و این را در مصاحبه بعد از مراسم جایزه هم گفت که: «خوشحالی مردم کشورم از جایزه برایم مهم‌تر است». مجید توکلی چه زیبا نوشته که: «وقتی همه خواب بودند، تو خوشحالمان کردی و ماجرای تو با همه برنده‌های گلدن گلوب امسال فرق می‌کرد. تو ملت ایران را خوشحال کردی و این اتفاق، امروز گنجینه‌ای است مهم‌تر و با ارزش‌تر از تندبسی که در دستانت بود.»

این جایزه دست یابد، از توقیف فیلم در زمان ساخته شدنش گرفته تا دهها نقد بیشتر غرض‌ورزانه کسانی که راضی به معرفی این فیلم به گلدن گلوب و اسکار نبودند، ولی خوشبختانه این اتفاق فرخنده افتاد و روز ۲۶ دی ماه ۱۳۹۰ شادی تمام ایرانیان را به همراه داشت. خبر پیروزی فرهادی دهان به دهان گشت و در شبکه‌های اجتماعی تحولی عظیم اتفاق افتاد و سیل تریک‌ها بود که سرازیر شد. مریلا زارعی، بازیگر سینما آن را «تزیق خون تازه‌ای به سینمای ایران می‌داند»، مسعود کمبایی، کارگردان باسابقه ایران در پیام تأثیرگذار و مختصرش نوشته: «آقای اصغر فرهادی عزیزم، روزگار ما با شما جان می‌گیرد، جان که خاموش نمی‌شود، از قلم شما را تحسین می‌کنم، سفرها سخت هستند اما سفر دانستگی و رؤیا وسایل خودش را می‌خواهد». معاونت سینمایی وزارت ارشاد و مسئولان سینمایی هم با تأخیری چندروزه، این موفقیت را تبریک گفتند. جایزه گلدن گلوب برای فیلم فرهادی از آنجا اهمیت ویژه‌ای دارد که منتقدان سرسخت و نکته‌بین که به قول معروف «مو از ماست می‌کشند»، آن را از میان این همه آثار مطرح انتخاب و لایق جایزه دانسته‌اند.

به قول استاد تقوایی که گفت: «سینمای ایران جوایز بسیار زیاد بین‌المللی تا به حال کسب کرده، از ونیز گرفته تا کن و شیکاگو، فقط گلدن گلوب و اسکار را کم داشت که به لطف فرهادی یکی را گرفته و دومی را هم خواهد گرفت.» باید اضافه کنیم پتانسیل



موسسه زبان فرانسه Le monde de la langue française

جهت تقویت، و پیشرفت دانش آموزان و بزرگسالان در وست آیلند به شرح زیر برگزار میشود

- درس تقویتی
- کلاس‌های کمک درسی
- انجام تکالیف مدرسه
- کلاس‌های آماده سازی برای انتقال از (welcome class) classe d'accueil به مدارس عادی
- کلاس‌های آماده سازی، برای امتحان‌های ورودی به مدارس خصوصی

ارزیابی اولیه به صورت رایگان انجام خواهد شد و در پایان هر ماه ارزیابی کاملی از دانش آموزان به عمل خواهد آمد هم چنین کلاس‌های بزرگسالان نیز به صورت نیمه خصوصی دایر هستند

زمان : دوشنبه تا پنجشنبه‌ها از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۹:۳۰ و شنبه‌ها از

ساعت ۱۰ تا ۱۴:۰۰

مکان: 4915 A, Bld St. Charles

Pierrefonds H9H 3 E4

برای ثبت نام با خانم مینا طیرانی تماس حاصل فرمایید

(514) 961-4579

رستوران شیراز

Shiraz Restaurant

Bring your wine

5625 Sherbrooke W • 514-485-2929

شنبه شب‌ها

رقص عربی • بوفه • بارزرو قبلی

بوفه ۲۵ دلار

جوجه کباب • کباب کوبیده • خورش • سالاد • سوپ • نوشابه

برای کیتترینگ جشن‌ها و مراسم گوناگون در خدمت شما

اما در اینجا به تعدادی از جوایز گلدن گلوب امسال اشاره می‌کنیم: **■** جایزه یک عمر دستاورد هنری به بهترین کارگردان: مارتین اسکورسیزی برای فیلم «هنگو» **■** بهترین فیلم درام: «نسل‌ها» به کارگردانی الکساندر پاین **■** بهترین بازیگر مرد درام: جرج کلونی در فیلم «نسل‌ها» که باز هم سر لئوناردو دی کاپریو بی‌کلاه ماند! **■** بهترین بازیگر زن درام: مریل استریپ برای فیلم «بانوی آهنین» که او رکورددار بیشترین تعداد نامزد شدن گلدن گلوب با ۲۶ نامزدی و ۸ بار گرفتن این جایزه است. به نظر باید هر سال جایزه‌ای برای او در نظر بگیرند و دیگران جدا به رقابت پردازند!

■ بهترین فیلمنامه: وودی آلن برای «نیمه‌شب در پاریس» که نیکول کیدمن آن را معرفی کرد ولی طبق معمول آلن در مراسم نبود. همیشه جایزه در این گردهمایی‌ها خالی است.

■ بهترین انیمیشن: «ماجراهای تن تن» اسپیلبرگ، که جسیکا آلبا و چانینگ تاتوم آن را اهدا کردند. کاش این جایزه را به طور مساوی به «رنگو» هم می‌دادند که انصافاً بی‌نظیر بود.

■ بهترین بازیگر کمدی-موزیکال: میشل ویلیامز برای فیلم «هفته من با مریلین»

■ بهترین موسیقی: لودویک بوری برای فیلم «آرتیست»

■ بهترین بازیگر زن مجموعه‌های کوتاه یا فیلم تلویزیونی: کیت وینسلت

■ بهترین بازیگر مرد نقش مکمل: کریستوفر پلامر برای «مبتدی‌ها»

■ بهترین بازیگر مرد مجموعه‌های کوتاه یا فیلم تلویزیونی: ادیس الب

■ بهترین سریال کمدی-موزیکال: «مجموعه خانواده مدرن»

■ بهترین فیلم کمدی-موزیکال: «آرتیست» که جین فوندا معرفی کرد.

■ بهترین بازیگر کمدی-موزیکال: ژان دوژاردن که حرکت آخرش که مثل فیلم صامت «آرتیست» با لب‌زدن بی‌صدا تشکر کرد، بسیار زیبا



تراکتور به دروازه آسیا رسید

■ بابک سرانی آذر



همیشه منحصر به فرد و تأمل برانگیز بود. حسین عسگری، نایب رئیس کمیته داوران که معمولاً هرگز درباره اشتباهات داوری زیر بار نمی‌رود و هر اتفاقی بیافند با صدایی بلند و رسا از داوران پراشتباه فوتبال ما دفاع می‌کند، بلافاصله پس از این بازی گفت: بدون تردید پنالتی گرفته شده برای تراکتورسازی اشتباه بود و گلی که باعث برتری تبریزی‌ها شد اصلاً درست نبود. در دیدار تراکتورسازی و داماش گیلان متأسفانه غلامرضا جباری به اشتباه یک پنالتی به نفع تراکتورسازی تبریز اعلام کرده و گل برتری تراکتورسازی روی همین پنالتی به ثمر رسید. در این صحنه به هیچ وجه هیچ خطایی اتفاق نیفتاد.

صدای چرخ‌های تراکتورسازی بار دیگر شنیده می‌شد و اهالی فوتبال که پایتخت‌نشینی و تشکیل جلسه در اتاق‌های گرم ساختمان سیاه فدراسیون فوتبال را به درد دل با اهالی کم‌بضاعت فوتبال در سایر استان‌ها ترجیح می‌دهند بار دیگر دچار دلپره شدند.

نکند این تیم آسیایی شود! نکند این جمعیت میدان بین‌المللی پیدا کند! کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال هم که معمولاً احکام بسیار جالب خود را با تأخیر و پس از یک یا دو هفته صادر می‌کند یک روز پس از نزدیکی تراکتور به صدر جدول در بیانیه‌ای اعلام کرد: «دیدار دو تیم صبای قم و تراکتورسازی تبریز در قم برگزار

شاگردان امیر قلعه‌نویی در هفته بیست و یکم رقابت‌های فوتبال باشگاهی ایران، موسوم به لیگ برتر، مقابل داماش گیلان به برتری ۳ بر یک دست یافتند تا با توجه به ناکامی استقلال مقابل فجر، در یک قدمی صدر جدول بایستند.

در پایان هفته بیست و یکم لیگ برتر ایران، تراکتورسازی تبریز تنها با یک امتیاز اختلاف پشت سر استقلال ایستاده و این در حالی است که بازی بعدی تراکتورسازان تبریز مقابل شهرداری این شهر است و بعید به نظر می‌رسد مردان امیر پاشا برای تصاحب ۳ امتیاز هفته بیست و دوم، حتی یک قدم عقب‌نشینی کنند.

با توجه به بازی نسبتاً سخت استقلال مقابل فولاد در هفته بیست و دوم شاید بتوان لاقلاً از زبان هواداران دو آتشه تراکتورسازی، هفته آینده را هفته صدرنشینی نماینده پروادار آذربایجان لقب داد.

در هفته‌ای گذشت، تراکتورسازی مقابل داماش صفآرایی منطقی و جالبی داشت. این تیم هرگز به ضدفوتبال روی نیآورد و مقتدرانه تا آخرین دقایق بازی حرکات و آرایش تهاجمی خود را حفظ کرد. از طرفی داماش گیلان نیز خود را تیمی بسیار قوی، با برنامه و منسجم نشان داد و در نهایت هر چند تن به شکست داد اما از لحاظ فنی با سربلندی تبریز را به مقصد رشت ترک کرد. اما بازتاب پیروزی تراکتورسازی تبریز مثل

اخبار کوتاه ورزشی

■ شروین برزگر

فدراسیون بین‌المللی تاریخ و آمار فوتبال، اسامی بهترین مدافعان گل‌زن تاریخ فوتبال جهان را اعلام کرد. رونالد کومان، کاپیتان سابق تیم ملی هلند و باشگاه بارسلونا با ۱۹۳ گل به عنوان بهترین مدافع گل‌زن تاریخ لقب گرفت.

لیلا رجیبی ششمین سهمیه ایران در المپیک ۲۰۱۲ لندن را در رشته دو و میدانی، در بخش پرتاب وزنه به دست آورد. لیلا رجیبی موفق شد با پرتاب وزنه به مسافت ۱۷ متر و ۶۰ سانتی متر حدنصاب لازم برای شرکت در المپیک لندن ۲۰۱۲ را به دست آورد.

سارا برک به دلیل ضربه مغزی به هنگام تمرین اسکی در ایالت یوتای آمریکا، جان خود را از دست داد. او از امیدهای اصلی کانادا برای مدال طلای بازیهای المپیک ۲۰۱۴ بود. اعضای بدن برک، بنا به آرزوی او به نیازمندان اعطا شده است.

تیم ملی بلیارد ایران با کسب یک مدال طلا و یک مدال برنز اسنوکر و همچنین یک مدال برنز ناین بال توسط تختی زرعیانی، در دومین دوره مسابقات ورزش‌های بلیاردی غرب آسیا در سه رشته اسنوکر، ایت بال و ناین بال به کار خود در این مسابقات پایان داد.

رضا عنایتی با گل‌زنی مقابل راه‌آهن در هفته بیستم لیگ برتر، شمار گل‌های زده خود را در لیگ برتر به ۹۷ رساند و همچنان بهترین گل‌زن تاریخ لیگ باقی ماند. آرش برهانی پس از او، با نود و دو گل زده جای دارد. همچنین عماد محمدرضا با ۶۹ گل زده، بهترین گل‌زن خارجی تاریخ لیگ برتر است.

ارغوان رضایی تنیس‌باز ایرانی فرانسوی، در دور نخست مسابقات اوپن استرالیا، اولین گرند اسلم سال، دو ست پیاپی را به «شوی پنگ» از چین واگذار کرد و از دور مسابقات حذف شد.

تیم ملی فوتبال ایران در ماه ژانویه با کسب ۶۲۳ امتیاز با یک پله صعود به رده ۴۴ بهترین تیم‌های جهان رسید. تیم ملی ایران پس از ژاپن (نوزدهم) - ۸۶۹ امتیاز، استرالیا (بیست و یکم، ۸۶۶ امتیاز) و کره جنوبی (سی‌ام،

آموزشگاه سازنگ
برگزار می‌کند
با بهترین مدرسین ایرانی و غیر ایرانی

تدریس در:
Downtown, NDG, West Island, South Shore

کلاس‌های موسیقی:
گیتار، ویلون، سنتور، پیانو، تار،
سه تار، گمانچه، تنبور، تنبک

برای اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید
(514) 690 6343

هر روز هر روز

مونترال < > تورنتو < > مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخ‌های باور نکردنی

Montreal : 514-887-0432
Toronto : 647-822-2529

پویا برگزار می‌کند:

کلاس‌های تقویتی
فیزیک، شیمی، ریاضی، زیست‌شناسی،
فرانس، انگلیسی
برای دوره‌های
دبستان و دبیرستان

3418 Stanley, Montreal H3A 1R8
metro Peel

514-802-9485 514-690-6343 Métro Peel

Maryam & Rose
استتیکه الکترونیکی لیور
4491-A St. Charles Blvd – Pfds, QC, H9H 3C7
(SPQ Concept)
514-833-1519 & 514-694-3735

فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران

هر روز به جز دوشنبه‌ها مرغوب‌ترین گوشت و مرغ و ماهی،
انواع برنج، چای، عرقی‌ها، سبزی خشک و ...

(514) 369-3474 Marché de poisson et viande 5780 Sherbrooke West, Montreal QC, H4A 1X1

شد که ایمان عالمی‌احد، از مربیان تراکتورسازی تبریز به دلیل اعتراضات داوری از محوطه فنی اخراج شد. همچنین به دلیل رفتار ناشایست امیر قلعه‌نویی وی نیز از سوی داور مسابقه اخراج شد. بر همین اساس عالمی، مربی تیم تراکتورسازی به توبیخ کتبی و درج در پرونده و پرداخت ۵ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شد. امیر قلعه‌نویی نیز به مدت یک جلسه از همراهی تیم خود محروم و به پرداخت ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شد. همچنین به دلیل تخلفات تماشاگران دو تیم تراکتورسازی تبریز و صبای قم، هر دو تیم به پرداخت ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شدند.

این کمیته در ادامه بیانیه خود آورد: «به دلیل تخلف محمدحسین جعفری، مدیرعامل باشگاه تراکتورسازی تبریز مبنی بر مصاحبه غیرمجاز به تذکر مبنی بر رعایت مقررات و پرداخت ۲۰ میلیون

مشکل اصلی در این میان کزرفتاری و بی‌عدالتی در فوتبال ایران نیست، چرا که چنین مسائلی دیگر برای فوتبال مناطقی چون آذربایجان، کردستان، خراسان و... امری قدیمی و تکراری تلقی می‌شود اما مشکل اصلی فراتر از این مباحث و در میان خود مردم خودنمایی می‌کند.

به راستی علت اصلی ضدیت با تراکتورسازی از سوی مالکان غیرفوتبالی فوتبال ایران، همچون سردار عزیز محمدی و داور عسگری در چیست؟ شاید برای خواننده چنین قیاسی، دست‌اندازی مفهومی ایجاد کند اما سؤال نویسنده این است که: اگر به عنوان مثال، فیلم «جدایی نادر از سیمین» تا این حد که دیدید در فضای داخل کشور سیاسی نمی‌شد، آیا این‌گونه زیر تیغ بدخواهان قرار می‌گرفت؟ و سؤال اصلی فارغ از مثال مطرح‌شده این که: اگر پان‌تورکیسم برای چند هفته



ریال جریمه نقدی محکوم شد.» این بیانیه برای اهالی سیاست، یادآور تندی بیانیه اژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه منطقه فوردو ایران بود و به یک حکم ورزشی که علیه یک باشگاه ورزشی صادر شده باشد کوچکترین شباهتی نداشت.

از طرفی امیر قلعه‌نویی پس از اخراج در قم، یک بازی تیمش را از روی سکو تماشا کرده بود و معلوم نبود این حکم دیرهنگام، سکونشینی دیگرباری را برای ژنرال فوتبال ایران در نظر گرفته یا خیر!

سایه سنگین خود را از فوتبال تبریز بردارد، آیا فشار غیرمنطقی و بی‌عدالتی آزادکننده فوتبال ایران دست از سر تراکتورسازی برنخواهد داشت؟ آیا اگر آنان که خود را فرزندان ستارخان می‌دانند و متأسفانه توجهی به سرایران ندارند برای حتی یک بازی دست از شعارهای سیاسی برداشته و تیمشان را در مسیر فوتبال پاک و ناب هدایت کنند، دیگر بهانه‌ای برای باز نشدن دروازه‌های آسیا به روی تراکتورسازی تبریز باقی خواهد ماند؟

خانواده: تغذیه سالم

دکتر پرویز قدیریان | www.allnaturalremedies.net / www.cancerriskinfo.com

رابطه پارکینسون و بیماری قند



متأسفانه عسل‌های تقلبی چینی در بازار کمپانی‌های بزرگی مانند شرکت‌های هواپیمایی رسوخ کرده‌اند و با قیمت ارزان آنها را در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند و کسی هم در این مورد صحبت نمی‌کند. اخیراً چینی‌ها آموخته‌اند که عسل‌های تقلبی آنها خریدار ندارد، به همین دلیل برجسب‌های مکزیکی و حتی کانادایی بر روی کالاهای خود گذاشته و آنها را به کشورهای دنیا، حتی خود کانادا می‌فروشند.

روغن یا اسانس سیر و درمان بیماری‌های قلبی

دانشمندان دانشگاه اموری در آتلانتا، ماده جدیدی را در روغن یا اسانس سیر شناسایی کرده‌اند که بهترین دارو برای درمان صدمات ماهیچه‌های قلب پس از سکته قلبی و عوارض آن است. این ماده Diallyl Trisulfide نام دارد و تا به حال بر روی موش‌های آزمایشگاهی تجربه شده و نشان می‌دهد که تزریق آن پس از تولید یا بروز سکته قلبی در موش‌ها قادر است تا حدود ۶۱ درصد از صدمه ماهیچه‌های قلب جلوگیری کرده و یا آن را ترمیم نماید.

باید اضافه کرد که فعلاً هیچ دارویی قادر نیست تا این حد در بهبودی مجدد قلب پس از سکته قلبی یا ناهنجاری‌های نارسایی قلب کارایی داشته باشد. اصولاً در سکته قلبی به علت نرسیدن اکسیژن و خون کافی به ماهیچه‌های صدمه‌دیده‌ی قلب، مرگ زودرس به وجود می‌آید ولی این ماده شیمیایی موجود در سیر به سرعت طی فعالیت پیچیده‌ای از این عمل جلوگیری می‌کند. موضوع مهم دیگر اینکه این ماده حیاتی در تولید Ferroportin که سبب آزاد شدن آهن ذخیره در بدن می‌شود، نقش دارد. ماده مورد بحث می‌تواند با سرعت اکسیژن را از طریق ریه‌ها به تمام بافت‌های بدن برساند و در هنگام سکته قلبی و یا بعد از آن، از بروز عوارض ناهنجار جلوگیری

بازار در تسخیر عسل‌های قلبی این سالها به خاطر از بین رفتن درصد بالایی از زنبورهای عسل، به دلیل محصولات گیاهی که از نظر ژنتیکی دستکاری شده‌اند و به خاطر حشره‌کش‌ها و استفاده از تلفن‌های همراه و غیره، بازار عسل‌های تقلبی رواج زیادی پیدا کرده است. سودجویان با استفاده از آب قند و شکر و شیرهای مختلف، به همراه مقدار کمی عسل طبیعی یا اسانس عسل طبیعی، عسل‌هایی به بازار عرضه می‌کنند که نه تنها خواص عسل را ندارند، بلکه برای سلامتی و بهزیستی زیان‌بار هستند. با صاف کردن عسل‌های معمولی می‌شود موم و بعضی از مواد خارجی آن را جدا کرد ولی هرگز نمی‌شود گرده‌های طبیعی گل‌هایی را که زنبور عسل با خود به کندوی عسل آورده و در ترکیب عسل وجود دارد جدا نمود. در این صورت بهترین روش تشخیص عسل طبیعی، دیدن گرده‌ها یا Pollen در عسل است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که تقریباً تمام عسل‌هایی که از چین به کشورهای دنیا صادر می‌شوند عسل طبیعی نیستند، بلکه از شیر و آب قند و مواد دیگر درست شده‌اند که باید از مصرف آنها دوری کرد.

بیماری پارکینسون بعد از بیماری آلزایمر یکی از مهمترین بیماری‌های سیستم اعصاب مرکزی است و یک درصد مردم دنیا که مسن‌تر از ۶۵ سال هستند، به آن دچارند. پژوهشگران کشور فنلاند طی بررسی علمی بزرگ و دنباله‌داری که بر روی افراد مبتلا به بیماری قند نوع دو انجام دادند، دریافتند که امکان بروز بیماری پارکینسون در آنها ۸۳ درصد بیشتر از افرادی است که بیماری قند ندارند.

این گروه معتقدند که بالا بودن قند خون با ترکیب بعضی از اسیدهای آمینه، سبب تحولات پیچیده‌ای بر ترشح و عملکرد آنزیم Glycolytic می‌گردد و رایکال‌های آزاد فراوانی را در بدن به وجود می‌آورد که در نهایت صدمه غیرقابل برگشتی به سیستم اعصاب مرکزی وارد می‌سازد و موجب بیماری پارکینسون می‌شود. برای جلوگیری از بروز این دو بیماری خسته‌کننده باید از عوامل بروز آنها، مخصوصاً چاقی و پرخوری و بالا رفتن قند خون و عوامل دیگر دوری کرد و اگر هم به بیماری قند مبتلا شدید، با دقت و کنترل قند خون از بروز بیماری پارکینسون جلوگیری کنید.

کند. مبلغ ۴۷ تریلیون دلار، مخارج درمان بیماری‌های مزمن پیش‌بینی می‌شود که اگر روش‌های جدیدی برای پیشگیری و درمان بیماری‌های مزمن کشف و شناسایی نشود، تا سال ۲۰۳۰ مخارج نگهداری و درمان فقط پنج نوع از بیماری‌های مزمن، مانند سرطان، بیماری قند، بیماری‌های قلب و عروق، بیماری‌های ریوی و بیماری‌های روانی از مبلغ ۴۷ تریلیون دلار می‌گذرد و از نظر مالی دولت‌های دنیا را با مشکلات غیرقابل‌جبرانی روبه‌رو خواهد کرد. در حال حاضر درآمد کل کشورهای دنیا حدود ۶۳ تریلیون دلار در سال است و طبق برآورد متخصصان امور مالی دنیا در سال ۲۰۲۰، پنج بیماری مزمن یادشده حدود ۷۵ درصد درآمد سالانه دنیا را به خود اختصاص خواهد داد. آلودگی محیط زیست، استفاده از مواد شیمیایی بیماری‌زا، تغذیه نامناسب، نداشتن فعالیت بدنی و ناتوانی در پیشگیری و درمان بیماری‌ها سبب شده که درصد بزرگی از کل بودجه دنیا صرف نگهداری و درمان بیماری‌های مختلف گردد و مخارج ضروری دیگر مانند آموزش و پرورش و غیره حذف شود که این خود، آینده تاریکی را پیش رویمان قرار می‌دهد.

* دکتر پرویز قدیریان، استاد دانشگاه مونترال در تغذیه، استاد دانشگاه مک‌گیل در سرطان‌شناسی و کارشناس سازمان بهداشت جهانی است و با چند نشریه معتبر تخصصی همکاری دارد.

www.allnaturalremedies.net
www.cancerriskinfo.com

www.cancerriskinfo.com

Multissage

Centre d'activités éducatives,
culturelles et éditoriales

سازمان آموزشی مولتی ساژ با همکاری بهترین دانش آموزان دانشگاهی کلاسهای زیر را برگزار می کند:

۷ روز هفته
با پارکینگ
رایگان



■ کمک درسی (دبستان، دبیرستان، کالج)
فرانسه، ریاضی، فیزیک، انگلیسی و علوم طبیعی

■ آماده سازی آزمونهای

TFI, TEF, TEFaQ
OQLF برای داوطلبان ورود به نظامهای صنفی
TOEFL, IELTS



■ تمرین آزمونهای عملی و نظری

OIIQ ویژه پرستاران
MCCQE (Part II) ویژه پزشکان



■ ترجمه متون دانشگاهی
فارسی به فرانسه و انگلیسی

■ ویرایش متون دانشگاهی
انگلیسی و فرانسه

Suite 250
3333, Cavendish Bd.
Montréal (Qc), H4B 2M5

Tél. : (514) 770 1771
Email : direct@multissage.ca
www.multissage.ca

خواهند دید و بنا به نتایج کارشان دستمزد خواهند گرفت. چرا این مسأله مهم است؟ چون که مستقل از تواناییهای کم و بیش قطعی ما برای تضمین برابری واقعی در مدرسه، همیشه کسی خواهد بود که در فروشگاههای بزرگ صندوقداری کند، به شما فرآوردههایی را که مصرف می کنید بفروشد، سفارش شما را برای خوراک از پیش آماده بپذیرد، درخواستهای شما را یادداشت کند و یا به تلفنتان پاسخ دهد و این شخص جزء اکثریت دستمزدگیران آمریکایی خواهد بود. هر اصلاحاتی را بتوانیم در سامانه آموزشی ایجاد کنیم، این گروه از کارها همواره خواهند بود. نتیجه آن که، از نظر اقتصادی محض، هیچ دلیلی وجود ندارد که همه ما به دانشگاه برویم. قطعاً میتوانیم برای آموزش دانشگاهی ارزشی دیگر به جز ارزش اقتصادی قائل شویم، با این حال در میان ما کسانی مجبور خواهند بود در مکدونالد، یا شرکتیهای مشابه کار کنند که حدود ۳ میلیون نفر را با میانگین دستمزد ۱۶۴۳۰ دلار در سال به کار می گیرند. در چنین شرایطی، دیگر تحصیلات بالاتر به درآمد بالاتر نمی انجامد: این [شمارگان] برگه های دستمزدند که بیش از [نمرات] مدارس نمایانگر گستره نابرابری اجتماعی و اقتصادی اند. ثروت در بالای هرم اجتماعی متمرکز می شود چرا که در کف این هرم چیزی باقی نگذاشته است.

این متن کوتاه شده را، دکتر محسن حافظیان، از همکاران لوموند دیپلماتیک فارسی، برای نشر در اختیار «هفته» گذاشته است. از ایشان سپاسگزاریم.

جان مارشال نویسنده کتاب زیر است که توسط Monthly Review Press در سال ۲۰۱۱ در نیویورک منتشر شده است: Class Dismissed. Why we cannot teach or learn our way out of inequality

2) Congressional Budget Office, « Trends in the distribution of household income between 1979 and 2007 », octobre 2011, www.cbo.gov

3) Nicholas Kristof, « Occupy the classroom », The New York Times, 19 octobre 2011.

4) National Public Radio, 3 novembre.

5) Dana Goldstein, « Can Teachers Alone Overcome Poverty ? Steven Brill Thinks So », The Nation, New York, 10 août 2011

همانطور که از نام «ستون آزاد» برمی‌آید، این صفحه بخشی است که به هر ایرانی، و در وهله‌ی اول، به هر ایرانی ساکن مونترال فضای ابراز نظر می‌دهد. انتشار نوشته‌های این ستون در چارچوب باور بنیادین ما به آزادی بیان صورت می‌گیرد.

«هفته» در برابر نظرات داده شده در این صفحه مسولیتی ندارد. مرزهای آزادی در این صفحه توسط قوانین کانادا تعریف شده است و سلیقه‌ی سردبیر و دیگر همکاران هفته در آن نقشی ندارد. تحریریه هفته

پیام مهم فرساد برای هموطنان ساکن مونترال

خبر بسیار داغ هفته:

«فرساد محمدی، ایرانی آواره و بی‌خانمان در مترو بن‌اوانتور به ضرب گلوله پلیس کشته شد.»
خبر دردناک و تأسف بار است و خشم ایرانیان را برمی‌انگیزد. پلیس مونترال و اینهمه خشونت بی‌جا و غیرانسانی! نه! با هیچ یک از موازین حقوق بشری و معیارهای انسانی قابل سنجش نیست. صدای اعتراض کامیونیتی ایرانی این شهر بلند است در حالی که جنازه فرساد بدبخت در بی‌پناهی و بی‌کسی مطلق در سردخانه در انتظار هموطنانی است که از سر غیرت و انسانیت و یا وظیفه شرعی! او را تحویل گرفته و به آرامگاه ابدیش بسپارند.

این خبر یک چند روزی داغ است و دهن به دهن می‌چرخد و ماه و خورشید و فلک در کارند ولی بعد دیگر هیچ! چرا که از گوشه گوشه دنیا خبرهای دلخراش‌تر و مهم‌تری به گوش می‌رسد که از کشتارهای دسته‌جمعی انسانهای بیگناه، از غارت و چپاول ثروتهای ملی آنان و نتیجه آن از فقر و گرسنگی‌ها، آفت‌های اجتماعی، از بهره‌کشی‌های انسانی، از اسارت‌ها، شکنجه‌ها و بلایای طبیعی... و حکایت دارد.

خصوصاً خبرهای وطن عزیزمان ایران که قشر عظیمی از هموطنان بیچاره‌مان زیر بار هزاران مشکل حقوقی و اجتماعی و اقتصادی خوار می‌شوند و خرد می‌شوند. ارزش‌ها به سرعت تغییر ماهیت می‌دهند. اگر زمانی دزدی، دروغ‌گویی، کلاهبرداری، رشوه، حق‌کشی و فحشا ناپسند بود و انگشت‌نما، الان همه‌گیر می‌شود و عرف جامعه و عموم مردم را دربرمی‌گیرد. عاملین آن فاتحین فخرپروشی هستند که غبطه و حسادت دیگران را برمی‌انگیزند. جامعه به صورت میدان مسابقه‌ای درمی‌آید که همه در هر سطحی در تلاشند این راه آسان و ساده و پرسود را بپیمایند و گوی مسابقه را از دیگران برابند و به جمع ثروتمندان و مرفهین جامعه بپیوندند. اینها همه خبرهایی است که حتی در این ور آب دل هر ایرانی مسئول و آگاهی را به درد می‌آورد. اما چه باید کرد. شاید ما خوش‌شانس‌تر از هموطنان داخل‌مان بودیم که

از گرداب هولناک و اجتناب‌ناپذیر ورشکستگی اخلاقی به دور ماندیم و زیر سایه حاکمیت قانون توانستیم حداقل تا حدودی پاسدار ارزش‌های اخلاقی خود باشیم.

و اما با این جامعه ایرانی کوچکی که در مونترال داریم چه بکنیم؟ آیا بنشینیم تا فرسادهای دیگری در غربت و بی‌کسی و بی‌پناهی مطلق کشته شوند و آنگاه مدعی حق و حقوق بعد از مرگ وی باشیم؟

من که به عنوان یک ایرانی تا حالا از وجود هموطن خانه به دوش خودم اطلاعی نداشتم. شما چی؟! در واقع چند نفر از ایرانی‌های این شهر از این موضوع دردناک آگاه بودند؟! کدامیک از سازمانهای رنگ و وارنگ دائر در مونترال که در حوزه خوب و انسانی دفاع از حق و حقوق انسانها و حل مشکلات آنان فعالیت می‌کنند در جریان آوارگی یک ایرانی بودند؟

اگر نشریات فارسی‌زبان مونترال را ورق بزنیم در ستون سازمانها به شماره تلفن خانه ایران برمی‌خوریم و اینجاست که تناقض این دو عبارت متعجبمان می‌کند: «خانه ایران و ایرانی بی‌خانمان!» درست است که به صورت فیزیکی خانه‌ای در کار نیست ولی درینغ از یک تکاپو و اطلاع‌رسانی!

اکنون برای فرساد بیچاره چه فرقی می‌کند بسوزانندش، در چاله‌ای بیندازندش، در جای گمنامی دفن کنندش و یا حتی تحویلش دهند؛ ولی ۴ سال زندگی دربه‌دردی وی در زمانی که زنده بود و نیاز داشت. هر لحظه‌اش متفاوت می‌شد و شاید چنین پایان دردناکی انتظارش را نمی‌کشید؛ اگر جامعه ایرانی منسجم و مسئولی همانند دیگر جوامع مهاجر داشتیم، اگر انرژی این جامعه به جای همگرایی صرف کوبیدن همدیگر، توهین به هم، پایین کشیدنهای هم و باطل کردن نام همدیگر با زدن مهرهای کوبنده و مؤثر و یا پراکندن شایعات گوناگون نمی‌شد، اگر می‌توانستیم همدیگر را تحمل کنیم و در دیار غربت یار و غمخوار و کس و کار هم باشیم، و از همه مهم‌تر اگر سازمانهای مرتبط با مسائل انسانی در تعریف وظایف خود تجدید نظر می‌کردند، مطمئناً فرساد و فرسادهای چنین سرنوشتی نداشتند.

فرساد آمده بود پناه بگیرد ولی در بی‌پناهی مطلق زندگی کرد و در بی‌کسی جان باخت. هم‌اکنون هم نمی‌دانیم او کی بود و چرا بی‌خانمان شد. آیا واقعاً آن‌طوری که شایع است مشکل روانی داشته یا عذری است جهت توجیه بار مسئولیتی که بر دوش همه قرار دارد. بر

فرض هم از ناهنجاریهای روانی رنج می‌برده است، چرا من هموطن و همزبانان از وی بی‌خبر بودم. برای ما آسان‌ترین راه محکوم کردن پلیس مونترال است برای شلیک غیر اصولیش. این مقوله درست، اما این موضوع چگونه بار مسئولیت من ایرانی را در برابر هموطنم کم می‌کند؟!

حال با دفن فرساد که افتخار آن نصیب هر سازمانی که باشد، پرونده بدبختی‌های یک ایرانی بسته شده و به راحتی در بایگانی قرار خواهد گرفت و به سرعت به دست فراموشی سپرده خواهد شد.

او رفت و اما این سؤال را برای ما باقی گذاشت که آیا فرساد آخرین نفر بود؟ آیا فرسادهای دیگری در همین شهر خودمان که برای ما بیشتر قابل دسترسی است تا داخل ایران، با بدبختی‌های گوناگون به سر نمی‌برند؟

بعد از این چه باید کرد؟ که دیگر شاهد همراهی هویت ایرانی - صاحب تمدن پر افتخار گذشته و تنها صاحب اولین منشور حقوق بشر در دنیا! - با نام آوارگان، خانه‌به‌دوشان، سرخوردگان، متقلبین، دروغگویان و خلافکاران نباشیم. واقعاً «چه باید کرد»؟

تا زمانی که این سؤال در درون هر فرد ایرانی نهادینه نشده و برای پیدا کردن جواب و راه حل مناسب تلاشی نشود، تا زمانی که به جای غرق شدن در اعماق تاریخ دیروز و ورق زدن صفحات خاک‌خورده آن و بسنده کردن به افتخار این که کی بودیم و چی داشتیم، به حالمان نیندیشیم و تا زمانی که در قید زنجیرهای غرور نژادی و ستیزهای ملی و قومی باقی مانده و به این واقعیت تلخ بی‌نبریم که امروز همه ما به عنوان ایرانی در کجای این کره خاکی قرار داریم! متأسفانه بازهم شاهد اتفاقات متعدد این چنینی خواهیم بود. باید زنجیرهای اسارت تمدن گذشته را پاره کرد. «چشمها را باید شست، جور دیگر باید دید». باید واقعیت‌ها را دید، باید شروع کرد. از امروز، از «من» و از «درون من» باید شروع کرد و برای امروزمان باید چاره‌ای اندیشید.

من - نویسنده این مطالب - به عنوان یک ایرانی با دلی دردمند، بسیار شرمنده از این همه غفلت و بی‌خبری از حال و روز ایرانی هموطن خودم هستم. جوانی که در این شهر پر از ملیت‌های مختلف، به ذلت در گوشه خیابان زندگی کرد و به خواری مرد در حالی که هم هویت من بود و در تمام آن افتخارات درخشان با من شریک بود.



برنامه های فرهنگی، تفریحی و آموزشی فرهنگسرای سینا

جموعه جلسات آموزشی تنظیم رزومه شغلی و کاریابی

جلسات یک هفته در میان تشکیل خواهد شد

به این جلسات با هدف آشنایی مهاجران با اصول تهیه رزومه و کاریابی و به همت آقای دکتر ایرج بهشتی تشکیل می شود. میهمان این جلسه آقای مهندس قدرت جهانبخش از شرکت

Pratt & Whitney

موضوع: چگونه در کانادا کار پیدا کنیم و آن را حفظ کنیم؟
یکشنبه ۱۹ ژانویه ۲۰۱۲ از ساعت ۱۷ تا ۱۹
درب سالن ساعت ۱۶:۳۰ باز خواهد شد

یکشنبه ۱۹ فوریه

جلسه ای با گروهی از مشاورین مالی و مشاور مسکن برای ایرانیان علاقه مند به آشنایی با فرصت های سرمایه گذاری، خرید و فروش مسکن و سرمایه گذاری در مسکن و تهیه وام برگزار خواهد شد.

فرهنگسرای سینا از کلیه افرادی که در یکی از شاخه های هنری دارای سابقه هستند دعوت به همکاری می نماید.

آموزش مکالمه زبان انگلیسی (مبتدی، متوسط و پیشرفته)

آموزش مکالمه زبان فرانسه (مبتدی و متوسط)

آموزش موسیقی: دف، سنتور، ویولن، پیانو، گیتار الکتریک

Tel: 514-488-3000 E-mail: pr@seena.ca
www.Seena.ca

6028 St Jacques, Montréal, QC H4B 1T6

نمی‌کند. قبل از او هم برادران انصاری فرد می‌آیند و میلیاردها هزینه می‌کنند و تازه سوءمدیریتشان باعث می‌شود که پرونده‌های بی‌شماری از شکوائیه‌هایی که امضای آنها در زیر قراردادهای هست به دیوان عالی فیفا ارسال شود. حتی تیم در زمان محمدحسن انصاری فرد با کسری ۶ امتیاز مواجه می‌شود اما باز هم شاهدیم که محمدحسن انصاری فرد همچنان مدیرعامل راه‌آهن، در روزگار به اصطلاح خصوصی‌سازی است و هنوز از عباس انصاری فرد به عنوان یکی از کاندیداهای همیشگی پست مدیرعاملی پرسپولیس یاد می‌شود. این قصه در زمان داریوش مصطفوی هم بهتر نبود. او با قطعی شروع کرد، با پیروانی ادامه داد و بعد به وینگادا رسید و باعث شد کلی هزینه روی دست باشگاه پرسپولیس باقی بماند و تیم هم به جایی نرسد. این قصه‌ها در زمان خطیب و غمخوار و عابدینی... هم ادامه داشت. ۳۲ سال بر رأس این باشگاه مدیرانی آمدند که تنها به دنبال خرید بازیکن و مربی و قهرمانی‌های کوتاه‌مدت بودند اما اکثراً ناموفق بوده و تازه پستهای دیگری هم گرفتند و جالب اینجا است که باز هم قرار است با محمد رویانیا هم همین کار را تکرار کنند. محمد رویانیا که میراث‌دار میلیاردها بدهی حاصل از هزینه‌های گذشتگان خود است امروز در چه اندیشه‌ای است؟ از روز اولی که این مدیر غیرفوتبالی پا به عرصه فوتبال گذاشته است چقدر در پی تغییر شرایط و ساختن زیرساختها بوده است؟ با کمال تأسف باید اعلام کرد که پاسخ به این سؤال این است که او بسیار اندک در پی ساختن بنزی به جای گذاشتن بوق بنزی بر پیکانی بوده است. رویانیا نخست با اریکسون ناکارآمد سالهای اخیر مذاکره می‌کند و آن قدر شتاب‌زده عمل می‌کند که حاضر می‌شود شأن خود و باشگاه پرسپولیس را پایین بیاورد و به جزیره کیش رود به خدمت جناب اریکسون برسد و نتیجه‌ای هم نمی‌گیرد و حالا به دنبال مصطفی دنزلی است که می‌گویند قرار است سه میلیون دلار، نزدیک به ۴ میلیارد و پانصد میلیون تومان هزینه شود تا تیمی را رهبری کند که عملاً شناس کسب قهرمانی در هیچ جامی را ندارد. پرسپولیس که در جام حذفی حذف شده و در لیگ در فاصله ۱۴ امتیازی از صدر است و بیشتر بازی‌های دور برگشتش را باید با حریفان مهمش چون سپاهان و تراکتورسازی و نفت آبادان و صبا و ملوان و فولاد اهواز در خانه آنها بازی کند. دنزلی عملاً بازیکنان خودش را انتخاب نکرده و معلوم نیست با توجه به دوری خود از میداین فوتبال به علت

بیماری چقدر می‌تواند دو باره همان دنزلی چند سال پیش باشد، اما فرض کنیم که مصطفی دنزلی بتواند در لیگ قهرمان و در رقابتهای لیگ قهرمانان باشگاههای آسیا هم موفق باشد؛ آیا با این دو قهرمانی تمامی مشکلات پرسپولیس حل می‌شود؟ باید بگوییم تیمی چون پرسپولیس نمی‌تواند خیلی راحت با تعویض مربی یا آوردن چند ستاره به قهرمانی آسیایی برسد. نگاهی به فوتبال جهان بکنیم. آیا سرمایه‌گذاری شیخ آل‌مکتوم در منچستر سیتی توانست این تیم را در اروپا موفق کند؟ جلیسی که سالها است سرمایه‌گذاری‌های فراوانی کرده است هیچ‌گاه به قهرمانی اروپا نرسید و این روزها به هیچ عنوان شباهتی به تیم مورینیو دهه اول قرن ۲۱ ندارد، هر چند آن روزگار هم در عرصه‌های بین‌المللی چندان موفق نبود. بسیاری دیگر از تیمها چون اینترمیلان و فولام و لیدز یونایتد سالهای پیش نشان داده‌اند که تنها پول حلال مشکلات نیست هر چند که آنها در کنار خرید بزرگانی چون مانچینی و توز و سمیر نصیری... به زیرساختهای خود هم توجه کرده‌اند. به پرسپولیس برمی‌گردیم. آیا تیمی که زیرساختهای اولیه فوتبالش تقریباً صفر است و زمین تمرین ندارد و استادیوم خانگی ندارد و توان سرمایه‌گذاری بر روی جوانان و نوجوانان و امید ندارد، به علت معضلات اقتصادی نمی‌تواند درآمدزایی کند و بیلان سراسر منفی خود را سر و سامان دهد تا وارد بازار بورس شود، به کجا باید برسد؟ فوتبالی که به علت کمبود امکانات هرساله باید سهمیه‌های خود را از دست دهد و هنوز بهترین ستاره‌هایش بازیکنانی چون کریمی و مجیدی هستند که در سالهای آخر بازیگری خود هستند و برای جوانانش و نوجوانانش و امیدهایش به علت کمبود نقدینگی هیچ برنامه درازمدتی ندارد با حضور دنزلی و کرانچار و حتی آری هان و کی رش به کجا می‌خواهد برسد؟ گویی دست‌اندرکاران فوتبال ما یاد گرفته‌اند به جای ساختن بوستانی از گل در پی ساختن گلخانه‌ای باشند و این گلخانه‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری‌های فراوانی هستند که با توجه به بحرانهای اقتصادی جهان و نوسانات پول نفت همواره نمی‌تواند برای فوتبال ما وجود داشته باشد و آیا باید این انتظار را داشته باشیم که شیر نفت ما باز شود تا فوتبال گلخانه‌ای دوام داشته باشد؟ آیا حکایت بوق بنزی تا دنزلی را می‌توانیم سالها ادامه دهیم؟ تجربه و عقل و منطق به این سؤال پاسخ منفی می‌دهد.



الهی بهره‌ور گردی به چشم خویش می‌فرستم

سبک و روش نقاشی

پروفیسور هنر میناتوری و هنرهای دیگر را از قبیل تذهیب و نقش قلمدانی‌ها و پورتیت‌ها به شکل میناتوری ریالیزم و کلاسیک کار کرده است و سبک بهزاد را استادانه تعقیب نموده است.

استاد دهها تحسین‌نامه، مدال و بخششی از اراکین بزرگ دولت، بخصوص از شاه امان‌الله دریافت نموده است.

به قول غلام‌علی امید، هنرمند، شاگرد و خواهرزاده‌ی ایشان، او برعلاوه‌ی رسامی و نقاشی در موسیقی، شعر و ادبیات ذوق و دسترسی داشته و به زبان‌های ترکی ازبکی (زبان مادری) ترکی استابولی، فارسی دری و زبانهای خارجی به زبان انگلیسی و آلمانی تکلم می‌کرده است.

پروفیسور به کشورهای انگلستان، هالند، فرانسه، بلجیم و ایتالیا مسافرتها نموده و از مراکز صنایع نفیسه و هنرهای زیبای ممالک مذکور دیدن کرده، بهره برده و بر ذخایر فرهنگی و هنری خود افزوده است.

بعد از سفر اروپا پروفیسور به روز سه‌شنبه هشتم ماه حوت ۱۳۰۲ خورشیدی وارد کشور می‌گردد و از طرف منسوبین وزارت معارف وقت، دوستان و اقارب از وی پذیرایی گرم و شایان صورت می‌گیرد. مکتب صنایع نفیسه‌ی کابل به ابتکار پروفیسور به روز چهارشنبه دوازده قوس ۱۳۰۲ خورشیدی برای بار اول توسط شاه امان‌الله طی مراسمی رسمی افتتاح می‌گردد. اولین عمارتی که شاگردان دروس‌شان را در آن آغاز می‌کنند کوتی لندنی در جوار پل آرتل بوده است.

پروفیسور معلم رسامی و نقاشی شهزادگان از جمله شاه امان‌الله نیز بوده و ازین سبب اعضای آن خاندان به او به نظر احترام می‌نگریستند. (شاید یکی از عللی که حبیب‌الله سراج او را در جمله‌ی مشروطه‌خواهان اعدام نکرد همین مسأله بوده باشد).

تاریخ وفات

پروفیسور صبح روز چهارشنبه پنجم قوس ۱۳۱۴ خورشیدی، به سن ۶۲ سالگی در منزل شخصی‌اش در باغ نواب کابل جان به جان آفرین می‌سپارد و در زیارت عاشقان و عارفان کابل به خاک سپرده می‌شود. باید یادآور شد که مقبره‌ی شهید میر عبدالقادر مینگ باشی پدر پروفیسور در جوار سندیوم ورزشی کابل قرار دارد.

برای دوستانی که دلچسپی بیشتر به زنده‌گی و آثار پروفیسور میمنگی دارند، رجوع کنید به کتاب دوکتور عنایت‌الله شهرانی به عنوان «شرح احوال و آثار پروفیسور غلام‌محمد میمنگی».

را با شاخ و برگ آراستند، و این بود پایان کار.

خاطرات و تصاویر دوران جوانی با وجود گذشت سالها واضح و شفاف در برابر چشمان کم‌فروغ کاسکوش ظاهر می‌شدند. کاسکوش تعجب می‌کرد که چطور در سال‌های بعد رئیس قبیله شده بود، به چه کارهایی دست زده بود، چقدر مردم پلی (۱۱) او را لعن و نفرین کرده بودند و چطور

در جنگ تن به تن، خنجر به دست با سفیدپوستان جنگیده بود.

زمانی بس طولانی غرق در خاطرات دور و دراز جوانی‌اش بود تا این که شعله‌های آتش فروکش کرد و موجی از سرما به او هجوم آورد. این بار دو تکه هیزم روی خاکستر انداخت، تا با این باقیمانده هیزم‌ها زندگی لرنانش را اندکی طولانی‌تر کند. اگر سیت-

کام- توها چند بغل هیزم بیشتر به او می‌داد، زندگی‌اش ساعتی طولانی‌تر می‌شد. برای او کار سختی نبود ولی او از همان بچگی دختری سر به هوا بود، از وقتی هم که گلویس پیش بیور (۱۲) نوه زینگ-ها گیر کرده بود، سر به هوا تر شده بود. چه می‌شود کرد؟ مگر خود او در اوج جوانی غیر از این بود! لحظاتی

گوشش را به سکوت پیرامون سپرد. شاید قلب پسرش به رحم آید و با سگ‌هایش برگردد تا پدر پیر خود را به میان قبیله برگرداند، جایی که گوزن‌های فریه فراوان هست.

گوش‌هایش را تیز کرد، ذهن بی‌قرارش لحظه‌ای آرام گرفت. نه حرکتی و نه هیجانی. او بود و تنهایی، که در آن فضای مه‌آلود و سکوت عظیم نفس می‌کشید. آها!

چه صدایی بود؟ موجی از سرما سراسر بدنش را درنوردید. زوزه‌ای

دیرآشنا و طولانی سکوت حاکم را درهم شکست، زوزه‌ی جانوری در آن نزدیکی. در برابر چشمان تار شده‌اش گوزن نر و پیری را دید، با تهیگاهی دریده و خون‌آلود و با بال سوراخ سوراخ شده، با شاخ‌های بزرگ

- 1) Geehoww / 2) Tusken /
- 3) Shaman / 4) Kootee / 5)
- Moccasin / 6) Klondike / 7)
- Pelly / 8) Tananas / 9) Zing-
- ha / 10) Yukon / 11) Pellys
- / 12) Beaver

سرگرمی و خانواده

■ گردآوری و تنظیم: حمیده غیاثوند



جدول سودوکو

توضیح: خانه‌های جدول روبرو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

		3	4		2		9	5
9		8			1	6	2	
	4	2		5				8
8							6	
	9	7				5	8	
	6							7
5				3		2	4	
	3	9	5			7		6
7	2		9		4	8		

▲ آسان

2		4		8		1		
	3	7		6		2	9	
		9						
		1	4					7
	7			2			5	
3					8	9		
						3		
	6	3		9		5	2	
		2		7		8		9

▲ متوسط

					2	7		
	7			8	4	1		6
		4			7		5	
						9		5
		3				7		
2		8						
	4		2			5		
1		5	7	9				6
	6	7						

▲ سخت

اضافه و غذا را سرو کنید.
در کنار این غذا استفاده کنید. از این غذا به عنوان اردور می‌توان استفاده کرد.

طرز تهیه چاشنی انبه:

مایونز، انبه، گشنیز طرز تهیه چاشنی انبه:
مایونز، انبه، گشنیز تازه و فلفل سیاه را در کاسه‌ای بریزید و خوب هم بزنید تا مایه کاملاً غلیظ و یک‌دست شود. مایه را روی پاستا بریزید و پیازچه را روی ظرف نثار کنید.



نکته هفته:

نکته هفته:
مهم نیست چه مدرکی دارید، مهم این است که چه درکی دارید...

سخن هفته:

آرزو سرایی است که اگر نابود شود، همه از تشنگی خواهند مرد...

نقل قول هفته:

جبران خلیل جبران: آموختن تنها سرمایه‌ای است که ستمکاران نمی‌توانند به یغما ببرند.

روش زندگی:

مأیوس مباش زیرا ممکن است آخرین کلیدی که در جیب داری، قفل را بگشاید!

ده توصیه دوستانه یک فیلسوف

افسرده:

(۱) مدرسه رفتن بی‌فایده است چون آگه باهوش باشی معلم وقت تو رو تلف می‌کنه، آگه خنگ باشی



ادامه در صفحه بعد

آشپزی هفته:

■ فریده خوش‌عاطفه

پاستا با مرغ و انبه



مواد لازم برای ۴ تا ۶ نفر:

پاستا ۵۰۰ گرم
گوشت سینه مرغ مکعبی خردشده ۷۵۰ گرم
انبه خلال شده ۵۰۰ گرم
شاه بلوط تازه یا کنسرو ۲۵۰ گرم

مواد لازم برای چاشنی انبه

سس مایونز کم‌چرب ۱ پیمانه
انبه پوره‌شده ۱/۲ پیمانه
پیازچه پاک‌شده و خردشده ۴ عدد
گشنیز تازه خردشده ۲ قاشق سوپ‌خوری
فلفل سیاه نصف قاشق چای‌خوری

طرز تهیه:

قابلمه گودی را تا نیمه آب کنید و روی حرارت بگذارید تا آب جوش بیاید. یک قاشق سوپ‌خوری نمک و دو قاشق سوپ‌خوری روغن مایع داخل آب جوش بریزید و پاستا را به آن اضافه کنید. سپس اجازه دهید ۲۰ دقیقه بجوشد تا بپزد و نرم شود. بعد پاستا را در آبکش بریزید و روی آن آب سرد بگیرید. حالا پاستا را کنار بگذارید تا آب آن برود.
سپس پاستا و مرغ پخته و خردشده، انبه و شاه‌بلوط خردشده را در ظرفی بریزید و چاشنی انبه را روی آن

تو وقت معلوم.

(۲) دنبال پول دویدن بی‌فایده است، چون آگه بهش نرسی از بقیه بدت میاد، آگه بهش برسی بقیه از تو.

(۳) عاشق شدن بی‌فایده است، چون یا تو دل اونو می‌شکنی یا اون دل تورو یا دنیا دل هردوتونو.

(۴) ازدواج کردن بی‌فایده است، چون قبل از ۳۰ سالگی زوده، بعد از ۳۰ سالگی دیر.

(۵) بچه‌دار شدن بی‌فایده است، چون خوب از آب در میاد که از دست بقیه به عذابه، یا بد از آب در میاد که بقیه از دستش به عذابن.

(۶) پیک نیک رفتن بی‌فایده است، چون یا بد می‌گذره که از همون اول حرص می‌خوری یا خوش می‌گذره که موقع برگشتن غصه می‌خوری.

(۷) رفاقت با دیگران بی‌فایده است، چون یا از تو بهترن که نمی‌خوان دنبالشون باشی یا ازشون بهتری که نمی‌خواهی دنبال باشن.

(۸) دنبال شهرت رفتن بی‌فایده است، چون تا مشهور نشدی باید زیر پای بقیه رو خالی کنی ولی وقتی شدی بقیه زیر پای تو رو خالی می‌کنن.

(۹) انقلاب کردن بی‌فایده است، چون یا شکست می‌خوری و دشمن اعدامات می‌کنه یا پیروز می‌شی و برای حفظ قدرت مجبوری دوستانت را اعدام کنی.

(۱۰) وبلاگ نوشتن بی‌فایده است، چون یا خوب می‌نویسی که مطلبتو به اسم خودشون می‌فرستن و حرص می‌خوری، یا بد می‌نویسی که مطلبتو

نمی‌خونن و حرص می‌خوری.

حکایت هفته: منطق چیست؟

دو شاگرد پانزده ساله دبیرستان نزد معلم خود آمدند و پرسیدند: استاد اصولاً منطق چیست؟

معلم کمی فکر کرد و جواب داد: گوش کنید، مثالی می‌زنم، دو مرد پیش من می‌آیند. یکی تمیز و دیگری کثیف، من به آن‌ها پیشنهاد می‌کنم حمام کنند. شما فکر می‌کنید کدام یک این کار را انجام دهند؟ هردو شاگرد یک‌زبان جواب دادند: خوب مسلماً کثیفه! معلم گفت: نه، تمیزه. چون او به حمام کردن عادت کرده و کثیفه قدر آن را نمی‌داند. پس چه کسی حمام می‌کند؟ پسرها گفتند: تمیزه! معلم جواب داد: نه، کثیفه، چون او به حمام احتیاج دارد و باز پرسید: خوب، پس کدام یک از مهمانان من حمام می‌کنند؟ یک بار دیگر شاگردها گفتند: کثیفه! معلم دوباره گفت: اما نه، البته که هر دو! تمیزه به حمام عادت دارد و کثیفه به حمام احتیاج دارد.

خوب بالاخره کی حمام می‌گیرد؟ بچه‌ها با سردرگمی جواب دادند: هر دو! معلم بار دیگر توضیح می‌دهد: نه، هیچ‌کدام! چون کثیفه به حمام عادت ندارد و تمیزه هم نیازی به حمام کردن ندارد! شاگردان با اعتراض گفتند: بله درسته، ولی ما چطور می‌توانیم تشخیص دهیم؟ هر بار شما یک چیزی را می‌گویید و هر دفعه هم درست است. معلم در پاسخ گفت: خوب پس متوجه شدید،

این یعنی منطق! و از دیدگاه هر کس متفاوت است.

چیستان هفته:

آن چیست که گرگ دو تا دارد اما سگ یکی؟

دو لطیفه‌ی هفته:

طرف می‌ره رستوران می‌گه: غذا چی دارین؟

گارسون می‌گه: کاستیدگیلینکوفینوستا با لیمو!

طرف می‌گه: کاستیدگیلینکوفینوستا با چی؟

پروردگارا! خودت می‌دانی که مبارزه در راه آزادی کار پرزحمت و خطرناکی است! ما را همین‌جوری که در خانه‌مان پای فیس‌بوک لم داده‌ایم بر ظالمین پیروز بگردان... آمین!

دانستنی‌های هفته: چگونه

اندامی زیبا داشته باشیم؟

شیوه صحیح قرار گرفتن بدن، یا به عبارتی صاف ایستادن، مسأله مهمی است که روز به روز بیشتر به دست فراموشی سپرده می‌شود. روزهایی که سر کار و در مدرسه می‌گذاریم پر از عادات‌ها و تکلیف‌هایی است که به شکلی کاملاً دور از فاکتورهای انسانی

—ارگونومی— انجام می‌گیرند. چند مثال آشنای این موارد: کار با کامپیوتر، کیف‌های رودوشی یا کوله‌پشتی بسیار سنگین و قرار دادن گوشی تلفن بین گردن و شانه است.

پشت ما، بهای تمام این رفتارهای نادرست را می‌پردازد. بنابر نتایج یک تحقیق در دانشگاه دوک (Duke University)، درد پشت در آمریکا سالانه هزینه‌ای معادل ۹۰ میلیارد دلار دربردارد.

گذشته از پشت‌درد، وضعیت نادرست بدن می‌تواند مشکلات دیگری از جمله تحلیل مفاصل و آرتروز فرسایشی را نیز ایجاد کند. به گفته شرلی سارمن (Shirley Sahrman) استاد ورزش درمانی در دانشکده طب دانشگاه واشنگتن: «قرار گرفتن نادرست، ماهیچه‌ها و مفاصل را به شدت تحت فشار قرار می‌دهد و زمینه را برای پشت‌درد و آرتروز فراهم می‌کند.»

به این ترتیب که مثلاً قرار گرفتن در فضای کاری که نادرست چیده شده باشد، موجب می‌شود که شخص بالاتنه خود را به جلو خم کرده، فشاری مضاعف بر ستون مهره‌ها وارد کند و همین موجب تاب برداشتن تدریجی ستون مهره‌ها می‌شود. در مرحله بعد مردم عضلات خود را با این حالت قرارگیری جدید وفق می‌دهند. به تدریج ماهیچه‌های سینه کوتاه شده، عضلات شکمی ضعیف می‌شوند و از طرف دیگر عضلات پشت، بلند و بیش از حد کشیده می‌شوند.



NASSER RENOVATION

شرکت تعمیرات ساختمان ناصر برای همه‌گونه
تعمیرات منزل و محل کارتان
م خدمت شماست

ارزیابی رایگان
514-975-1515
www.nasser-renovation.com



شیرینی بی‌بی
با شیرینی های سنتی، دسرهای ایرانی و غذاهای سرد ایرانی در جشن ها و مراسم کوتاه‌تون همراه شما هستیم.
514-334-6528 www.biblicookies.ca



سالن آرایش و زیبایی ایو با مدیریت جدید
Eve & M
با خدمات کامل / متخصص آرایش عروس
Cote-St-Luc Metro: Villa Maria 5393
514-481-6765 / www.eveandm.com

سالن آرایش و زیبایی شهرزاد
SHAHRZAD BEAUTY SALON
UNISEX



● اپیلایون
● مانیکور
● پدیکور
● رنگ
● هایلایت
● الکترولیز
● برآشنگ
● ویشال
● بند و ابرو
● صاف کردن مویا کرانین
● کوپ، مش، فر

salonshahrzad@yahoo.ca
6963 Sherbrooke W. H4B 1R1
514 489 6901 514 228 1111

رضا داودی
مترجم رسمی در کبک و ایران
عضو جامعه مترجمان رسمی در کبک و ایران

مترجم رسمی دادگستری
ترجمه رسمی مدارک و اسناد

مراجعه با هماهنگی قبلی

Adresse: 3418, Stanley,
Unite R2, Montréal H3A 1R8
Téléphone: 514 691 4383
Courrier: rezadavoudi78@yahoo.fr



این طرز قرارگیری بدن می‌تواند غضروف میان مهره‌ها را فشرده و از بین ببرد. در طول زمان، این حالت می‌تواند به آرتروز فرسایشی منجر شود. به طور خلاصه، «بدن ما برای نشستن در تمام روز ساخته نشده است.»

برای مبارزه با این خمیدگی رایج، صاف نگه‌داشتن پشت بهترین و ساده‌ترین راه به نظر می‌رسد. اما بنا به گفته جان کرایستمن (John Christman) صاف ایستادن کافی نیست. شما باید عضلات خود را در مقابل خمیدگی ورزیده کنید و آنها را در جهت عکس آن کشش دهید. کرایستمن که دارای فوق تخصص بیوفیزیولوژی است، برای دستیابی به بدنی متعادل و «رعنا» یک برنامه ورزشی برای کشش و تقویت عضلات به وجود آورده است. او می‌گوید: «طرز قرار گرفتن صحیح این نیست که ستون مهره‌ها را در اثر صافی بیش از حد پشت از بین ببریم. اصل مطلب قوی کردن عضلات است و همین، مشکل را حل می‌کند.»

نکاتی کوچک اما با اهمیت درباره سلامت اندام

هرگز کیفی را که روی یک شانه قرار می‌گیرد، پر و سنگین نکنید. از پوشیدن مداوم کفش پاشنه‌بلند خودداری کنید. بر روی تشک سفت بخوابید و هنگام خواب به پهلو یا پشت قرار بگیرید. گوشی تلفن را بین شانه و گردن نگه ندارید. صفحه مانیتور کامپیوتر باید در زاویه ۱۵ درجه قرار بگیرد. هر یک یا دو ساعت از پشت میز بلند شده و در اتاق حرکت کنید.

کرایستمن و همکارش بون (Bohne) برای مبارزه با خمیدگی چند توصیه دارند. ابتدا با پاسخ به پرسشهای زیر ببینید که طرز قرار گرفتن بدن شما چگونه است:

آیا در پایان یک روز کاری، گردن و شانه‌هایتان خسته‌تر از بقیه بدن‌تان هستند؟ آیا عضلات شانه شما به طور مشخصی بیش از بقیه بدن‌تان ورزیده است؟ آیا عضلات شانه و کتف شما محکم هستند؟ آیا ماساژ گردن و شانه آسایش بسیاری برایتان به همراه دارد؟ اگر پاسخ شما به هر یک از این پرسشها مثبت باشد، باید طرز قرارگیری بدن‌تان اصلاح شود. چگونه فرم قرارگیری بدن را بهبود بخشیم؟

عضلات شکم خود را در قسمت ناف کمی منقبض کنید! این انقباض را به سمت پشت بکشید و به عبارتی «شکم خود را تو دهید». این کار ماهیچه‌های شکمی را محکم کرده و قفسه سینه را تقویت می‌کند.

عضلات سینه را کشش دهید! رو به دیوار بایستید، یک دست خود را به سمت خارج بدن و چسبیده به دیوار - با زاویه ۹۰ درجه نسبت به بدن - قرار

جواب چیستان:
حرف «گاف»

آگهی ارزان برای مشترکان هفته: هر هفته فقط ۶ دلار

قابل توجه متقاضیان امتحان آئین نامه رانندگی
نرم افزار تخصصی سئوالات گواهینامه رانندگی ایالت کبک
به زبان فارسی و انگلیسی به همراه جواب سئوالات

514-566-0178

تعلیم رانندگی نینا

با کمک مربی آزموده و با
سابقه، گواهینامه خویش

را به آسانی بگیرید

514-844-9731

ترجمه رسمی و دعوت نامه شهاریار بخشی

514-624-5609

514-889-3243

سازمان های فرهنگی و اجتماعی در مونترال

انجمن دفاع از حقوق بشر ایران - مونترال

Tel: (514) 299-1787

Addhi2005@gmail.com

انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک
www.ajpq.qc.ca

انجمن دوستداران زرتشت
با هدف بازشناساندن جشن های باستانی
Tel: (514) 731-1443

انجمن زنان ایرانی مونترال
نشست ثابت اولین یکشنبه هر ماه ۱۰:۳۰ صبح
8043 St. Hubert 5148194648

انجمن فرهنگی ایرانیان وست آیلند
مدرسه فارسی - هر شنبه از ساعت ۱۲:۳۰
2900 Lake / Tel: (514) 626-5520

انجمن ادبی - محمد فاضل
سخنرانی های ادبی، اجتماعی و تاریخی
Tel: (514) 651-7955

بنیاد سخن آزاد
کنسرت های موسیقی اصیل و سخنرانی
Tel: (514) 944-8111

خانه ایران
1117 St. Catherine W #420
Tel: (514) 544-5962

خانه کتاب ایران - میک
کالری - کتاب فروشی - کتابخانه
4438 De la Roche / Tel: (514) 373-5777

جمعیت دوستداران دانشنامه ایران - ایرانیکا
514-651-7955

کتابخانه نیما
5206 Decarie / Tel: (514) 485-3652

کافه لیت
www.Cafelitt.com / info@cafelitt.com

کانون فرهنگی چکاوک
6960 Sherbrooke W
Tel: (514) 787-8848

مدرسه ایرانی دهخدا
مدرسه فارسی - هر شنبه
4976 Notre Dame W / Tel: (514) 827-6364

دوستداران موسیقی کلاسیک (Dialogue)
514-484-8748 / Sheida.g@hotmail.com

بنیاد نیکوکاری ایرانیان مونترال - نیکو
5146244579 / farzint@hotmail.com

فرهنگ سرای سینا
سالن سخنرانی، مراسم و مجالس
514-488-3000 / www.Seena.ca

کانون مهندسی و آرشیوتک های ایرانی در کبک
514-946-5739 / aieaq.mtl@gmail.com

مرکز فرهنگی هنری زاگروس
3418 Stanley, unite# R2
(514) 690-6343 www.zagros.ca

انتشارات مولتی سازه
3333 Cavendish Blvd #250
(514)770-1771

ساوالان، گروه فرهنگی آذربایجان
(514)7685969

آموزش تنیس به مبتدیان

علی وکیلی

alirvakili@yahoo.com

514-834-2095

آموزشگاه رانندگی آریا

با بیش از 20 سال سابقه، با بهای مخصوص برای هموطنان
12 ساعت تمرین / اتومبیل رایگان برای امتحان / سی.دی و کتاب
سئوالات امتحان آیین نامه برای موتورسیکلت موجود است.

رایگان برای تئوری / 350 دلار 514-621-0505

تلفن ارزان به ایران

ریتاکال سیستم تلفنی راه دور با امکانات منحصر بفرد
تماس ارزان با ایران و سایر کشورها با کیفیت استثنائی

www.RitaCall.com 514-906-1527

آموزش گیتار کلاسیک و پاپ توسط رضا رضایی

کیتاریست برگزیده

514-677-8358

تدریس گیتار پاپ
سامان

514-641-2379

تدریس خصوصی زبان انگلیسی

بهرام رحیمیان

با بیست سال سابقه تدریس زبان

سطوح پایه، میانه و پیشرفته

514-886-9563

کلاسهای رایگان محاوره انگلیسی و فرانسه در بهائی ستر مونترال

انگلیسی: شنبه ها ۳ تا ۵ بعدازظهر

فرانسه: یکشنبه ها از ۱:۳۰ تا ۳:۳۰ بعدازظهر

Address: 177 Pins avenue East, Montreal QC H2W 1N9 Tel: (514)849-07 53

چاپ رایگان : استخدام و آگهی های غیر تجاری ، اجاره ، خرید و فروش اتومبیل و ...

استخدام

کافه رستوران آکسفورد به یک آشپز ماهر برای تهیه غذاهای خورستانی نیازمند است.
تمام وقت / با حداقل دستمزد

Resto Cafe Oxford, 5630 Sherbrooke west Montreal, Quebec H4A 1W5

oxfordcafe@hotmail.com 514-939-1600

اجاره

آپارتمان دو خوابه در نانز آیلند
زیبا و تمیز / ۵ دقیقه تا مرکز
خرید/ با گاراژ و سونا و جکوزی
۵۱۴۷۹۲۴۵۷۷

محل آگهی شما

محل آگهی شما

نیاز مندی ها

فقط با ۱۰ دلار در ماه!
نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

پیش شماره های
نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

پریشیا ۴۸۹-۸۴۸۴	پوشه ۵۷۵-۸۴۵۱	انتشارات مولتی ساژ ۷۷۰-۱۷۷۱	اتومبیل (فروش) Auto Highlander ۹۹۰-۲۵۰۰
گل لینک فلاور-وحید ۹۸۳-۱۷۲۶	هفته ۷۸۷-۸۸۴۸	بیمه و سرمایه گذاری پژمان اسدی ۵۶۲-۲۳۴۰	اتومبیل (تعمیرگاه) اتو رایدر ۶۳۴-۱۱۱۱
طراحی زاگرس ۴۸۹-۸۶۸۶	رستوران-پیتزا - کیترینگ پریشیا ۴۸۹-۸۴۸۴	علی پاکژاد ۲۹۶-۹۰۷۱	اطلس ۴۸۴-۴۴۸۱
عینک سازی Ovu & Osu Optician ۵۰۹-۴۱۲۷	چوپان کباب دابل پیتزا ۴۵۰-۶۷۸-۹۳۲۲	نغمه ثابت ۲۸۷-۳۶۹۰	اتومبیل (لوازم یدکی) لوازم یدکی آلفا ۹۳۵-۲۸۲۹
محضر رسمی مونا گلایی ۸۳۱-۲۲۹۳	شیراز فاروس ۲۷۰-۸۴۳۷	پزشکی جایگزین پروین زرساو-همیوپت ۹۳۱-۸۲۷۴	آرایشگاه-زیبایی-اسپا آمنه ۹۳۳-۰۷۶۳
مد و لباس HPadar ۸۴۲-۵۶۰۸	کباب سرا کپلی ۹۳۳-۰۹۳۳	نازنین کاشانی ۸۸۵-۶۲۹۴	فاطمه فریده متخصص لیزر ۴۳۸-۹۳۸-۳۴۹۲
مراکز مذهبی انجمن بهایی ۸۴۹-۰۷۵۳	کلبه عمو جمال کافه صوفی ۴۸۴-۸۰۷۲	ترجمه و دعوتنامه رسمی شهریار بخشی ۶۲۴-۵۶۰۹	زهرة رویا ۴۸۱-۶۷۶۵
بنیاد آیت الله خویی ۳۴۱-۲۲۳۵	نیلوفر / فلافل Cafe Mon Plaisir ۸۴۶-۱۹۴۷	محمدرضا نوشاد جمال ۵۷۵-۷۰۸۰	سوزان علی ۸۱۳-۴۹۴۷
کلیسای ایرانی کلیسای فارسی-کشیش عادل ۹۹۹-۵۱۶۸	شومینه پارس روانشناس - روانکاو ۵۶۴-۹۷۹۰	جواهر فروشی نیک آتین ۹۳۹۲۷۰۰	ارز پاسیفیک ۲۸۹-۹۰۱۱
مرکز اسلامی ایرانیان ۳۶۶-۱۵۰۹	سی.دی - ویدئو تپش دیجیتال ۲۲۳-۳۳۳۶	چاپ و کپی انتشارات فرهنگ ۹۳۱-۹۹۳۱	پنج ستاره شریف ۸۴۶-۰۲۲۱
مشاور املاک مینو اسلامی ۹۶۷-۵۷۴۳	صوتی و تصویری آدیو ویدئو کیک ۴۵۰۰۶۹۱-۴۰۸۶	حسابداری حسن انصاری ۷۳۵-۰۴۵۲	مانی وایز صرافی کانادا ۴۸۸-۵۳۳۳
زاله حافظی ۲۰۷-۹۰۰۰	عکاسی و فیلمبرداری فتو شاپ ۸۴۶-۰۲۲۱	مسافر و بار - مونترال / تورنتو قربان ۵۱۴-۸۸۷-۰۴۲۲	ازدواج و طلاق آژانس های مسافرتی فرناز معتمدی ۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶
نادر خاکسار ۹۶۹-۲۴۹۲	رضای بلادی Sarkani Photography ۹۶۲-۷۳۹۲	شکيب نیا نادر خاکسار ۴۸۷-۱۵۶۶	نرگس حسینی Sky Lwan ۳۸۸-۱۵۸۸
مریم خالقی مهدی رحیمی ۹۸۳-۵۴۱۵	مرجان فرش ۳۵۸-۱۷۹۱	حيوانات خانگی آکوا تروپیکال ۳۴۱-۱۱۷۱	امیر (A.S.A.) آموزش ۸۳۳-۴۰۲۲
مینا صالحی حمید کاغذچی ۷۹۲-۴۵۷۷	قصر فرش ۲۷۷-۸۰۰۰	خشک شویی و خیاطی Excel plus ۹۳۴-۵۶۰۰	آموزش (تعمیرات) پرین عباسی- فارسی ۳۶۸-۹۰۱۲
سیمین ماهری فیروز همتیان ۴۵۱-۴۶۶۳	فرشگاه ها ادونیس ۳۸۲-۸۶۰۶	خطاطی پذیرش سفارش ۹۹۹-۸۷۷۹	مدرسه فردوسی مدرسه وست آلیند ۹۶۲-۳۵۶۵
فیروز همتیان ۸۲۷-۶۳۶۴	ادونیس وست آلیند کوه نور ۶۸۵-۵۰۵۰	دارو خانه لوتیز داداش زاده ۲۸۸-۴۸۶۴	مدرسه دهخدا زبان فرانسه ۸۲۷-۶۳۶۴
مشاور خانواده دکتر ملک ۴۸۸۸۴۵۴	سن لوران میوه و تره بار سامی ۳۶۹-۳۴۷۴	دکوراسیون منزل و محل کار شهروز رضا نیا ۹۳۳-۳۳۳۷	آموزش (راندگی) آریا ۶۲۱-۳۴۵۶
مشاور مهاجرت علی مختاری ۹۰۳-۴۷۲۶	نور وطن ۹۳۲-۲۰۹۹	دندان پزشکی راضیه رضوی ۶۳۴-۷۲۸۱	آموزش (موسیقی) گیتار - رضایی ۶۷۷-۸۳۵۸
نان و شیرینی شیرینی و کیکترینگ بی بی ۳۳۴-۶۵۲۸	متروپولیس (تعاونی رز) کامپیوتر ۸۴۹-۴۲۴۲	دندان پزشکی معصومه دولتشاهی ۶۸۴-۰۱۳۵	موسیقی-داوری موسیقی-سرابی ۵۶۷-۴۷۸۹
معمومه علی محمدی ۲۸۹-۹۰۱۱	بیزنس جلالی CompuXellence ۲۵۸-۸۱۸۶	دندان پزشکی شریف نائینی ۷۳۱-۱۴۴۳	پیانو-فرچه داغی پیانو-متن ۴۸۴-۸۷۴۸
نان و شیرینی شیرینی و کیکترینگ بی بی ۳۳۴-۶۵۲۸	کتاب فروشی / کتابخانه میکک ۳۷۳-۵۷۷۷	دندان پزشکی آذین طاهری ۳۲۹-۲۳۰۳	پیانو-میم بطحایی ویلون و پیانو ۷۱۷-۸۰۲۴
معمومه علی محمدی ۲۸۹-۹۰۱۱	کتاب فروشی / کتابخانه زاگرس ۴۸۹-۸۶۸۶	دندان پزشکی علی شفیعی ۶۸۵-۶۲۲۲	سنتور و عود سنتور - صابر جلیلزاده ۴۱۹-۴۰۳۵
نان و شیرینی شیرینی سرو ۵۶۲-۶۴۵۳	کتاب فروشی / کتابخانه نما ۴۸۵-۳۶۵۲	دندان پزشکی رامین میر موجی ۶۹۵-۸۶۴۱	سنتور و عود-س بطحایی ۲۶۲-۴۰۴۵
نو سازی و تعمیرات ساختمان تی.ام.ان ۸۳۵-۶۲۴۳	کلینیک کلینیک آلفا ۹۳۳-۸۳۸۳	دندان پزشکی فریدون هرنیدیان ۹۴۱-۳۲۰۷	آموزش (نقاشی) حمیرا مرتضوی ۹۳۸-۸۰۶۶
تی.ام.ان Décor chez toi ۹۶۳-۷۹۷۸	کتاب فروشی / کتابخانه کلینیک ۴۸۴-۸۸۰۸	دندان پزشکی سایه ناعم ۳۱۸-۸۹۶۷	
ناصر ۹۷۵-۱۵۱۵	کتاب فروشی / کتابخانه کلینیک ۴۸۴-۸۸۰۸	دندان پزشکی افخم هادی ۷۳۷-۶۳۶۳	
ساخت و ساز Builders علی خاقانی ۵۷۴-۵۷۴۳	کتاب فروشی / کتابخانه کلینیک ۴۸۴-۸۸۰۸	رسانه های گروهی بازار ۸۴۸-۹۵۹۹	
وکیل - مهاجرت دیوید برگر ۹۶۱-۸۷۳۶	کتاب فروشی / کتابخانه کلینیک ۴۸۴-۸۸۰۸		
سام بیات نما حجازی ۸۴۵-۸۱۴۶	کتاب فروشی / کتابخانه کلینیک ۴۸۴-۸۸۰۸		
علی غلامپور ۳۹۵-۰۵۲۲	کتاب فروشی / کتابخانه کلینیک ۴۸۴-۸۸۰۸		
ونسان والابی ۹۵۴-۹۹۹۸	کتاب فروشی / کتابخانه کلینیک ۴۸۴-۸۸۰۸		
وب سایت و شبکه	شومینه پارس ۵۶۴-۹۷۹۰		

Journal HafteH

Un magazine hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the Iranian Community in Montreal

26 jan 2012, numéro 183 – Jan.26.2012, issue No. 183

Index issue 183

Cover story

US Election: Can Obama keep the position?

Interview with US Historian, Gerald Horne

Gerald Horne is an African American historian who currently holds the John J. and Rebecca Moores Chair of History and African American Studies at the University of Houston. He received his PhD from Columbia University and a J.D. from the University of California, Berkeley. He is a frequent contributor to Political Affairs magazine.

Prof. Horne spoke with HafteH about US history and the place of Obama in it

by: Saeed Soltanpour

- Word of the week: A poem by Pablo Neruda
- News of Afghan & Iranian community in Montreal / Mahdiah Mostafaei
- Photo-Report: Protest demo for Saeed Malekpour sentenced to death in Iran / Ryan Shaygan
- News and views of the Afghan community in Montreal / Hasib Fazl
- From our readers: Dinzley and us / Touraj Atef
- Interview with Kianoush Noori, daughter of Hayedeh / Kami Maleki
- Short Story by Jack London: The Law of life / Translated by M.H. Mamteyri
- An Azari folklore / translated by Sahar Vahdati
- A trip through the time and space (10): The Brocken Symmetry / Dr. Omid Saremi
- Cinema: Asghar Farhadi and the great Honor / Atoosa Akhavan
- Sport: by Babak Saraniazar
- Healthy life: Diabetes tied to higher Parkinson's disease risk / Dr Parviz Ghadirian
- Cooking with HafteH: Farideh Khoshatefe
- Fun with HafteH: Hamideh Ghiasvand



We acknowledge the financial support of the government of Canada through the Canada Periodical Fund of the Department of Canadian Heritage



Publication/Publisher:

HafteH Journal

Rédacteur / Editor: **Mehdi Marashi**

Rédacteur en chef/Editor in chief: **Khosro Shemiranie**

Rédactrice/Editor Ottawa : **Dr. Maria Sabaye Moghadam**

Désigner / Designer: **Behrouz Zamani** (BehGraphics.com)

Webmaster: **Payman Salimi & Shervin Barzegar**

Caricaturist: **Sirous Yahyaabadi**

Photographe/ Photographer: **Marjan Rahnvard**

ISSN 1918-4379 HafteH

Prix /Price: \$2.50 - À Montréal: **gratuit / In Montreal: Free**

26 jan 2012, numéro 183 – Jan.26.2012, issue No. 183

Community news: **Mahdiah Mostafaei**

Littérature / Literature: **Ida Esmati**

Cinéma / Cinema: **Atoosa Akhavan**

Sport: **Babak SaraniAzar, Shervin Barzegar**

Sci-Tech: **Hamid Shaygannia**

Fun & Family: **Shervin Barzegar**

Société/ Society: **Sahar Vahdati**

Khosro NoshadRavan, Mitra Roshan

Iran: **Masoud Bastani**

Remerciements particuliers à ceux qui ont contribué à ce numéro

Special thanks to those who contributed to this issue:

Touraj Atef, Reza Davoodi, Dr Zohre Emad, Hasib Fazl,

Parviz Ghadirian, Hamideh Ghiasvand,

Journal HafteH

3418 Stanley, unite# R1

Montreal QC H3A 1R8 Canada

Tel: (514) 787-8848



General: info@hafteh.ca

Editorial: editor@hafteh.ca

Advertising: ad@hafteh.ca

Local News: montreal@hafteh.ca



"میوه و تره بار سامی"

با چهار شعبه بزرگ
در خدمت ایرانیان مونترال

کیفیت: خوب
قیمت ها: غیر قابل رقابت

سامی، جایی که می توانید سبد
خرید خود را پر از میوه کنید اما
کیف پولتان را خالی نکنید

► Laval

1550 Boulevard Daniel-Johnson
Laval, QC, Canada (450) 978-1333

دوشنبه و چهارشنبه ۹ تا ۱۹:۳۰ پنجشنبه و جمعه ۹ تا ۲۱:۰۰
شنبه و یکشنبه ۸ تا ۱۹:۳۰ سهشنبه تعطیل

► Lasalle

400 avenue Lafleur, Lasalle, QC H8R 3H6
(514) 368-1333

دوشنبه و چهارشنبه ۹ تا ۱۹:۳۰ پنجشنبه و جمعه ۹ تا ۲۱:۰۰
شنبه ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰ یکشنبه ۹:۰۰ تا ۱۹:۳۰ سهشنبه تعطیل

► Nord-est Montréal

8200 19E Avenue, Montréal, QC H1Z 4J8
(514) 594-1333

شنبه تا چهارشنبه ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰
پنجشنبه و جمعه ۸:۳۰ تا ۲۱:۰۰

► Head Office

1505 rue Legendre Ouest,
Montréal, QC H4N 1H6
(514) 858-6363

SAMI



FRUITS

GLBOX HD



✓ HD Quality
✓ wireless internet

www.GLWIZ.com
www.GLARAB.com



GLBOX HD 60

GLBOX HD 200

- 256 Mb flash memory
- 1080i output resolution
- External WLAN antenna



دستگاه کنترل از راه دور
پشت دستگاه کنترل از راه دور (کیبورد)

- 2 GB flash memory
- 1080p output resolution
- Built in WLAN antenna
- Automatic WLAN failover option
- Designed in Italy

تماشای بیش از 120 شبکه ایرانی

افغان، تاجیک، کردی، آذری، ارمنی و آشوری

و بیش از 20,000 ساعت فیلم، سریال‌های متنوع و برنامه‌های جذاب ضبط شده که هر زمان که مایلید تماشا کنید

گالری عکس Picasa



سرویس YouTube



سرویسهای منحصر به فرد

Media Center



بیش از 40,000 رادیوی جهانی SHOUTcast



GLBOX HD 200

و GLBOX HD 60

جدید

هم اکنون سرویس جدید GLARAB با بیش از 120 کانال تلویزیونی و 80 کانال رادیویی به زبان عربی ارائه می‌شود.

مشترکین GLWIZ می‌توانند از این پس از طریق GLBOX HD های جدید و یا از طریق GLARAB.com با پرداخت آبونمان جداگانه از سرویس GLARAB نیز بهره‌مند شوند.

برای تهیه GLBOX HD به وبسایت های GLWIZ.com یا GLARAB.com و یا به مراکز زیر مراجعه نمایید

Ottawa

Payless Telecommunication

Tel: 001-613-795-5252

Montreal

UN ELECTRONIC SAT

Tel: 001-514-571-6564

GL Group of GOLD LINE

www.GLWIZ.com

Customer Service
Tel: 1.866.236.2026
001.905.762.5037

Fax: 1.877.800.6421
001.905.709.1910
glwiz@groupofgoldline.com